

الحسن



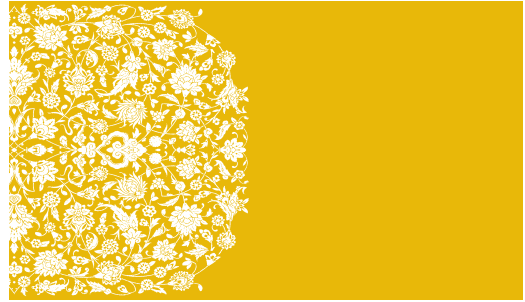
سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

معاونت تربیت و آموزش

سال ۱۴۰۲

همساز

ویژه سربازان بدو خدمت





عنوان و نام پدیدآور :	همیار سرباز: ویژه سربازان بدو خدمت/ جمعی از نویسندگان؛ تهیه کننده سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، معاونت تربیت و آموزش، با همکاری پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام؛ تحت نظر محمدباقر ابراهیمی؛ تلخیص و تدوین یوسف رضایی، اکبر ولی پور و حسن صدیقی.
مشخصات نشر :	تهران: سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، انتشارات دفاع، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری :	۲۰۴ ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ م.س.
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۸۷۴۵-۹۵-۲
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
موضوع :	سربازان -- ایران -- زندگی مذهبی
موضوع :	Soldiers -- Iran -- Religious life
موضوع :	سربازان -- ایران -- راهنمای مهارت‌های زندگی
موضوع :	Soldiers -- Iran -- Life skills guides
موضوع :	علوم نظامی -- ایران
موضوع :	Military art and science -- Iran
موضوع :	سربازان (فقه)
موضوع :	Soldiers (Islamic law)
شناسه افزوده :	رضایی، یوسف، ۱۳۶۴
شناسه افزوده :	ولی پور، اکبر، ۱۳۶۵
شناسه افزوده :	صدیقی، حسن، ۱۳۴۹
شناسه افزوده :	ابراهیمی، محمدباقر، ۱۳۳۹
شناسه افزوده :	سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)
شناسه افزوده :	Imam Sadiq Research Institute for Islamic Sciences
شناسه افزوده :	سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، انتشارات دفاع
رده بندی کنگره :	BP۲۵۴/۱
رده بندی دیویی :	۲۹۷/۶۵
شماره کتابشناسی ملی:	۸۵۰۴۱۳۲



عنوان: کتاب همیار سرباز (ویژه سربازان بدو خدمت)

تهیه کننده: سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح - معاونت تربیت و آموزش

با همکاری پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (علیه السلام)

ناظر علمی: پدالله احسانی

ناظر نهایی: علی شیرازی

تلخیص و تدوین: یوسف رضایی، اکبر ولی پور و حسن صدیقی

طراحی و صفحه آرایی: مرتضی بابازاده

چاپ: مرکز خدمات فرهنگی مطهر

تاریخ چاپ: ۱۴۰۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نشانی ناشر: تهران، میدان نوبنیاده، خیابان شهید لنگری، جنب اداره هواشناسی، ساختمان شهید مطهری، مرکز نشر دفاع.

کد پستی: ۱۴۳۳۹ - ۱۶۹۳۶ تلفن: ۰۸۵-۲۲۹۴۰۰۸۵

پست الکترونیک: nashrdefa@fatehnet.net



امام خمینی (رحمته الله علیه):

«دوران خدمت نظامی برای جوانان کشور بهترین فرصت و مناسبتی است که نظام و ارتش و مسئولین عقیدتی سیاسی می‌توانند از آن استفاده کنند و جوانان عزیز و غیور را با بهترین روش‌های دفاعی اعم از تجربی و علمی یا اعتقادی بارور سازند که برای همیشه و تا آخر عمر سرباز و مدافع اسلام و میهن اسلامی باشند».

صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۱۹



امام خامنه‌ای (مدظله الوارف):

«عزیزان من؛ روح مبارزه و ایستادگی در مقابل دشمن، وقتی به طور کامل و سالم در شما قشر جوان باقی می‌ماند که تقوا، بازگشت به خدا و جهاد اکبر در وجود و زندگی‌تان بگنجد. اگر ما به جوانان توصیه می‌کنیم که طهارت، تقوا، استغفار، اجتناب از گناه، رو آوردن به خدا و توجه به معنویات را سرلوحه‌ی کارها قرار دهند، به این دلیل است که علاوه بر به همراه داشتن سعادت شخصی شما، کشور شما هم به جوانانی نیازمند است که بتوانند حقایق را درک کنند، در میدان‌ها بایستند، توطئه‌ی دشمن را بشناسند و با آن مقابله کنند».

۱۳۴۴/۰۸/۱۰





فهرست مطالب

پیام رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ودجا	۹
مقدمه.....	۱۱
بخش اول: آداب معاشرت (اخلاق و سبک زندگی)	۱۳
درس اول: اخلاق و آداب معاشرت	۱۵
درس دوم: جوانان و وظایف	۲۷
درس سوم: جوان و هویت	۳۲
درس چهارم: جوان و خودسازی	۳۵
درس پنجم: جوان و عزت نفس	۴۶
درس ششم: جوان و پدر و مادر	۵۳
درس هفتم: جوان و جامعه	۶۳
درس هشتم: جوان و گزینه جنسی	۶۸
درس نهم: جوان، آسیب‌ها و راهکارها	۷۳
بخش دوم: معارف قرآنی	۸۵
درس اول: ضرورت و فایده دین	۸۶
درس دوم: اعجاز قرآن کریم	۹۲



درس سوم: انسان شناسی با رویکرد خداشناسی ۱۰۱

بخش سوم: آموزش نماز ۱۰۷

درس اول: سیمای نماز در آیات و روایات ۱۰۸

درس دوم: آثار و فواید نماز ۱۱۴

بخش چهارم: زندگی در پرتو احکام ۱۲۱

درس اول: اجتهاد و تقلید ۱۲۲

درس دوم: پاکی‌ها و ناپاکی‌ها ۱۲۵

درس سوم: طهارت (وضو، غسل و تیمم) ۱۲۷

درس چهارم: اقسام، مقدمات و واجبات نماز ۱۳۲

درس پنجم: مبطلات نماز و برخی از انواع نماز ۱۴۱

درس ششم: محرم و نامحرم ۱۴۹

درس هفتم: احکام رسانه و فضای مجازی ۱۵۵

درس هشتم: مسائل مورد نیاز و جدید (احکام مبتلا به و پرکاربرد) ۱۶۲

جهت مطالعه بیشتر ۱۷۱

آشنایی با حضرات معصومین (علیهم‌السلام) ۱۷۲

کرامات امام رضا (علیه‌السلام) ۱۷۴

الگوهای ایثار و شهادت ۱۷۹

کتابنامه: ۱۸۶



پیام رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ودجا

جوانان عزیز و غیرتمند ایران اسلامی، امیدهای فردای این مرز و بوم کهن و تمدن‌ساز، شما را همچون فرزندان خود عزیز و گرامی می‌دارم و مقدمتان را به «وزارت پرافتخار دفاع» خوش آمد می‌گویم.

از اینکه در کنار مجاهدت و ایثار در میدان رزم و کسب فنون نظامی، به مسئله معرفت دینی و ارزش‌های والای انسانی و پرورش فکر خود توجه می‌کنید، خداوند سبحان را سپاسگزارم، لذا فرصت را مغتنم شمرده، نکاتی چند را به شما فرزندانم یادآوری می‌نمایم:

۱- همانطوریکه مطلع هستید رهبر فرزانه انقلاب اسلامی (مد ظله العالی)، در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، بیانیه مهمی تحت عنوان «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» صادر فرمودند که بخش پایانی آن، شامل هفت توصیه محوری و کلیدی به ملت مومن و انقلابی ایران به ویژه شما نسل جوان می‌باشد. معظم له در آغاز توصیه‌های هفت‌گانه خود، در مورد «علم و پژوهش» فرموده‌اند: «در واقع دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است و روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دویست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و



اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست بگیرد، ...^۱»

۲- سازمان عقیدتی سیاسی ودجا، در راستای انجام رسالت خطیر خود در امر نشر و گسترش فرهنگ و ارزش های اسلامی، با تأسی از رهنمودهای معظم له، مصمم است گام موثری، به منظور تحقق «سبک زندگی»، «اخلاق و معنویت»، «سیره مهدوی» و «زمینه سازی طلوع خورشید ولایت عظمی (عج)» بردارد که با حضور مسئولان و داوطلبان شما عزیزان در دوره های آموزشی و تربیتی؛ این حرکت پسندیده معنوی و علمی؛ نتایج مبارکی را در راستای تحقق آن تدابیر ارزشمند و راهگشا؛ در حوزه های فردی، خانوادگی، سازمانی و اجتماعی، بدنبال خواهد داشت.

۳- فرزندان عزیزم، با عنایت به تدابیر فرماندهی معظم کل قوا (مدظله العالی) به ستاد کل نیروهای مسلح در خصوص توجه به مسأله «مهارت افزایی نیروهای وظیفه»، قرارگاهی تحت عنوان «قرارگاه مهارت آموزی کارکنان وظیفه» تشکیل گردیده که با همکاری دفتر محترم عقیدتی سیاسی فرماندهی معظم کل قوا، مقرر شده علاوه بر مهارت های فنی و حرفه ای؛ در «بخش فرهنگی و هنری» نیز اقداماتی صورت پذیرد. لذا شما می توانید در کنار گذراندن دوران سربازی؛ یک یا چند مهارت فرهنگی و هنری نظیر گویندگی، روایتگری، مجری گری و ... که منجر به کسب مدرک معتبر گردد را فرا بگیرید، تا ضمن رفع دغدغه انتخاب شغل مناسب برای آینده، از مزایای آن برای استفاده در فردایی نه چندان دور، بهره مند شوید.

در پایان انتظار دارم که فرزندان عزیزم فرصت طلایی دوران سربازی را مغتنم شمرده و ضمن فراگیری علوم و فنون نظامی و توجه به معارف و مباحث آموزشی و تربیتی؛ نسبت به کسب مهارت های فنی و فرهنگی اهتمام بیشتری مبذول نمایند تا ان شاء الله پس از پایان خدمت سربازی، با بهره گیری از تجارب علمی و فنی خود، نقش کلیدی و محوری در جامعه ایفا نمایند.

من الله التوفیق
رئیس سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح
سید ضیاء الدین آقاچان پور





مقدمه

«خدمت وظیفه عمومی خدمت واقعا مقدسی است که در جنگ و صلح در صف اول نیازهای ملت و کشور قرار دارند. هم خانواده ها و هم آحاد جوانان باید اهمیت آن را درک نموده و با شوق و علاقه به آن بشتابند.» (فرماندهی معظم کل قوا «مدظله العالی»)

سربازان گرامی همانطور که می دانید، به موجب قانون خدمت وظیفه عمومی، دفاع از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران و جان و مال و عرض و ناموس مردم، وظیفه دینی و ملی هر فرد ایرانی است و در اجرای این وظیفه مقدس، کلیه اتباع ذکور ایرانی مکلف به انجام خدمت وظیفه عمومی مطابق با مقررات این قانون می باشند.

انجام خدمت مقدس سربازی برای برقراری امنیت و آرامش کشور و دفاع از نظام مقدس جمهوری اسلامی، عبادتی بزرگ و وظیفه ای خطیر برای جوانان غیور ایرانی است. سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در راستای انجام مأموریت مهم و محوری «رشد و گسترش فرهنگ و ارزش های اسلامی»، برنامه های مختلفی را برای ارتقاء باورهای دینی و پرورش فکری، اخلاقی و معنوی آحاد کارکنان ودجا به ویژه شما سربازان عزیز، طراحی و برنامه ریزی نموده است که «آموزش های عقیدتی سیاسی دوره بدو خدمت» بخشی از این برنامه ها و دوره ها می باشد.

آنچه در کتاب حاضر می خوانید و با گوش جان از زبان اساتید و مربیان ارجمند در کلاس های آموزشی می شنوید، تلاشی است در جهت پاسخ به سوالات و نیازهای اساسی



شما آینده سازان، در حوزه‌های معارف دینی و اعتقادی، آشنایی با فلسفه، آثار و برکات فریضه نماز، آداب معاشرت و تعامل با خانواده و اجتماع، معارف قرآنی با محوریت نقش و ضرورت دین در زندگی، شناخت اعجاز قرآن و انسان‌شناسی از منظر اسلام و بخشی نیز به صورت ویژه در قالب «پرسش و پاسخ» در نظر گرفته شده است که به باور برنامه‌ریزان حوزه تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی، برای رسیدن سریع‌تر و آسان‌تر به پاسخ سوالات گوناگون مطرح شده، راه میانبر و موثر برای دانش‌افزایی و به عبارت دقیق‌تر، معرفت‌افزایی مخاطبین جویای دانش و معرفت است.

تمام تلاش ما این بوده و هست که برای سهولت در مطالعه و بهره‌برداری از محتوای کتاب حاضر، اولاً مطالب بصورت چکیده و خلاصه در اختیار عزیزان سرباز قرار گیرد و ثانیاً آنچه که مورد نیاز شماست - با رعایت نکات نگارشی و ویرایشی - در قالب متنی ساده، روان و بدون تکلف تدوین گردد.

در پایان ضمن آرزوی توفیق روز افزون، امید است بتوانیم موجبات رضایت و خرسندی شما «جوانان عزیز و غیرتمند، دانا، مؤمن، پیشگام و امیدوار به آینده ایران اسلامی»^۱ را فراهم نموده و با گذراندن دوره‌های آموزش عقیدتی سیاسی؛ اندوخته‌ای هر چند ناچیز را، توشه راه خود در این مسیر پر فراز و نشیب زندگی قرار دهید.

معاونت تربیت و آموزش سازمان عقیدتی سیاسی

وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

مستون آموزش عقیدتی سیاسی

بخش اول آداب معاشرت (اخلاق و سبک زندگی)

درس اول: اخلاق و آداب معاشرت

درس دوم: جوانان و وظایف

درس سوم: جوان و هویت

درس چهارم: جوان و خود سازی

درس پنجم: جوان و عزت نفس

درس ششم: جوان و پدر و مادر

درس ہفتم: جوان و جامعہ

درس ہشتم: جوان و غریزہ جنس

درس نهم: جوان، آسیب ها و راهکارها

مقدمه

جوان و جوانی قطعه زیبای دفتر حیات آدمی است که هر انسانی در گذر عمر فقط برای یکبار آن را تجربه می‌کند؛ نعمتی بی‌بدیل در طول حیات انسان که از دست دادن آن مایه خسران و پشیمانی اوست. توجه و درنگ در اهمیت این بخش از زندگی، تکلیفی است برای هر جوان امروز و فردای ما تا قدر این گوهر گران‌قیمت را بداند و آن را پاس دارد و با یافتن راه و دستگیری راهبر، در مسیر مطلوب گام بردارد.

در این دوران، رشد جسمی کامل؛ و قدرت و توانایی در بالاترین حد قرار می‌گیرد، غرایز جوان بارور شده و وجودش لبریز از انرژی، امید، شور و هیجان می‌شود. به دنبال این عوامل، جوان، نیازهای دیگری مانند تمایل به استقلال، آزادی، ابراز وجود، مقبولیت، کسب هویت و... در خود احساس می‌کند که برای تحقق هر یک از آن‌ها به آگاهی و مهارت احتیاج دارد. افزون بر آن، نیازمند الگوی عملی و رفتاری مناسبی است تا بتواند شخصیتش را منطبق با او شکل دهد. حال اگر از آگاهی‌های لازم برخوردار نباشد و از راهنمایی و ارشاد بی‌بهره بماند، یا نمونه و الگوی مناسبی در اختیار نداشته باشد، انتخاب راه درست برای او دشوار می‌شود و آسیب‌های جدی و گاه جبران‌ناپذیری وی را احاطه می‌کند.

باتوجه به این مسائل، آگاهی یافتن و شناختن عوامل خطرآفرین و راه‌های انحرافی و آسیب‌زا، بر جوان و اطرافیان وی ضروری است؛ لذا در این بخش از کتاب تلاش شده است تا با زبانی ساده و روان به مهم‌ترین و کاربردی‌ترین مباحث اخلاقی و آداب اسلامی پیرامون جوانان و همچنین آسیب‌هایی که آنان را تهدید می‌کند، پرداخته شود.

درس اول: اخلاق و آداب معاشرت

مباحث اصلی درس

معنی و مفهوم اخلاق

معنی و مفهوم آداب

تفاوت ادب با اخلاق

آداب معاشرت آداب سلام و احوالپرسی ۱- آشکارا سلام کردن ۲- رعایت مراتب سلام گفتن

۳- پاسخ شایسته ۴- تساوی در سلام

۵- درست تلفظ کردن سلام

آداب مصافحه (دست دادن) ۱- تکرار ۲- فشردن دست ۳- رها نکردن دست

آداب سخن گفتن ۱- رعایت لطافت و نرمش در سخن گفتن

۲- سودمند بودن ۳- بختگی ۴- میانه‌روی

۵- قابل فهم بودن سخنان ۶- گفتار پسندیده

۷- پرهیز از غیبت ۸- پرهیز از تمسخر

۹- پرهیز از نامیدن به لقب زشت

آداب ناپسند تجسس گمان بد

معنی و مفهوم اخلاق

«اخلاق» جمع خُلُق و خُلُق به معنای سرشت، خوی و طبیعت است. اما اخلاق در اصطلاح عبارت است از علمی که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آن‌ها را معرفی می‌کند و شیوه تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد.

معنی و مفهوم آداب

«آداب» جمع ادب؛ در لغت به معنای تمرین دادن نفس، حسن اخلاق، راهنمای مردم به سوی کار پسندیده و بازدارنده آن‌ها از کار زشت است. «ادب» در اصطلاح به معنای حفظ حدّ و اندازه هر چیزی و تجاوز نمودن از آن است.

تفاوت ادب با اخلاق

برخی به اشتباه تصور می‌کنند که ادب و اخلاق به یک معناست، ولی با مطالعه تعاریف بزرگان درمی‌یابیم که این دو با هم فرق دارند. شیخ طبرسی (ره) به شش تفاوت میان اخلاق و ادب اشاره کرده و می‌فرماید:

۱. اخلاق از مسائل مربوط به روح انسانی بحث می‌کند، ولی آداب مربوط به افعال بدن است؛
۲. مسائل اخلاقی همیشه و در طول زمان ثابت بوده و تغییر در آن‌ها راه ندارد، ولی آداب در زمان‌های مختلف متغیر و متفاوت‌اند؛
۳. مسائل اخلاقی از نظر مکان نیز ثابت داشته و در هر شهری و هر کشوری یکسان است؛ ولی آداب در شهرها و کشورهای مختلف تغییر نموده و آداب هر منطقه مخصوص همان مکان است؛
۴. اخلاق علت است و آداب، معلول و ثمره آن است؛
۵. در روایات اسلامی به آداب بیشتر از اخلاق اهتمام شده است؛
۶. مسائل اخلاقی قابل استدلال عقلی می‌باشند، ولی برای آداب، استدلال عقلی وجود نداشته و تابع ذوق و سلیقه مردم می‌باشند.

آداب معاشرت

انسان‌ها برای برقراری ارتباط مناسب با یکدیگر آداب و رسومی را به وجود آوردند که رعایت آن برای نشان دادن احترام، دوستی و نزدیک شدن به طرف مقابل است. البته، در جوامع مختلف آداب گوناگونی وجود دارد که از جمله این آداب، آدابی را که مغایر دین اسلام نبوده و از سوی خداوند متعال تأیید شده باشد، آداب اسلامی می‌گویند. برای آشنایی بیشتر به برخی از این آداب اشاره می‌شود:



درس اول: اخلاق و آداب معاشرت

آداب سلام و احوال‌پرسی

«سلام» نخستین واژه احترام‌آمیز در برخوردهای اجتماعی است که هیچ زحمت و دردسری برای گوینده آن ندارد، ولی آثار ارزشمند فراوانی دارد. چه بسیار دوستی‌های ارزنده و گران‌بهایی که در پرتو سلام آغاز شده است و چه بسیار دشمنی‌هایی که با سلام گفتن از بین رفته است. در آداب اسلامی، سلام به اندازه‌ای اهمیت دارد که رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند:

«سلام کردن مستحب و پاسخ آن واجب است.»^۱ و همچنین می‌فرماید: «نزدیک‌ترین مردم به خدا و رسول، کسی است که گفتارش را با سلام آغاز کند.»^۲ اما سلام و احوال‌پرسی نیز در اسلام آدابی دارد که عبارتند از:

۱- آشکارا سلام کردن

براساس آداب اسلامی، سلام باید به‌صورت آشکار و با صدای بلند انجام گیرد. امام باقر (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «سلام خود را آشکار کنید.^۳ خدای عزوجل سلام کردن آشکارا را دوست دارد.»^۴

گاه افراد به این بهانه که طرف مقابل جواب سلام آنان را نمی‌دهد، از زیر بار این ادب اسلامی شانه خالی می‌کنند، حال آن‌که بر اساس دیدگاه امام صادق (علیه‌السلام)، پاسخ ندادن فرد مقابل را باید به بهترین حالت تفسیر کرد. چه‌بسا که فرد مقابل صدای سلام را نشنیده باشد؛ از این‌رو، ایشان می‌فرمایند:

«هرگاه یکی از شماها سلام کند، باید بلند سلام کند و نگوید: من سلام کردم و جواب مرا ندادند؛ زیرا شاید سلام کرده و آن‌ها نشنیده‌اند.»^۵

۲- رعایت مراتب سلام گفتن

مستحب است که افراد در سلام کردن بر یکدیگر پیش‌دستی کرده و پیشی بگیرند؛ اما

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۴۴.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان، ص ۶۴۵.

۵. همان.

بهتر است که این پیش‌دستی از طرف فرد کوچک‌تر به بزرگ‌تر، یا رهگذر به نشسته، یا گروه اندک بر بسیار،^۱ یا سواره بر پیاده، یا یک نفر بر جماعت،^۲ یا متأخرین بر متقدمین ورود در مجلس^۳ انجام گیرد.

۳- پاسخ شایسته

در آداب اسلامی، پاسخ هر سلام و تحیتی، باید کامل‌تر از آن یا دست‌کم مطابق آن باشد. منظور از پاسخ شایسته این است که اگر کسی بگوید: «سلام»، باید در پاسخ گفت: «سلام علیکم». اگر کسی بگوید: «سلام علیکم»، باید در پاسخ او گفت: «سلام علیکم ورحمة الله». خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا؛ هرگاه به شما تحیت گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید یا [دست‌کم] به همان‌گونه پاسخ گویند. خداوند حساب همه چیز را دارد» (نساء: ۸۶).

باتوجه به آیه ۶۱ سوره نور منظور از تحیت همان سلام است: «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً؛ هنگامی که وارد خانه‌ای شدید بر یکدیگر تحیت الهی بفرستید» در روایات نیز یکی از آشکارترین نمونه تحیت، سلام کردن است.^۴

۴- تساوی در سلام

نگاه برابر به افراد هنگام سلام کردن از آداب مهمی است که هر فرد مسلمان باید آن را رعایت کند. اختلاف نژاد، زبان، قوم، ثروت، مسئولیت و ... نباید باعث تغییر در روند سلام کردن شود. امام رضا (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «هرکس نوع سلامش به مسلمان فقیر با فرد ثروتمند متفاوت باشد، خداوند عزوجل در روز قیامت بر او خشناک خواهد بود».^۵

۵- درست تلفظ کردن سلام

ادب اسلامی حکم می‌کند که سلام به‌طور کامل تلفظ شود. جوانان متدین و مذهبی سلام را با کامل‌ترین و زیباترین حالت تلفظ می‌کنند. متأسفانه برخی افراد سلام را به‌طور

۱. همان، ص ۶۴۶.

۲. همان، ص ۶۴۷.

۳. همان.

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۳.

۵. محمدبن‌علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، آمالی، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ق، ص ۴۴۲.



درس اول: اخلاق و آداب معاشرت

ناقص تلفظ می‌کنند. آنان نمی‌دانند که تلفظ نادرست این واژه گاه تا چه اندازه معنای ناپسندی دارد.^۱

آداب مصافحه (دست‌دادن)

«دست دادن» یکی از آداب معاشرت است که، به‌طور معمول، بین افراد رایج است. دست‌دادن نیز مانند سلام کردن، کدورت را از بین برده و سبب دوستی و محبت بین طرفین می‌شود.^۲ اما دست‌دادن آدابی دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱- تکرار

دست دادن باید به تعداد دیدارهای روزانه انجام پذیرد. شایسته است که اگر دو نفر چندین بار یکدیگر را ملاقات کردند، به همان تعداد با یکدیگر دست دهند. یکی از یاران امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند که در سفری با ایشان همراه بودم. ایشان هر بار که در میان راه از کجاوه پیاده شده و دوباره سوار می‌شدند به من سلام کرده و به مانند کسی که رفیقش را به تازگی دیده احوال‌پرسی و مصافحه می‌فرمود. به ایشان عرض کردم که این کار شما را هیچ‌یک از مردم انجام نمی‌دهند و اگر دوباره سلام کنند زیاد است؟ فرمود:

«مگر ثواب مصافحه را نمی‌دانی؟ دو مؤمن به هم بر می‌خورند و یکی به دیگری دست می‌دهد، پس همواره گناهان آن دو به مانند ریختن برگ از درخت می‌ریزد و خدا به آن‌ها توجه می‌فرماید تا از یکدیگر جدا شوند.»^۳

۲- فشردن دست

از آداب دیگر دست‌دادن، فشردن دست طرف مقابل از روی محبت و علاقه است. رسول گرامی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هنگام دیدار دوستان و یارانش، اندکی دست آنان را می‌فشرد. به‌طوری‌که جابر بن عبدالله می‌گوید: در دیدار با رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بر آن حضرت سلام کردم. آن حضرت دست مرا فشار داد و فرمود:

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۸۳.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۷۹.

«دست فشردن، همچون بوسیدن برادر دینی است»^۱.

البته، جوانان عزیز به هنگام فشردن دست طرف مقابل باید به این نکته توجه داشته باشند که در این کار نباید افراط و تفریط داشته باشند؛ یعنی باید تا حدودی دست طرف مقابل را فشرد که گرما و صمیمیت احساس شده و بدین وسیله علاقه و محبت در قلب دو طرف فراهم شود.

۳-رها نکردن دست

از نظر آداب و سنن اسلامی پاداش کسی که دستش را بیشتر نگه دارد، بالاتر است.^۲ برخی افراد به اندازه‌های دستشان را زود کشیده و رها می‌کنند که فرصت گرفتن دستشان را به طرف مقابل نمی‌دهند. گاه مشاهده می‌شود که فرد با نوک انگشتانش دست می‌دهد یا فقط دستش را به دست دوستش می‌زند. مواردی از این دست در آداب اسلامی جایگاهی نداشته و رد می‌شود.

آداب سخن گفتن

گفتار آدمی بیانگر شخصیت اوست. انسان‌های مؤدب و با شخصیت هرگز در بدترین موقعیت نیز حاضر نیستند گفتار خود را به آنچه در خور شأن‌شان نیست، بیالایند. متون دینی آداب فراوانی را برای نحوه سخن گفتن بیان کرده‌اند که در ادامه به برخی از آنها می‌پردازیم:

۱-رعایت لطافت و نرمش در سخن گفتن

«نرم بودن گفتار» یکی از آداب سخن گفتن در آموزه‌های دینی اسلام است که در تربیت افراد نقش دارد. جالب این است که حتی با سرکش‌ترین افراد نیز ابتدا باید نرم و لطیف سخن گفت. خداوند هنگامی که حضرت موسی (علیه السلام) و برادرش را به سوی فرعون روانه می‌کرد، فرمود:

«قَوْلًا لَهُ قَوْلًا لَنَا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى؛ و با او سخن نرم گوید، شاید که پند پذیرد یا بترسد.»

(طه: ۴۴)

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق، ج ۷۳، ص ۲۳.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۸۱.

از سوی دیگر، اگر سخن گفتن، تند یا بلند و گوش خراش باشد، نه تنها نشانه بی ادبی است، بلکه گوش شنونده را آزار می دهد و او را از گوینده، متوجه سوی دیگر می کند.

۲- سودمند بودن گفتار

یکی از آداب سخن گفتن، سودمند بودن گفتار، به حال گوینده یا شنونده است. باید از گفتن سخنان بیهوده و بی ارزش که نفعی به حال دنیا و آخرت ندارد، خودداری کرد. امام علی (علیه السلام) می فرماید:

«در شگفتم از کسی که سخن گوید به چیزی که در دنیا سودش ندهد و برای او در آخرت پاداشی نوشته نشود»^۱.

در واقع، اگر گوینده سخن حرف سودمندی برای گفتن ندارد، بهتر است از گفتن آن صرف نظر کرده تا هم وقت دیگران را نگیرد و هم خود را دچار دردسر و زیان احتمالی نکند. امام علی (علیه السلام) باز در این باره می فرماید:

«در شگفتم از کسی که سخن درباره چیزی گوید که اگر از او نقل شود، زبانش می رساند و اگر از او نقل نشود، سودی ندهد»^۲.

۳- پختگی

پختگی در گفتار یعنی این که فرد سخن گو:

(الف) فکر کند و همواره محتوای سخن خود را بررسی کند، بعد حرف زند.

(ب) کلامش را در مکان و زمان مناسبی بیان کند؛ امام علی (علیه السلام) در این خصوص می فرماید: «هر جایگاهی را گفتاری است»^۳.

(ج) نیازی نیست که انسان هر حقیقتی را بر زبان جاری کند. در واقع، بیان کذب و دروغ از ادب اسلامی به دور است، ولی بیان هر راستی نیز لازم نیست. امام علی (علیه السلام) می فرماید:

۱. غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۱۴.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۱۲.

« آنچه نمی‌دانی مگو، و آنچه بر تو لازم نیست بر زبان نیاور! »^۱

۴- میانه‌روی

میانه‌روی در هر امری پسندیده است و در گفتار، پسندیده‌تر. رعایت این ادب اسلامی سبب می‌گردد که از یک‌سو، شنونده از سخنان زیاد خسته نشود و از سوی دیگر، سخنان از میزان لازم کمتر نبوده و مفهوم کلام به شنونده رسانده شود. امام علی (علیه السلام) درباره میانه‌روی در سخن می‌فرماید:

«پرگویی مرد حکیم را می‌لغزاند و انسان بردبار را خسته می‌سازد. پس در سخن پرگویی نکن که دلگیرسازی و کم‌گویی تا خوار شوی»^۲.

۵- قابل فهم بودن

«قابل فهم بودن گفتار» از دیگر آداب سخن گفتن است. گوینده سخن باید گفتار خود را به گونه‌ای بیان کند که برای شنونده قابل فهم باشد. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«بهترین سخن‌ها آن است که گوش‌ها آن را به بیرون نیفکند و فهمیدن آن برای فهم‌ها رنج‌آور نباشد»^۳.

۶- گفتار پسندیده

گفتار نیکو، روش انسان‌های نیکو و با ادب، و گفتار زشت و ناروا روش انسان‌های فرومایه و بی‌ادب است. آن‌کس که خود را به نیک گفتاری عادت دهد، همواره پیروز و از سرزنش دیگران در امان است. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «عادت بده خود را به سخن نیکو تا از سرزنش در امان باشی»^۴. فحاشی و بیان کلمات رکیک، یکی از ویژگی‌های زشتی است که انسان مبتلا را فرسخ‌ها از ادب اسلامی دور می‌کند. به طوری که که خدای متعال برای جلوگیری از آن دستور می‌دهد که حتی در مورد افراد بی‌دین نیز این کار صورت نگیرد. در جایی که می‌فرماید:

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ؛ [به معبود] کسانی که غیر خدا را

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۵۲۱.

۲. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۱۲.

۳. همان، ص ۲۱۰.

۴. همان.



درس اول: اخلاق و آداب معاشرت

می خوانند دشنام ندهید، مبدا آن‌ها اینها از روی اظلم و اجهل، خدا را دشنام دهند.» (انعام: ۱۰۸)

۷- پرهیز از غیبت

زشتی غیبت به اندازه‌ای است که خداوند متعال آن را به خوردن گوشت برادر مرده تشبیه کرده و می‌فرماید:

«لَا يَغْتَبُ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ؛ هیچ‌یک از شما دیگری را غیبت نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ [به یقین] همه شما از این امر کراهت دارید.» (حجرات: ۱۱)

همان‌طور که می‌دانیم سرمایه بزرگ انسان در زندگی حیثیت و آبروی اوست و گاه به خطر انداختن آن از گرفتن جان فرد بدتر و زشت‌تر است. آبروی برادر مسلمان همچون گوشت تن او بوده و ریختن این آبرو به وسیله غیبت و افشای اسرار پنهانی همچون خوردن گوشت تن او می‌باشد. تعبیر به «مرده» به خاطر آن است که «غیبت» در غیاب افراد صورت می‌گیرد که همچون مردگان نمی‌توانند از خود دفاع کنند و این ناجوانمردانه‌ترین ستمی است که ممکن است انسان درباره برادر خود روا دارد^۱.

۸- پرهیز از تمسخر

«تمسخر» از جمله آفت‌هایی است که ادب اسلامی افراد با ایمان را خدشه‌دار می‌کند. بدین سبب خدای متعال همه مؤمنین را از این عمل زشت و زننده بازداشته و فرموده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنان بهتر باشند» (حجرات: ۱۱).

قرآن کریم تمسخر را از کارهای افراد بدکار برشمرد و بیان می‌کند که آنان این کار ناپسند را به وسیله اشاره چشم و ابرو انجام می‌دادند. این کتاب آسمانی به آنان وعده می‌دهد که تمام خوشی و خنده و تمسخر آنان در این دنیاست و به زودی در روز قیامت نوبت به افراد با ایمان خواهد رسید. در آن روز افراد با ایمان به مسخره‌کنندگان می‌خندند.^۲ آیات فراوانی در قرآن مجید وجود دارد که به شدت با مسخره‌کنندگان برخورد کرده و به

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۸۵.

۲. مطففین (۸۳)، آیات ۲۹-۳۶.

آن‌ها وعده عذاب داده که این‌چنین برخوردی نشان از دور بودن این عمل آنان از ادب اسلامی دارد.

۹- پرهیز از نامیدن به لقب زشت

لقب زشت نهادن بر دیگران از جمله کارهای ناپسندی است که روح افراد سالم را دچار ناراحتی می‌کند. این کار به اندازه‌ای ناپسند و خارج از ادب اسلامی است که اگر توبه نکنند در زمره افراد ستمگر می‌باشند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ بِالْقَابِ زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید و آن‌ها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند.» (حجرات: ۱۱)

احترام نظامی

«احترام نظامی» نگره داشتن حریم و مراعات کردن حرمت و قداست هر کس و هر چیز و حتی هر شیئی مثل قرآن مجید، پرچم، تمثال و ... است. این عمل به‌منظور رعایت آداب نظامی و مشخص کردن سلسله‌مراتب هر فرد، برای پیشبرد سریع‌تر دستورها و رسیدن به هدف است. همچنین، رعایت نظم و مقررات و دستورها در یک اجتماع نظامی نشان‌دهنده آمادگی آن جمع برای اجرای هرگونه دستورالعملی است. بنابراین، تمام سربازان عزیز باید با آموختن احترامات نظامی، آن را در محیط نظامی و غیرنظامی به‌درستی به کار گیرند. البته، سربازان محترم باید بدانند که ادای احترامات نظامی در هیچ حالتی مانع از سلام دادن طرفین به صورت شرعی و سنت اسلامی، که از مستحبات شرع مقدس اسلام است، نخواهد بود.^۱

آداب ناپسند

حال که با برخی از آداب اسلامی معاشرت آشنا شدیم در انتهای این درس به دو مورد از آداب ناشایست که برخی به آن مبتلاء هستند اشاره می‌شود؛ به این امید که با شناخت و یادآوری این آداب و اخلاق ناپسند، از آنها دوری کنیم:

۱. مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی آموزشی ستاد تطبیق آموزش، آداب نظامی، تهران، دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام)، ۱۳۷۶، ص ۱۳۳.

تجسس

«تجسس» به معنای جست‌وجو کردن و سرک کشیدن بی‌مورد در زندگی افراد است. این کار از ادب اسلامی به دور بوده و خدای متعال همگان را از این کار ناشایست باز داشته و دستور می‌دهد: «وَلَا تَجَسَّسُوا؛ هرگز [در کار دیگران] تجسس نکنید.» (حجرات: ۱۲) همچنین در این خصوص پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید:

«لغزش‌های مؤمنین را جست‌وجو نکنید. پس به حقیقت کسی که در جست‌وجوی لغزش‌های برادرش باشد، خدا لغزش‌های او را دنبال می‌کند؛ اگرچه در اندرون خانه‌اش باشد.»

گمان بد

گمان بد داشتن به دیگران درحقیقت بلایی اجتماعی است که گریبان بسیاری از افراد را گرفته و سبب قضاوت‌های نادرست و تهمت‌های ناروا به دیگران شده است. از این‌رو، خدای متعال همگان را از این کار ناپسند برحذر داشته و برخی از این گمان‌ها را در ردیف گناه و معصیت قرار داده است. در جایی می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است.» (حجرات: ۱۲)

براساس آداب اسلامی انسان می‌تواند با ارائه احتمالات فراوان، گمان بد را از خود دور کرده و گمان منفی را به احتمالات صحیح تبدیل کند و به تدریج بر گمان بد غلبه کند.

در روایات دستور داده شده تا هنگامی که دلیلی بر نادرست بودن کار برادرت نیافتی، اعمالش را بر نیکوترین وجه ممکن حمل کن و تا زمانی که می‌توانی برای سخن برادر مسلمانان توجیه مناسبی پیدا کنی، هرگز به سخنش گمان بد مبر.^۲

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۵۵.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۸۳.

پرسش‌ها

۱. اخلاق را در لغت و اصطلاح تعریف کنید.
۲. معنای آداب را در لغت و اصطلاح بیان کنید.
۳. تفاوت اخلاق با آداب در چیست؟
۴. آداب دست دادن را نام برده و یکی را به دلخواه بیان کنید.
۵. آداب سخن گفتن را بنویسید و یکی را به دلخواه توضیح دهید.

درس دوم: جوانان و وظایف

مباحث اصلی درس

اهمیت جوانی در متون دینی

وظایف جوانان

۱- علم آموزی و پژوهش

۲- معنویت افزایی و اخلاق گرایی

۳- مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی

۴- مشارکت در امور فرهنگی و تربیتی

۵- بصیرت و دشمن شناسی

اهمیت جوانی در متون دینی

جوانی بهار زندگی و بهترین فرصت برای خودسازی و سازندگی است. اما کمتر جوانی است که تا خزان عمرش فرا نرسیده، ارزش بهار عمر خویش را آن گونه که شایسته است، بداند. از دیدگاه قرآن کریم دوران جوانی اوج توانمندی و قدرت انسان به شمار می‌رود:

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً؛ خدایست آن کس که شما را ابتدا ناتوان آفرید، آن گاه پس از ناتوانی قوت بخشید، سپس بعد از قوت، ناتوانی و پیری داد.» (روم: ۵۴)

در این دوران انسان به لحاظ جسمانی به اندازه‌ای از کمال می‌رسد که سرزمین وجودی‌اش استعداد کسب علم و حکمت را دارد. از این رو، خداوند متعال دو عنصر کلیدی علم و حکمت را در سنین جوانی به حضرت یوسف (علیه السلام) و موسی (علیه السلام) هدیه نمود.^۱

۱. یوسف (۱۲)، آیه ۲۲؛ قصص (۲۸)، آیه ۱۴.

جوانان به علت داشتن فطرتی پاک، قابلیت بیشتری برای پذیرش پاکی‌ها و سخنان حق داشته و در عمل به فرامین اسلام مصمم‌ترند. به فرموده امام صادق (علیه السلام) جوان‌ها زودتر حرف حق را پذیرفته و به سوی خیر و نیکی می‌شتابند.^۱

وظایف جوانان

دوران جوانی؛ دوران تصمیم‌گیری‌های اساسی‌ای است که عموماً تأثیر بسیار بزرگی بر تمام زندگی فرد می‌گذارد. آشنایی جوانان به وظایف‌شان می‌تواند آنان را در عمل به تکالیف و انتخاب راه درست کمک کند. با تأکید بر اینکه، محوری‌ترین توصیه، برای این دوران، سفارش به «تحصیل، تهذیب نفس و ورزش» است که در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، به عنوان سه عامل اصلی پیشرفت جوانان به‌شمار آمده است.^۲ در زیر به برخی از وظایفی که جوانان عزیز با به‌کار بستن آن می‌توانند از لحظه‌های گران‌بهای عمر خود استفاده کنند، اشاره می‌شود:

۱- علم آموزی و پژوهش

در بیانیه گام دوم انقلاب که در آستانه ورود به دهه پنجم انقلاب اسلامی صادر شد، اولین توصیه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به جوانان، «علم و پژوهش» است، معظم له در تبیین این توصیه و وظیفه جوانان، می‌فرماید:

«دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دو‌بست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم.

ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم؛ ما اکنون حرکت را آغاز

۱. الکافی، ج ۸، ص ۹۳، ح ۶۶

۲- بیانات در دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان؛ ۱۳۸۶/۰۲/۱۹

کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سال‌ها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود. اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به‌پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما به شدت بیمناک است، ناکام سازید.»

۲- معنویت‌افزایی و اخلاق‌گرایی

وظیفه دیگری که از جوانان پر شور این مرز و بوم انتظار می‌رود معنویت‌افزایی و اخلاق‌گرایی است؛ در اهمیت این موضوع همین بس که دومین توصیه فرماندهی معظم کل قوا (مدظله العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب، «معنویت و اخلاق» است، ایشان در خطاب به جوانان در تبیین این وظیفه جوانان می‌فرمایند:

«معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکات و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت.»

۳- مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی

قشر جوان، بخش بزرگی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد. از این‌رو، هماهنگی و مشارکت آنان در عرصه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد. چنان‌که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) زمینه شرکت جوانان در امور سیاسی را از همان روزهای آغازین بعثت فراهم کرد و به پشتیبانی آنان، حکومت اسلامی در مدینه تأسیس شد؛ عصر حاضر نیز خواستار حضور فعال نسل جوان در برنامه‌های گوناگون دینی و سیاسی است و انتظار از جوانان آن است که در مسائل گوناگون شریک باشند. امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) درباره مشارکت جوانان در امور سیاسی و اجتماعی جامعه می‌فرمایند:

«بر شما جوانان ارزنده اسلام که مایه امید مسلمین هستید لازم می‌باشد که ملت‌ها را آگاه سازید و نقشه‌های شوم و خانمان‌سوز استعمارگران را بر ملا نمایید، در شناسایی اسلام بیشتر جدیت کنید، تعالیم مقدسه قرآن را بیاموزید و به کار بندید، با کمال اخلاص در نشر و تبلیغ و معرفی اسلام به ملل دیگر و پیشبرد آرمان‌های بزرگ اسلام بکوشید»^۱.

۴- مشارکت در امور فرهنگی و تربیتی

برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های فرهنگی در اجتماع به نیروهای فعال و باذوق و سلیقه هنری نیاز دارد تا آن نیروها بتوانند برای رشد و شکوفایی فرهنگ جامعه وارد عمل شوند. نسل جوان از جمله گروه‌هایی هستند که می‌توانند گام‌های مؤثری در این باره برداشته و منادیان فرهنگ اسلام و قرآن باشند.

سیره پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اهل بیت (علیه‌السلام)، مشارکت دادن نسل جوان در امور فرهنگی و تربیتی را نمایش می‌دهد. بررسی سیره رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مکه و مدینه به خوبی نشان می‌دهد که آن حضرت در همه عرصه‌های فرهنگی، تبلیغی، تربیتی و رزمی از نیروهای جوان بهره می‌بردند. داستان هجرت جمعی از یاران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به سرپرستی جعفر بن ابی طالب، برادر امام علی (علیه‌السلام)، به حبشه و تبلیغات دینی و فرهنگی آن‌ها در آن سرزمین، سبب نشر معارف اسلام و در نهایت، موجب مسلمان شدن نجاشی (رئیس حکومت) و عده‌ای از مردم حبشه شد.^۲

امروزه نیز اگر جوانان وارد میدان شوند و در جامعه فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی انجام دهند، می‌توانند همان نقشی را که جوانان صدر اسلام در انتشار معارف الهی داشتند، در کشورهای اسلامی ایفا کنند.

۵- بصیرت و دشمن‌شناسی

از محوری‌ترین مسائل دفاعی ملت‌ها، دشمن‌شناسی است. با شناخت دشمن می‌توان احتمال پیروزی یا شکست را مشخص کرد و به ایجاد زمینه‌های دفاعی همت گماشت.

بنابراین با توجه به اینکه نیروی جوان در سراسر دنیا، اصلی‌ترین و مهم‌ترین نیروی دفاعی به‌شمار می‌رود و کشور عزیز ما نیز از این قاعده مستثنا نیست. از این رو، نوک پیکان تهاجمات

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲، ص ۴۳۹.

۲. جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۰۹.



درس دوم: جوانان و وظایف

دشمنان در نخستین مرحله، جوانان این مرز و بوم را نشانه رفته است که برای پیروزی در این جنگ نابرار راهی جز بصیرت‌افزایی و دشمن‌شناسی نیست.

پیشوای روشن ضمیر و قافله‌سالار آگاهمان، حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) که ره‌توشه‌هایی بس ارزشمند و هدایت‌گر از تمام معارف ناب و عبرت‌های تاریخ گذشته و حال نصیب خود ساخته بود، به‌خوبی از کوچک‌ترین گفتار و رفتار دشمن به پندار او پی می‌برد و همواره رهنمودهایی گران‌سنگ و جاودان ارائه می‌فرمود تا همگان و به‌ویژه جوانان آن را چونان مشعلی روشن‌گر، فرا روی خود قرار داده و از پرتگاه‌های سیاسی، فکری، فرهنگی، اقتصادی و نظامی مصون بمانند. امام خمینی (رحمة الله علیه) در وصیت‌نامه سیاسی الهی خود می‌فرماید:

«از جوانان، دختران و پسران، می‌خواهم که استقلال و آزادی و ارزش‌های انسانی را، و لو با تحمل زحمت و رنج، فدای تجملات و عشرتها و بی‌بند و باریها و حضور در مراکز فحشا که از طرف غرب و عمال بی‌وطن به شما عرضه می‌شود نکنند؛ که آنان چنانچه تجربه نشان داده جز تباهی شما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چاپیدن ذخائر شما و به بند استعمار و ننگ و وابستگی کشیدنتان و مصرفی نمودن ملت و کشورتان به چیز دیگر فکر نمی‌کنند؛ و می‌خواهند با این وسایل و امثال آن شما را عقب مانده، و به اصطلاح آنان «نیمه وحشی» نگه دارند»^۱.

پرسش‌ها

۱. دلیل اهمیت دوران جوانی چیست؟ توضیح دهید.
۲. وظایف دوران جوانی را نام ببرید.
۳. دیدگاه امام خمینی (رحمة الله علیه) درباره مشارکت جوانان در امور سیاسی چیست؟
۴. با توجه به فرمایشات امام خمینی (رحمة الله علیه) وظیفه جوانان درباره دشمن‌شناسی چیست؟

درس سوم: جوان و هویت

مباحث اصلی درس

هویت ۱- هویت فردی ۲- هویت خانوادگی ۳- هویت فرهنگی

شکل‌گیری هویت

عوامل موثر در شکل‌گیری هویت ۱- عوامل شناختی ۲- والدین ۳- عوامل اقتصادی

۴- جامعه و فرهنگ ۵- تفاوت‌های جنسیتی

همان‌طور که در دروس گذشته تاکید شد، از میان تمامی فصول زندگی، جوانی از اهمیت خاص و ویژه‌ای برخوردار است، این دوره، بهار زندگی است؛ و پایه‌های اساسی شخصیت هر فردی در این دوران بنا می‌شود؛ چرا که در این دوران تمام خصوصیات و توانایی‌های انسانی به اوج شکوفایی و کارایی می‌رسند و به راحتی قابل انعطاف می‌باشند؛ از همین رو دوره جوانی تاثیر بسزایی در ساختن شخصیت فردی افراد و در شکل‌دهی شخصیت جامعه دارد.

شکل‌گیری هویت، یکی از اساسی‌ترین مراحل زندگی افراد است که در دوران نوجوانی و جوانی شکل می‌گیرد. اگر هویت، درست شکل نگیرد، می‌تواند مشکلات زیادی همچون: بزهکاری، اعتیاد به مواد مخدر، اختلالات اضطرابی، افسردگی و خودکشی برای فرد ایجاد کند.

هویت

هویت از نظر روان‌شناسی یعنی شما خود را به عنوان یک موجود منحصر به فرد، چگونه تعریف می‌کنید؛ با توجه به تعداد حوزه‌هایی که فرد در صدد پاسخ‌گویی به سوالاتش است، هویت‌های متنوعی شکل می‌گیرد که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- **هویت فردی:** شامل خصوصیات، توانمندی‌ها و صفات مثبت و منفی فرد.

۲- **هویت خانوادگی:** جایگاه فرد در خانواده و کیفیت ارتباط او با سایر اعضای خانواده.

۳- **هویت فرهنگی:** احساس تعلق به یک گروه با ارزش‌های خاص.

۴- **هویت جنسی:** به معنای تشخیص ذهنی فرد از خود به عنوان مرد یا زن است.

شکل‌گیری هویت

فرد در دوران نوجوانی، با بحرانی رو به رو می‌شود که می‌خواهد به سوال «من کیستم» پاسخ دهد. نیاز دارد تا در مورد مسائل ارتباطی، اجتماعی، عاطفی، جنسی و اخلاقی، ارزش‌هایی پیدا کند و به آن‌ها متعهد شود. اگر این کاوش‌ها به نحو مطلوبی به نتیجه برسند منجر به حل شدن بحران هویت می‌شوند و در نهایت، هویت شکل می‌گیرد.

افرادی که هویت خود را به نحو مطلوبی شکل می‌دهند، خود را به راحتی می‌پذیرند و خودپنداره قوی پیدا می‌کنند، اهداف روشنی در زندگی دارند، عزت نفس بالایی دارند، می‌توانند به راحتی در زندگی خود تصمیم بگیرند و کمتر دچار تزلزل می‌شوند. این افراد به طور کلی مسئولیت‌پذیر هستند؛ ولی اگر نتوانند بر بحران فائق بیایند، دچار مشکلات زیادی در دوره نوجوانی و سپس در دوره‌های بعدی زندگی می‌شوند.

عوامل موثر در شکل‌گیری هویت

عوامل زیادی در شکل‌گیری هویت، نقش دارند که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- عوامل شناختی

توانایی‌های ذهنی فرد و قدرت تفکر او از جمله عواملی است که می‌تواند بر شکل‌گیری هویت تاثیرگذار باشد. هر چقدر که توانایی‌های شناختی فرد بالاتر باشد، مسیر رسیدن به هویت یکپارچه هموارتر می‌شود.

۲- والدین

روشی که والدین در مورد تربیت فرزند خود پیش می‌گیرند در شکل‌گیری هویت

تاثیرگذار است. اگر روش‌های تربیتی مبتنی بر عدم توجه و طرد فرزند باشد، فرزند به مشکل بر می‌خورد و غالباً هویت پراکنده‌ای کسب می‌کند. اما اگر روش تربیتی والدین مبتنی بر همدلی، درک متقابل و دادن استقلال به فرزندان باشد، فرد هویت سازگارانه‌ای را کسب می‌کند.

۳- عوامل اقتصادی

تنگنای اقتصادی مانند فقر به طور غیرمستقیم بر شکل‌گیری هویت تاثیر می‌گذارد و باعث می‌شود فرد نتواند به طور موثری در مسیر ایجاد هویت قدم بردارد.

۴- جامعه و فرهنگ

فرهنگ و جامعه نقش مهمی در شکل‌گیری هویت دارند. فرد در حین شکل‌گیری هویت از ارزش‌های جامعه و فرهنگ به‌عنوان معیار مقایسه‌ای با ارزش‌هایی که برای خود انتخاب کرده استفاده می‌کند.

۵- تفاوت‌های جنسیتی

انتظارات جامعه از دخترها و پسرها متفاوت است و این مساله عاملی تاثیرگذار در هویت اجتماعی فرد است. معمولاً هویت دخترها در جهت همکاری، مراقبت و صمیمیت شکل می‌گیرد، اما برای پسرها بیشتر مبتنی بر استقلال و خودمختاری است.

پرسش‌ها

- ۱- هویت را تعریف و چهار مورد از انواع هویت را نام ببرید.
- ۲- چگونگی شکل‌گیری هویت را توضیح دهید.
- ۳- از عوامل شکل‌گیری هویت، دو مورد را تبیین نمایید.

درس چهارم: جوان و خودسازی

مباحث اصلی درس

اهمیت خودسازی

اسباب خودسازی ۱- استعانت از خداوند ۲- رهبران الهی ۳- پایبندی به ایمان و عمل صالح

مراحل خودسازی ۱- تفکر ۲- عزم ۳- مشارطه ۴- مراقبه ۵- محاسبه

۶- مؤاخذة و تنبیه ۷- تذکر

آثار خودسازی ۱- رستگاری ۲- اصلاح دنیا و آخرت ۳- نیکو شدن ظاهر و باطن

۴- رسیدن به قرب الهی

معرفی جوان‌های موفق ۱- حنظله ۲- میرداماد

اهمیت خودسازی

برای تمام انسان‌ها «خودسازی» امری مطلوب و پسندیده است، ولی این عمل مقدس درباره جوانان جلوه زیباتری دارد. زیبایی روح جوان با خودسازی دوچندان شده و در دایره توجه بیشتر و محبت ویژه خدای متعال قرار می‌گیرد.

قرآن کریم با طرح الگوهایی از جوانان شایسته، همانند جوانان اصحاب کهف و برخی از پیامبران جوان، ایمان و پاکی نفس آنان را ملاک ارزش قرار می‌دهد. خدای متعال درباره اصحاب کهف می‌فرماید:

«نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَا لَهُمُ هُدًى؛ ما داستان آنان را به حق برای تو بازگو می‌کنیم، آن‌ها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایتشان

افزودیم» (کهف: ۱۳)



حضرت ابراهیم (علیه السلام) در سنین جوانی به مرحله‌ای از خودسازی رسیده بود که با شهامت و شجاعت کامل در مقابل بت پرستان ایستاد و بت‌ها را شکست. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ؛ [گروهی] گفتند: شنیدیم جوانی از مخالفت با بت‌ها سخن می‌گفت که او را ابراهیم می‌گویند.» (انبیاء: ۶۰)

قرآن کریم در جایی دیگر داستان جوانی حضرت اسماعیل را که حاضر شد در راه حق حتی جان خود را فدا کند، یادآور می‌شود و می‌فرماید:

«فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ؛ هنگامی که [حضرت ابراهیم (علیه السلام)] با او [حضرت اسماعیل (علیه السلام)] به مقام سعی رسید، گفت: پسرم، من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟» گفت: «هر چه دستور داری اجرا کن به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت.» (صافات: ۱۰۲)

از آیات یاد شده برمی‌آید که تهذیب نفس از دیدگاه قرآن اصلی کلیدی و مهم بوده و یک جوان مؤمن و شایسته باید با توجه به اهمیت آن، تمام تلاش خود را در این باره انجام داده و روزبه‌روز مراتب نفسانی خود را افزایش دهد.

اسباب خودسازی

تمام بدبختی‌هایی که گریبان‌گیر بشر شده، علت و منشأیی جز پیروی از هوای نفس ندارد. کسی که نفس سرکشش را رام نکرده و غرایز و شهواتش را با برنامه‌های الهی مقید ننموده باشد، هرگز نمی‌تواند در زمره افراد پاک قرار گیرد. برای گام نهادن در مسیر نور و هدایت، به اسباب و لوازمی نیاز است که هر یک به نوعی در تزکیه نفس و خودسازی، نقش بسزایی دارد. برخی از این اسباب عبارت‌اند از:

۱- یاری جستن از خداوند

خداوند متعال منشأ همه خوبی‌هاست و تا اراده او به چیزی تعلق نگیرد تحقق آن از سوی بشر امکان‌پذیر نیست، براین اساس، انسان در همه امور از جمله تزکیه نفس نیازمند عنایت الهی و توفیق اوست. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْنَا وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنَّا أَحَدٌ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ



درس چهارم: جوان و خودسازی

عَلِيمٌ؛ و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هرگز هیچ کس از شما پاک نمی‌شد، ولی [این] خداست که هر کس را بخواهد پاک می‌گرداند و خدا [است که] شنوای داناست.» (نور: ۲۱)

بنابراین، برای نهادینه کردن خوبی‌ها در نفس و پاک کردن زشتی‌ها از درون خویش، به کمک و استعانت خدای متعال نیاز است. پس، از جمله دعاهایی که جوانان عزیز باید از خداوند متعال درخواست کنند، توفیق خودسازی است.

۲- رهبران الهی

پیامبران و اولیای الهی، به‌عنوان واسطه فیض الهی و مربی انسان‌ها، از عوامل عمده تزکیه انسان‌ها به‌شمار می‌روند که با تلاوت آیات خداوند و بیان احکام الهی و فضایل اخلاقی، انسان‌ها را از آلودگی شرک و گناه و اخلاق رذیله پاک می‌کنند. از این‌رو، حضرت ابراهیم (علیه السلام) از خداوند تقاضا می‌کند که خداوند به‌وسیله پیامبرانش مردم را از آلودگی‌ها پاک سازد. ایشان خطاب به پروردگار عرض می‌کند: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ؛ پروردگارا، در میان آنان فرستاده‌ای از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند، و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه‌شان کند» (بقره: ۱۲۹).

همچنین، خداوند به حضرت موسی (علیه السلام) فرمان می‌دهد که به‌سوی فرعون رفته، او را به خودسازی و تزکیه نفس دعوت کند. در جایی که می‌فرماید: «اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ۖ قُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ؛ به‌سوی فرعون برو که طغیان کرده و به او بگو: آیا می‌خواهی پاکیزه شوی؟» (نازعات: ۱۷-۱۸). البته، هرچند خداوند با فرستادن پیامبران زمینه تزکیه انسان‌ها را فراهم می‌کند؛ ولی این خود افراد هستند که با پذیرش آگاهانه و آزادانه دعوت انبیا و پایبندی به دستورها و مقررات الهی، خویش را از برکات بعثت پیامبران برخوردار ساخته، پاکی و تزکیه را برای خود رقم می‌زنند.^۱

۳- پایبندی به ایمان و عمل صالح

بیشترین دلیل ایمان به خدا و انجام اعمال صالح، دور کردن انسان‌ها از آلودگی‌ها و رشد و تکامل معنوی آنان است، چنان‌که در آیات بسیاری به برخی از اعمال صالح اشاره شده و آن‌ها را عامل دوری انسان از آلودگی‌ها دانسته است، مانند آیاتی که انسان‌ها را به

۱. إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (انسان: ۳).

خواندن نماز،^۱ انفاق^۲ و... دستور داده است.

مراحل خودسازی

علمای دین و مربیان اخلاق برای خودسازی و تهذیب نفس و حرکت از نقص به سوی کمال، مراحلی را بیان کرده‌اند. اگر این مراحل به صورت کامل و درست صورت پذیرد، انسان را از فرش به عرش برده و ارتباط مخلوق با خالق را محکم‌تر از گذشته خواهد کرد. برخی از این مراحل عبارت‌اند از:

۱- تفکر

افرادی که به اعتیاد، سرقت، قتل و ... دچار شده و دنیا و آخرت خود را به تباهی کشانده‌اند، اگر لحظه‌ای به زشتی و عاقبت این اعمال می‌اندیشیدند، شاید امروز به این سرنوشت دچار نمی‌شدند. پس جوان مؤمنی که در مسیر خودسازی حرکت می‌کند، باید توانایی اندیشیدن را در خود تقویت کند تا نخست، به رذائل اخلاقی دچار نشود و دوم، با تفکر در خود و عالم هستی، مبانی اعتقادی را در خود تقویت کند و از این راه بتواند در مسیر خودسازی و کمال گام بردارد.

۲- عزم

«عزم» در لغت به معنای تصمیم قطعی برای انجام دادن کاری است و در اصطلاح به معنای تصمیم قطعی برای گام نهادن در صراط مستقیم و بنده حقیقی خدا شدن و تمام برنامه زندگی خود را با عقربه رضای الهی تنظیم کردن است. جوانان عزیز باید بدانند که عزم از جمله مراحل مهم در امر خودسازی است و بدون آن، به هیچ‌یک از مقامات نخواهند رسید. امام خمینی (رحمة الله علیه) در این باره می‌نویسد:

«تفاوت درجات انسان به تفاوت درجات عزم اوست. عزمی که مناسب این مقام است، عبارت

است از بناگذاری و تصمیم بر ترک معاصی و فعل واجبات و جبران آنچه از او فوت شده در ایام حیات،

۱. وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (عنکبوت: ۴۵)؛ وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ (هود: ۱۱۴). در شأن نزول این آیه نقل شده که یکی از مسلمانان به نام «ابوالیسر» برای پاک شدن خود از گناهی که مرتکب شده بود نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد که آیه گفته شده نازل شد و پس از آن، پیامبر به وی فرمود: «نماز تو کفاره گناه توست.» (ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۰۷ و ۳۰۸).

۲. خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا (توبه: ۱۰۳)؛ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَ يَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ (همان: ۱۰۴)؛ وَ سَيَجْزِيهَا الْآتِقَى * الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى (ليل: ۱۷-۱۸).

و بالاخره عزم بر اینکه ... موافق مطلوبات شرع رفتار کند و ظاهرش، ظاهر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد و تأسی به آن بزرگوار بکند در جمیع حرکات و سکنات و در تمام افعال و تروک و این امری است بس ممکن، زیرا که ظاهر را مثل آن سرور کردن امری است مقدور هر یک از بندگان خدا.^۱

۳- مشارطه

«مشارطه» بدین معناست که جوان در ابتدای روز با خود شرط کند که مرتکب هیچ کار خلافی نشود و هر کار خوبی که از دستش برمی آید انجام دهد و در این راه از هیچ کوششی دریغ نرزد و با تمام توان با موانع، به ویژه شیطان، مبارزه کند.

۴- مراقبه

جوانی که مسیر خودسازی را می پیماید، پس از مشارطه باید پیوسته مراقب افکار، کردار و گفتار خود باشد که در هیچ اقدامی برخلاف شروط یاد شده عمل نکند و از خود غافل نشود، در دام‌های پیدا و پنهان شیطان‌های جنی و انسی گرفتار نشود. چنین کاری باید مرتب تکرار شود و هر بار که از سوی عوامل برون و درون مورد حمله قرار می گیرد، به خدا پناه برد و از او کمک بخواهد تا هواهای نفسانی را محکوم اراده خویش کند و شیاطین را از خود مأیوس نماید.

۵- محاسبه

انسان باید در آخر هر روز پیش از خوابیدن به کارهای خود رسیدگی کند و از نفس حساب بکشد که آیا به شرط آن روز عمل کرده است؟ آیا کار خلافی مرتکب نشده است؟ آیا کار خیری را ترک نکرده است؟ اگر شاخص‌های محاسبه مثبت باشد، باید شکر خدا را بر دستیابی به چنین توفیقی به جای آورد و ادامه چنین حالتی را از او طلب کند و بداند که آینده روشنی در انتظار اوست و راه‌های صلاح و رستگاری به رویش گشوده خواهد شد، زیرا خداوند متعال می فرماید:

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ؛ کسانی که در راه ما جهاد کنند، قطعاً

راه‌های خود را به آنان نشان خواهیم داد و خداوند همراه نیکوکاران است.» (عنکبوت: ۶۹)

و اگر خدای ناکرده کردار خویش را منفی ارزیابی کرد، باید خود را ملامت و مورد عتاب

۱. امام خمینی (رحمته الله علیه)، چهل حدیث، تهران، مرکز نشر دانشگاهی رجا، ۱۳۶۸، ص ۷.

و خطاب قرار دهد و از فرجام کار نابخردانه‌ای که انجام داده بترسد و بر فرصتی که از دست داده، افسوس بخورد و در صدد جبران برآید.

۶- مؤاخذة و تنبیه

مراقبه و محاسبه در صورتی اثر دارد که انسان برای هوا و هوس‌های سرکش خود، مجازات‌های مناسبی از قبیل روزه گرفتن و صدقه دادن و ... در نظر بگیرد. امام علی (علیه السلام) در شرح یکی از اوصاف پرهیزگاران می‌فرماید: «هرگاه نفس، او را در انجام دادن وظایفی که خوش ندارد سرکشی کند، او هم از آنچه دوست دارد محروم می‌سازد و از این طریق نفس سرکش را مجازات می‌کند.»^۱

در حالات فقیه بزرگ عالم شیعه، آیت‌الله بروجردی (رحمة الله علیه) نقل شده که هرگاه عصبانی می‌شد، بی‌درنگ از همین پرخاش مختصر پشیمان شده و در مقام عذرخواهی و جبران برمی‌آمد و برابر با نذری که داشت، فردای آن روز را برای جبران این کار روزه می‌گرفت.^۲

۷- تذکر

«تذکر» یعنی متذکر عظمت خداوند بودن و نعمت‌های او را یادکردن و توجه داشتن به اینکه انسان در محضر خداست و بازگشت او نیز به سوی اوست. از این‌رو، وقتی روح و روان انسان براساس یاد قیامت و خدا پرورش یافت، همیشه به دنبال پرهیز از گناه است.^۳ قرآن کریم در آیات بسیاری مؤمنان را به ذکر و یاد خدا توصیه کرده است، از جمله اینکه می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را یاد کنید، یادی بسیار.» (احزاب: ۴۱)

آثار خودسازی

۱- رستگاری

قرآن کریم تنها راه رسیدن به فلاح و رستگاری را تزکیه نفس بیان کرده است در جایی

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳، ص ۳۰۳.

۲. ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۶۴.

۳. عبدالله جوادی آملی، معاد در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۸۴، ج ۴ و ۵، ص ۲۹.

که می فرماید:

«و نَفْسٍ وَّ مَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا * قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا؛ سوگند به نَفْس و آن کس که آن را درست کرد. سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن الهام کرد. که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد. و هر که آلوده اش ساخت، قطعاً باخت.» (شمس: ۷-۱۰)

۲- اصلاح دنیا و آخرت

خودسازی و تهذیب نفس سبب اصلاح دنیا و آخرت انسان می شود و اگر این امر در جامعه رواج یابد، دیگر شاهد نابهنجاری های اجتماعی نخواهیم بود. اگر چه هدف نهایی و مقصد اصلی خودسازی، تأمین سعادت اخروی و هدایت انسان به سوی کمال حقیقی در سایه قرب الهی است؛ ولی خودسازی در بسامان شدن یا نابسامانی وضعیت دنیای انسان نقشی بی بدیل و انکارناپذیر دارد. حضرت علی (علیه السلام) ضمن حدیثی این نکته را بیان فرمودند:

«کسی که میان خود و خدا را اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد و کسی که امور آخرت را اصلاح نماید، خداوند امور دنیای او را اصلاح خواهد کرد و کسی که از درون جان واعظی دارد، خدا را بر او حافظی است.»^۱

۳- نیکو شدن ظاهر و باطن

خودسازی و پاک سازی درون به مرور زمان ظاهر انسان را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمودند: «کسی که نهان خود را اصلاح کند، خدا ظاهر او را نیکو گرداند.»^۲

۴- رسیدن به قرب الهی

یکی دیگر از فواید خودسازی، تقرب و نزدیک شدن به خداوند است. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «از جمله نجوای خدای خداوند [حضرت] موسی (علیه السلام) این بود که: ای موسی (علیه السلام) تقرب جوین به من به چیزی مانند پرهیز از حرام های من، به من نزدیک نشوند. من بهشت های ماندگار خود را به آنان می بخشم و هیچ کس را شریکشان قرار نمی دهم.»^۳

۱. نهج البلاغه، حکمت ۸۹، ص ۴۸۳.

۲. همان، حکمت ۴۲۳، ص ۵۵۱.

۳. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ترجمه حمیدرضا شفیعی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۳۸۸.

معرفی جوان‌های موفق

تاریخ سرشار از نام جوانانی است که با تمام وجود در مسیر خودسازی حرکت کرده و از تمام هستی خود در این راه مایه گذاشتند. انسان‌های بزرگی که در مسیر تکامل روحی خویش پند خیرخواهان را به کار گرفته و اجازه ندادند جوانی و کمی تجربه، آنان را در دام شیاطین قرار دهد. در ادامه به‌طور گذرا به دونمونه از این جوانان اشاره می‌شود:

۱- حنظله

حنظله بن ابی عامر جوانی از قبیله خزرج بود که در زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌زیست. وی بر اثر خودسازی و تهذیب نفس به مرتبه‌ای از ایمان و تقوا رسید که در شأن او آیه نازل شد و توفیق غسل به‌وسیله فرشتگان به او داده شد. ماجرا از این قرار بود که وی شب پیش از جنگ احد ازدواج کرد و برای اینکه آن شب را در کنار همسرش باشد از پیامبر اجازه گرفت. در این هنگام آیه ۶۲ سوره نور نازل شد:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوا إِنْ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِيَبْعُثَ شَأْنَهُمْ فَأَذَنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ جز این نیست که مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبرش گرویده‌اند، و هنگامی که با او بر سر کاری اجتماع کردند، تا از وی کسب اجازه نکنند نمی‌روند. درحقیقت، کسانی که از تو کسب اجازه می‌کنند، آنان‌اند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند. پس چون برای برخی از کارهایشان از تو اجازه خواستند، به هر کس از آنان که خواستی اجازه ده و برایشان آمرزش بخواه که خدا آمرزنده مهربان است.»

در نتیجه، پیامبر به او اجازه داد که آن شب را در کنار همسرش باشد. اما او به اندازه‌ای در زمینه تهذیب نفس و خودسازی پیش رفته بود که صبح با عجله و شتاب خود را به سپاه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) رسانید. اشتیاق و شتاب او برای جهاد در راه خدا به اندازه‌ای بود که حتی فرصت غسل کردن را پیدا نکرد و بدون اینکه غسل کند وارد سپاه شد.^۱ او در این هنگام ابوسفیان را دید که سوار بر اسب میان دو سپاه جولان می‌دهد. از این‌رو، به سمت ابوسفیان حمله‌ور شد و پس از حمله‌ای جوانمردانه شمشیرش را بر پشت اسب او فرود آورد و نقش بر زمینش کرد.

۱. علی نورالدینی، داستان‌هایی از شأن نزول قرآن، قم، نصر، ۱۳۷۸، نور ۶۳ و ۶۴.

ابوسفیان در این هنگام فریاد برآورد که ای قریش، به دادم برسید که حنظله مرا کشت و پا به فرار گذاشت. حنظله درحالی که در تعقیب او بود با یکی از لشکریان ابوسفیان روبه‌رو شد. آن شخص نیزه‌ای را که در دست داشت در بدن حنظله فرو برد و زخم عمیقی در بدنش ایجاد کرد، اما حنظله کسی نبود که با این گونه زخم‌ها میدان نبرد را خالی کند. نفس او به اندازه‌ای بزرگ بود که با وجود آن زخم کاری که برداشته بود، همچنان به مبارزه ادامه داد و آن نیزه‌دار را از پا درآورد. آنگاه در بین عده‌ای از سپاهیان اسلام بر زمین افتاد و به فیض بزرگ شهادت نائل آمد. در پایان جنگ، پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«دیدم ملائکه بین آسمان و زمین حنظله را با ظرف‌های زرین غسل می‌دادند. به‌همین جهت، از آن پس حنظله به غسل‌الملائکه مشهور شد.»^۱

۲- میرداماد

در زمان حکومت شاه عباس، طلبه فقیری به نام محمدباقر زندگی می‌کرد. وی از طلاب علوم دینی بوده و در مدرسه علمیه‌ای که پشت قصر پادشاه، قرار داشت، به کسب علم و دانش مشغول بود. او در یکی از شب‌ها با صحنه‌ای عجیب مواجه شد که اگر خودشازی و تهذیب نفس وی نبود، قطعاً پایش می‌لغزید و به گمراهی کشیده می‌شد. ماجرا از این قرار بود که شبی در قصر شاه عباس، بین یکی از زنان شاه و دخترش کدورتی پیش آمد. از این رو، دختر شاه قهر کرد و مخفیانه از قصر گریخت و به مدرسه دینی پناه برد. سپس، به اتاق محمدباقر، که چراغش روشن بود، وارد شد. وی با انگشت به محمدباقر اشاره کرد که ساکت باشد. طلبه بیچاره چون یک‌مرتبه و بدون مقدمه چنان ماه‌رویی با هیبت شاهزادگی وارد اتاقش شده بود، در بهت عجیبی فرو رفت و اراده‌اش سلب شد و نتوانست چیزی بگوید. دختر وارد شد و نشست و گفت: «شام چه داری؟» طلبه جوان آنچه حاضر بود، آورد. دختر شام را خورد و سپس پرسید: «رختخواب کجاست؟» محمدباقر به کنج اتاق اشاره کرد. دختر به طرف رختخواب رفت و پیش از خوابیدن گفت: «نباید در را باز کنی و به کسی اطلاع دهی و گرنه تو را به جلا دهم سپرد.» محمدباقر اطاعت کرد و در بهت و حیرت مشغول مطالعه شد.

از آن طرف، به شاه خبر داده بودند که شاهزاده خانم از کاخ خارج شده است، دستور

۱. فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۴۱.



داد مأموران و خدمه و فراشان تمام شهر را جست‌وجو کنند و او را بیابند. مبدا شب‌هنگام شاهزاده خانم به جای نامناسبی برود. مأموران هرچه جست‌وجو کردند، از آن دختر گم‌شده اثری نیافتند. صبح‌گاهان دختر از خواب برخاست و از اتاق خارج شد که در این هنگام مأموران او را دیدند، دختر و آن طلبه جوان را، گرفتند و به حضور شاه عباس بردند و گزارش دادند که شاهزاده خانم شب تا صبح در اتاق این جوان بوده است.

شاه عباس بسیار خشمگین شد و از جوان پرسید: «چرا شاهزاده خانم را تا صبح در اتاق نگه داشتی و به ما خبر ندادی؟» گفت: «قربان! او مرا تهدید کرد که اگر به کسی اطلاع دهم، مرا به دست جلاد خواهد سپرد.»

پس از اینکه شاه عباس مطمئن شد که آن طلبه به دخترش دست درازی نکرده است، از آن جوان پرسید: «تو مرد عذب و بی‌زنی هستی، چطور توانستی از این دختر ماه‌رویی که بی‌دغدغه به اتاق تو آمد و در رختخواب بود، چشم‌پوشی کنی؟ مگر تو شهوت نداری؟» محمدباقر در پاسخ او ده انگشت خود را به شاه عباس نشان داد. شاه دید تمام انگشتانش سوخته و گوشت‌هایش ریخته است. پرسید: «این چیست؟» جوان گفت: «چون شاهزاده خانم در رخت‌خواب من خوابید، نفس اماره، مرا وسوسه کرد که در خانه کسی نیست و چنین فرشته زیبایی نصیب تو شده است؛ معطل چه هستی؟ چنین فرصتی کمتر دست می‌دهد. با این حال، هر دفعه که نفس اماره مرا وسوسه کرد و تصمیم به گناه می‌گرفتم، یکی از انگشتانم را روی شعله شمع می‌نهادم تا عذاب جهنم را به یاد آورم و گناه نکنم. از سر شب تا صبح با نفس، خود در مبارزه بودم و به لطف خدا اگر چه همه انگشتانم سوخت، ولی شیطان نفس نتوانست مرا از راه راست منحرف سازد.»

شاه عباس از پرهیزکاری آن طلبه جوان خیلی خوشش آمد و دستور داد تا همان دختر را به عقد جوان طلبه درآوردند و او را به لقب میرداماد مفتخر کرد و وی را بسیار گرامی داشت. آن طلبه علوم دین به برکت مبارزه با نفس اماره، یک‌شبه به مقام والایی نائل آمد و معروف خاص و عام گشت.^۱

۱. محمدجواد اهری، دانشت‌های تاریخی، تهران، قلم فردا، ۱۳۸۲، ص ۸.



درس چهارم:
جوان و خودسازی

پرسش‌ها

۱. دلیل اهمیت خودسازی چیست؟ توضیح دهید.
۲. تمسک به انبیا و اولیای الهی چگونه سبب خودسازی در انسان می‌شود؟
۳. مراحل خودسازی را نام برده و دو مورد را به دلخواه توضیح دهید.
۴. آثار فردی و اجتماعی خودسازی را به اختصار بیان کنید.

درس پنجم:
جوان و عزت نفس

مباحث اصلی درس

تعریف عزت در لغت و اصطلاح قرآنی

عوامل تحقق عزت نفس ۱- عزت خواهی از خداوند ۲- پای بندی به قرآن کریم و آموزه های دینی

۳- پیروی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) ۴- پیوند با مؤمنان ۵- روزی حلال

آثار و نتایج برخورداری از عزت ۱- محقق کردن خواسته ها ۲- عفو و گذشت ۳- قانونگذاری

۴- رهایی از شیطان ۵- استقامت و پایداری ۶- امداد و یاری دیگران

۷- رحمت و مهرورزی به دیگران ۸- کسب اقتدار

۹- طاغوت ستیزی و ستم گریزی ۱۰- استقلال و خودباوری

تعریف عزت در لغت و اصطلاح قرآنی

عزت در لغت یعنی شکست ناپذیری و حالتی که مانع مغلوب شدن انسان می شود. در اصل از «ارض عزاز»؛ یعنی زمین محکم و نفوذناپذیر گرفته شده است و شیء کمیاب را از آن جهت عزیز و عزیزالوجود می گویند که در آن، حالت توانایی قرار گرفته و رسیدن به آن، سخت است.

عزت حالتی است که مانع مغلوب شدن فرد می شود؛ عزیز به سبب آنکه دارای چنین حالتی است فردی نفوذناپذیر است و هرگز به نقیض آن یعنی ذلت و خواری دچار نمی شود. این حالت اگر در فرد و جامعه انسانی، تحقق یابد، شرایط به گونه ای خواهد بود که شخص و جامعه، روحیه ذلت پذیری نخواهد داشت و تمام تلاش ها مصروف این معنا می شود که از حالت عزت صیانت شود و زمینه های تحکیم و تقویت فراهم و موانع احتمالی برطرف و از هرگونه شرایط ذلت بار و علل و عوامل آن پرهیز یا مبارزه شود. لذا اگر یکایک

افراد از عزت نفس فردی برخوردار نباشند، نمی توان از جامعه‌ای عزت مدار و ذلت‌گریز سخن گفت، بنابراین تقویت عزت نفس و افزایش خودباوری و کرامت انسانی آحاد جامعه، به معنای تقویت و افزایش عزت و اقتدار برای آن جامعه است.

عوامل تحقق عزت نفس

در آموزه های دینی، انسان مؤمن جایگاهی والا و ارزشمند دارد. اسلام بر عزیز بودن انسان تأکید می‌کند و از همین رو به عواملی سفارش می‌کند که هم موجب عزت او هستند و هم سبب بقای آن، که در زیر به برخی از این عوامل اشاره می‌شود:

۱- عزت خواهی از خداوند

خداوند متعال، سرچشمه ی عزت به معنای واقعی است و دیگر آفریده ها در ذات خود، فقیر و ذلیل هستند. آنان به خداوند نیازمندند و خداوند عزیز مالک همه ی آن ها است. قرآن کریم می‌فرماید:

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا: کسی که خواهان عزت است (بداند) عزت یکسره از آن خداست» (فاطر: ۱۰).

سخن اصلی این آیه آن است که عزت جویان باید عزت را از خداوند متعال بخواهند؛ زیرا عزت در ملک خداوند است و انسان در پرتو پرستش خدا و تسلیم شدن در برابر او به عزت مندی می‌رسد.

حضرت علی (علیه السلام) نیز فرموده است: «عزیزی که عزتش از غیر خدا باشد، ذلیل است»^۱.

۲- پای بندی به قرآن کریم و آموزه های دینی

پای بندی به قرآن کریم و یاری جستن از آن، عامل عزت و سربلندی است. خداوند متعال می‌فرماید: «تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ: این کتابی است که از سوی خداوند عزیز و حکیم فرو فرستاده شده است» (زمر: ۱)

چون خداوند متعال سرچشمه‌ی عزت و بزرگی است، پیروی از قرآن کریم که سخن اوست، در بردارنده ی عوامل عزت و بزرگواری انسان است.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۰.

۳- پیروی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام)

رسول گرامی و اهل بیت عزیز آن حضرت (علیهم السلام) مصداق کامل پیوند یافتن با خدا به وسیله‌ی ایمان آوردن و انجام کردار شایسته و عزت آفرینی هستند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در مقام راه یافتن به سرچشمه‌ی کمال الهی به جایی رسید که خداوند درباره‌ی او فرمود: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ: وَتُوِ اخْلَاقَ بَزْرَگ و برجسته‌ای داری» (قلم: ۴)؛ لذا بر پیروی از پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) تاکید می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا و پیامبر خدا و اولوالامر، پیروی کنید. پس اگر در امری، اختلاف داشتید، آن را به داوری خدا و رسول بگذارید اگر به خدا و قیامت، ایمان دارید، این کار نیکو و پایانش نیکوتر است» (نساء: ۵۹).

بدین ترتیب، پیروی از پیامبر و جانشینان آن حضرت که هر کدام به سرچشمه‌ی عزت، پیوسته‌اند، مایه‌ی عزت مندی است^۱.

۴- پیوند با مؤمنان

پیوند با مؤمنانی که افتخار بندگی خدا را دارند و عزت خویش را از سرچشمه‌ی اصلی خداوند عزیز-گرفته‌اند، عامل عزت و مانع ذلت‌پذیری است. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَاللَّهُ الْعَزِيزُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ: و عزت از آن خدا و رسول او و مؤمنان است، ولی منافقان نمی‌دانند» (منافقون: ۸).

عزت و سعادت هیچ‌گاه با ولایت کافران و منافقان به دست نمی‌آید و خداوند هرگونه ولایت کافران و مشرکان را بر مؤمنان نفی کرده است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

«الَّذِينَ يَتَخَذُونَ الْكُافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا: همانانی که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود برمی‌گزینند، آیا می‌خواهند از آنان عزت و آبرو بجویند، با این که همه‌ی عزت‌ها از آن خداست» (نساء: ۱۳۹).

۵- روزی حلال

انسان عزیز و شکست‌ناپذیر بر سر سفره‌های حلال پرورش می‌یابد. امام حسین (علیه السلام)

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳، ۴۳۴.

می فرماید:

«سینه های پاکیزه ای که ما از آن شیر نوشیده ایم، ذلت را بر ما روا نمی داند»^۱.

از سخن امام حسین (علیه السلام) چنین برمی آید که به دست آوردن روزی حلال در عزت مندی انسان ها تاثیر دارد. لقمه ی حلال، آدمی را از مفسد و خواری های بسیاری، دور نگاه می دارد و او را به انسانی شجاع و با شرف بدل می کند.

آثار و نتایج بر خورداری از عزت

در آیات و روایات آثاری برای عزت بیان شده که آگاهی نسبت به آن می تواند در اهمیت و ارزش عزت در حوزه های شخصی و اجتماعی و سیاسی بسیار مفید و سازنده و انگیزه بخش باشد و گرایش فطری به عزت را تقویت کرده و انسان را نسبت به کسب آن تهییج کند، که در زیر به برخی از آنها اشاره می شود.

۱- محقق کردن خواسته ها

از آنجا که خداوند عزیز مطلق است هیچ چیزی در هستی نیست که مانع از اجرای خواسته های خداوندی باشد. خداوند می فرماید:

«وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْتَبْتُمْ إِنْ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ و اگر خدا بخواهد، شما را به زحمت می اندازد؛ زیرا او خدایی عزیز و حکیم است» (بقره: ۲۲۰)

در این آیه توضیح داده که عزت و حکمت الهی موجب آن است که هر چه بخواهد اجرا می کند و خواسته ای نیست که با مانع مواجه شود. البته نام حکیم می فهماند خداوند با آنکه به عزت می تواند چنین کند، ولی به حکمت این کار را نمی کند؛ زیرا حکمت الهی بدین قرار گرفته تا مردم را به رنج نیفکند. بنابراین هر کسی با توجه به مقام عزت خویش به اذن الهی، خواسته های خود را برآورده می سازد بی آنکه چیزی مانع تحقق خواسته هایش باشد.

لیکن همچنان که انسان به عنوان خلیفه الهی، با گام نهادن در راه سعادت و رضای الهی می تواند روح خود را متعالی نماید و با کسب مقام عزت با مشیت خداوند عزیز، به

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۷.

خواسته‌ها و آرمان‌های واقعی دست یابد، امت واحده اسلامی نیز می‌تواند با نیل به راهی که انبیاء و اوصیای الهی برای جامعه بشری نشان داده‌اند، به عزتی دست یابد که بتواند براساس خواسته‌های مشروع خود را اقامه و اهداف متعالی خود را محقق سازد.

۲- عفو و گذشت

اصولا کسی که عزیز است در جایگاه بلندی است که انجام کاری یا ترک آن، هیچ‌گونه آسیبی به او نمی‌رساند. از همین رو وقتی دیگران خطا و گناهی کردند، بی‌آنکه مشکلی را ایجاد کند، می‌بخشد و عفو می‌کند. خداوند در آیه ۶۶ سوره ص بیان می‌کند که عزیز بسیار آمرزنده است. همچنین خداوند در آیات ۷ و ۸ سوره غافر، بخشش و گذشت از دیگران را برخاسته از عزت می‌داند.

۳- قانون‌گذاری

کسی که به مقام عزت الهی نایل شود بر نفس خویش چیره می‌شود و باید و نبایدهای زندگی شخصی خود و چگونگی رابطه خویش با خود و خدا و دیگران و جهان پیرامونی را می‌تواند تنظیم و قانون‌گذار وجود خویش باشد؛ پس هواهای نفسانی نمی‌تواند بر او چیره شود و او را زیر سلطه قانون‌گذاری خود، ببرد. همین‌طور اگر جامعه و امتی دارای عزت باشد و از یگانه قانون‌گذار جهان هستی تبعیت نماید و همه قدرت را از او بداند و از یاری او ناامید نباشد و از قدرت غیر خدا واهمه‌ای در دل نداشته باشد، می‌تواند در سطح جهانی قانون‌گذاری کند و تحت سلطه قوانین دیگران نرود.

۴- رهایی از شیطان

از نظر قرآن، عزت موجب می‌شود تا انسان از سلطه هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی رها شود؛ زیرا اگر زیر سلطه هواها و وسوسه باشد، تحت فرماندهی دیگری و به نوعی فرمانبر نفس و شیطان است؛ اما اگر عزیز شد، بر نفس مسلط می‌شود و زمینه وسوسه‌های شیطانی را از میان می‌برد.^۱

۵- استقامت و پایداری

پایداری در برابر فشارهای درونی و بیرونی از دیگر آثار عزت است؛ زیرا عزیز در برابر فشارها چنان استوار و استحکام دارد که کسی بر او غلبه نمی‌کند. بنابراین استوار در برابر

۱. رک: بقره (۲)، آیات ۲۰۸ و ۲۰۹.

فشار قرار می‌گیرد. امت و دولت اسلامی، وقتی به چنین مرحله‌ای از ایمان برسد، دارای چنین اقتدار و استقامتی خواهد بود و هیچ‌گونه تهدیدی او را به عقب‌نشینی از مواضع اصولی وارد نمی‌کند. همچنان که در هشت سال دفاع مقدس، با رهبری حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه)، ملت عزیز ایران با نیروی استقامت و شهامت و پایداری، دیکتاتوری را که از حمایت شرق و غرب برخوردار بود، به زانو درآورد و با عزتمندی جامعه جهانی را مجبور به تن دادن به خواسته‌های خود نمود.

۶- امداد و یاری دیگران

عزیز به دلیل آن که در اوج اقتدار و قدرت است، می‌تواند به دیگرانی که مظلوم و مستضعف شده‌اند، یاری رساند. از نظر قرآن، عزت و شکست ناپذیری خداوند، منشأ امداد او به مومنان است.^۱

۷- رحمت و مهرورزی به دیگران

مهرورزی و رحمت نسبت به دیگران از بازتاب‌های عزت است؛ زیرا اهل عزت نه تنها مغلوب و مقهور نمی‌شوند، بلکه به سبب فقدان نقص و عیب، اهل رحمت به دیگران هستند.^۲

۸- کسب اقتدار

از پیامدهای عزت، کسب اقتدار در تمام عرصه‌های زندگی است؛ همان طوری که عزت خداوند، موجب می‌شود تا همه هستی به عنوان سربازان او، وارد عمل شوند، امت و دولت اسلامی در صورت کسب و حفظ عزت و شرف، به عنوان مظهر الهی از چنین اقتداری برخوردار خواهد بود^۳ همان طور که در سایه این عزت و اقتدار، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در حالی که در ابتدای بعثت خود به پیامبری دین مبین اسلام؛ مجبور به ابلاغ پنهانی دین خدا بود، و لحظه‌ای از دسیسه دشمنان دین خدا در امان نبود، رسالت خود را به مشرکان و اعراب جاهلی، ابلاغ نمود و با فائق آمدن بر انواع فشارها و تحریم‌های سیاسی و اقتصادی، حکومت اسلامی را در مدینه منوره تشکیل داد و در عرض کمتر از ۲۳ سال

۱. رک: احزاب (۳۳)، آیات ۱۱ و ۲۵.

۲. رک: توبه (۹)، آیه ۷۱؛ فاطر (۳۵)، آیه ۲.

۳. رک: فتح (۴۸)، آیه ۷.

علاوه بر گسترش حکومت اسلامی در تمام پهنای جزیره العرب، سران امپراطوری‌ها و همه ملت‌های دنیا را مورد خطاب دعوت خویش، قرار داد.

۹- طاغوت ستیزی و ستم‌گریزی

عزت نفس، انسان را بلندهمت بار آورده و ثبات، پایداری و تحمل سختی‌ها و ناملایمات در راه اهداف متعالی را به صاحب آن ارزانی می‌دارد و او را چون کوه در برابر تندبادهای ویرانگر، مقاوم می‌سازد و در اثر آن به شیاطین درون و برون، پشت پا می‌زند.

۱۰- استقلال و خودباوری

روحیه استقلال و خوداتکایی ناشی از کرامت و عزت نفس است و در آموزه‌های دینی، همواره مورد تأکید قرار گرفته است. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«عِزُّ الْمُؤْمِنِ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ: عزت مؤمن در بی‌نیازی او از مردم است»^۱.

عار از کار و انتظار این که دیگران به جای او کارها را سامان دهند، مشمول عکس این فرمایش است که همان ذلت و طمع ورزی است. ایشان در جای دیگر فرموده‌اند:

«شبیعه ما از مردم چیزی تقاضا نمی‌کند، گرچه از گرسنگی بمیرد»^۲

آنچه بیان شد تنها گوشه‌ای از آثار و پیامدهای عزت فردی و اجتماعی است. از همین نمونه‌ها می‌توان تأثیر شگرف و بزرگ عزت در همه ابعاد زندگی دنیوی و اخروی را به دست آورد. اگر چنین آثاری در فرد و جامعه ایجاد نشد باید در وجود و تحقق عزت واقعی تردید کرد و خود را گرفتار عزت دروغین و خیالی و توهمی دانست.

پرسش‌ها

- ۱- عزت در لغت و اصطلاح قرآنی به چه معنایی آمده است.
- ۲- از عوامل تحقق عزت نفس، دو مورد را شرح دهید.
- ۳- به پنج مورد از آثار و نتایج برخورداری از عزت اشاره نمایید.

۱. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، ص ۸۵

۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۵۸

درس ششم: جوان و پدر و مادر

مباحث اصلی درس

جایگاه والدین در اسلام

۱- محبت ۲- نیکی ۳- احترام ۴- فروتنی ۵- دعا

۱- افزایش عمر ۲- همنشینی با پیامبران در بهشت

۳- لذت بردن از زندگی ۴- مرگ آسان ۵- نیکی فرزندان

اختلاف نسل و تفاوت سنی میان جوان با والدین، گاهی سبب ایجاد تفاوت‌هایی در دیدگاه و تجربه این دو قشر می‌گردد. جوانان گاهی به دلیل حس استقلال طلبی، زیر بار حرف‌های پدر و مادر نمی‌روند که این امر سبب بروز اختلافاتی میان آنان می‌گردد. این مشکل مربوط به زمان حاضر نیست، بلکه از زمان‌های گذشته و حتی در صدر اسلام نیز وجود داشته است، ولی امروزه از یک‌سو، به دلیل سرعت رشد و پیشرفت زندگی ماشینی و از سوی دیگر، نبود آگاهی کامل نسبت به وظایف جوانان در قبال پدر و مادر، فاصله میان فرزندان با والدین، بیشتر از گذشته احساس می‌شود که این امر سبب اختلاف و مشاجره میان فرزندان و والدین می‌گردد. از این رو، باید آگاهی‌ها و آموزش‌های لازم به جوانان عزیز ارائه گردد تا از این راه، آنان بیش از پیش، به رعایت احترام و قدرشناسی از والدین تشویق و ترغیب شوند. در این درس، ضمن اشاره به جایگاه والدین، حقوق و آثار احترام به آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

جایگاه والدین در اسلام

خداوند پس از فرمان به شکرگزاری خود، شکر پدر و مادر را آورده است:

«وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلٰى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ

إِلَى الْمُصِيرِ: و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش به او باردار شد، سستی بر روی سستی، و از شیر بازگرفتنش در دو سال است. آری، به او سفارش کردیم [که شکرگزارِ من و پدر و مادرت باش که بازگشت همه] به سوی من است. «(لقمان: ۱۴)

اما همان طور که کسی نمی تواند شکر پروردگار را آنچنان که شایسته است، به جای آورد، شکرگزاری از پدر و مادر نیز بسیار دشوار است. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است: «هرگز فرزندی پاداش پدرش را ادا نمی کند، مگر آنکه پدر مملوک باشد و فرزند او را بخرد و آزاد کند»^۱. و نیز از ایشان روایت شده است: «نیکی به پدر و مادر برتر از نماز و روزه و حج و عمره و جهاد در راه خداست»^۲.

منزلت پدر و مادر به حدی است که حتی پدر و مادری که از نظر عقیده دچار انحراف هستند یا به فرزند خود ظلم کرده اند، باید مورد احترام قرار بگیرند و فرزند به آنان نیکی کند.^۳

حقوق والدین بر فرزندان

از دیدگاه اسلام، انسان در برابر استفاده و بهره‌مندی از نعمت‌ها باید شکرگزار باشد و حقوق آن‌ها را به جا آورد. از جمله این نعمت‌ها، نعمت پدر و مادر است؛ پدر و مادری که برای رشد و پرورش فرزندشان از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نمی کنند. از این رو، خدای متعال در قرآن کریم، فرزندان را به رعایت حقوق والدین امر فرموده است.^۴ برخی از این وظایف و حقوق عبارت‌اند از:

۱- محبت

«محبت» حسی درونی است که گاه ظهور و بروز خارجی نیز دارد. این حس به اندازه‌ای ارزشمند است که امام باقر (علیه السلام) دین اسلام را چیزی جز محبت نمی داند.^۵

۱. محمدبن شاه مرتضی فیض کاشانی، محجّة البیضاء فی احیاء الاحیاء، تهران، نشر اسلامی، ج ۳، ص ۴۳۴.

۲. همان.

۳. همان، ص ۴۴۱ و ۴۴۲.

۴. بقره (۲)، آیات ۸۲، ۱۰۸ و ۲۱۵؛ نساء (۴)، آیات ۳۶ و ۱۳۵؛ انعام (۶)، آیه ۱۵۱؛ ابراهیم (۱۴)، آیه ۴۰؛ مریم (۱۹)، آیات ۱۴ و ۳۲؛ اسراء (۱۷)، آیات ۲۳-۲۵؛ عنکبوت (۲۹)، آیات ۸ و ۹۰؛ لقمان (۳۱)، آیات ۱۴ و ۱۵؛ احقاف (۴۶)، آیات ۱۴، ۱۷، ۱۸ و ۱۹؛ نوح (۷۱)، آیه ۳۸ و بلد (۹۰)، آیه ۳.

۵. الکافی، ج ۸، ص ۸۰.

در اسلام نمونه‌های بسیاری برای ابراز محبت بیان شده که یکی از آن‌ها محبت به پدر و مادر است. محبت به پدر و مادر به اندازه‌ای زیباست که اگر هر فرد تنها یک بار در زندگی آن را تجربه کند، دیگر حاضر نخواهد بود که آن را با هیچ چیز دیگری عوض نماید. فردی که به پدر و مادرش محبت می‌کند، افزون بر لذت درونی، در پیشگاه خداوند نیز از پاداشی بزرگ برخوردار خواهد شد. رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند:

«هیچ فرزندی به والدینش به نظر مهربانی نمی‌نگرد، مگر آنکه برای او، با هر نگاهی، یک حج قبول شده نزد خدا باشد.» راوی از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پرسید که آیا این ثواب برای کسی که روزی صد بار بر پدر و مادر نگاه کند، هست؟ رسول خدا فرمودند:

«بله، اگر فرزند روزی صد بار بر پدر و مادر خود با رأفت نگاه کند، خداوند ثواب صد حج به او می‌دهد و خداوند بزرگ‌ترین و پاک‌ترین است.»^۱

بنابراین، وقتی در اسلام برای یک نگاه محبت‌آمیز به پدر و مادر تا این اندازه اهمیت داده شده است، کارهایی دیگری از قبیل بوسیدن دستان و برطرف کردن نیازهای آنان و ... تا چه اندازه‌ای می‌تواند در پیشگاه خداوند با ارزش باشد؟ پس جوانان عزیز باید قدر این فرصتی که خداوند به آنان داده است را بدانند و تا پدر و مادرشان زنده هستند با تمام وجود به آنان محبت نمایند.

۲- نیکی

مهم‌ترین و رفیع‌ترین عمل اسلامی بعد از توحید و یکتاپرستی، احسان به پدر و مادر است. چنانچه در چهار سوره قرآن، نیکی به والدین بلافاصله بعد از مسئله توحید قرار گرفته است.^۲ هم‌ردیف بودن توحید با نیکی به پدر و مادر، بیانگر این است که اسلام تا چه میزان برای والدین احترام قائل است. امام صادق (علیه‌السلام) درباره نیکی به والدین می‌فرماید:

«سه چیز است که همیشه باید آن‌ها را انجام داد: یکی از آن‌ها نیکی به پدر و مادر است؛ چه نیکوکار باشند چه بدکار.»^۳

یکی از مهم‌ترین نمونه‌های نیکی به پدر و مادر، انفاق کردن به آنان به‌ویژه در سنین

۱. محمدبن حسن فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ترجمه و تحشیه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۶۸.

۲. بقره (۲)، آیه ۸۳؛ نساء (۴)، آیه ۳۶؛ اسراء (۱۷)، آیه ۲۳؛ انعام (۶)، آیه ۱۵۱.

۳. همان، ص ۱۷۹، ح ۳.



پیری و کهولت است. گاه ممکن است کوتاهی در این امر، زندگی دنیا و آخرت فردی را تباه سازد. در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جوان ثروتمندی می‌زیست که پدری فقیر داشت و به او احسان و نیکی نمی‌کرد و وی را از مال خود محروم کرده بود. پیرمرد نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده و با حالت شکایت به ایشان عرض کرد که فرزندم با آنکه مال و ثروت فراوان دارد به من کمک نمی‌کند، پیامبر فرزند او را به حضور طلبیده و به وی فرمود:

«چرا مخارج پدرت را نمی‌دهی؟» او در پاسخ گفت: «بیش از مخارج خود چیزی ندارم.» پدر پیرش خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد: «دروغ می‌گویدی، من می‌دانم انبارهایی از گندم و جو و خرما و مویز دارد.» ولی پسر گفته‌های پدرش را منکر شد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «این ماه من مخارج پدرت را می‌دهم، ولی ماه دیگر شما مخارج پدرت را بده.»

پدر و فرزند رفتند و پس از یک ماه دوباره پیرمرد نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده و شکایت خود را تکرار کرد و گفت: «پسرم به من هیچ کمکی نمی‌کند.» رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بار دیگر پسر را به حضور طلبید و به او امر کرد که مخارج پدرش را بدهد. وی در پاسخ گفت: «بیش از مخارجم چیزی ندارم که به پدرم کمک کنم.» پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «دروغ می‌گویی، بدان امروز که به شب برسد تو از پدرت پریشان‌تر و محتاج‌تر خواهی شد.» جوان که از مکر خدا غافل بود به فرمایش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) اعتنایی نکرد و به خانه‌اش برگشت. هنوز شب نشده بود که همسایگان به او خبر دادند که تمام انبارهای گندم و خرمایش متعفن شده است. آن‌ها را از نزدیکی ما دور کن که از گندش هلاک شدیم.

پسر به هنگام بازدید از انبارها، متوجه شد که همه مواد درون آن‌ها گندیده و متعفن شده است. در نتیجه، مجبور شد که کارگر گرفته و جنس‌های انبارها را به بیرون شهر ببرد. در نهایت، چیزی نداشت که مزد کارگرها را بدهد و مجبور شد فرش خانه خود را به ازای مزد کارگرها بدهد و مخارج یک شب هم در دستش نماند و از غصه مریض شد. خدای متعال اموالش را از او گرفت، فقر و تنگدستی و مرض به او روی آورد و بیچاره شد. سپس، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«ای کسانی که پدرها و مادرهای خود را آزار می‌دهید، از حال این جوان عبرت بگیرید و بدانید همان طوری که در دنیا ثروتش از دست رفت، غنا و ثروتش به فقر مبدل شد و صحتش به مرض تبدیل شد و دستش از همه چیز تهی شد، در آخرت هم هر درجه‌ای که در بهشت داشت به واسطه این گناه از دست داده و در مقابلش از درکات آتش برایش آماده است»^۱.

۳- احترام

پدر و مادر واسطه آفرینش فرزند و بهترین وسیله برای تربیت و پرورش او می‌باشند.^۲ آنان قطره قطره عصاره وجود خویش را به پای نهال ظریف و ناتوان کودکشان می‌ریزند و با نثار وجودشان او را به درختی تنومند و بانشاط تبدیل می‌کنند.^۳ به همین سبب، ادیان الهی، به ویژه دین مبین اسلام، همگان را به احترام پدر و مادر فراخوانده‌اند و هیچ‌گونه بی‌احترامی‌ای درباره این دو در نایاب را نمی‌پذیرند.

اسلام به اندازه‌ای احترام به پدر و مادر را مهم می‌شمارد که مسلمانان را از گفتن کوچک‌ترین سخنی که باعث رنجش آنان شود، بازداشته و به آنان دستور می‌دهد که با پدر و مادر خویش از روی ادب و احترام سخن بگویند و بالاترین میزان فروتنی و تواضع را در برابر آنان رعایت نمایند.^۴ در آموزه‌های دینی آمده است که فرزندان نباید والدین‌شان را به نام صدا بزنند و جلوتر از آنان راه رفته و در هنگام نشستن به آنها تکیه کنند. پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) در وصیت به امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمودند:

«حق پدر بر فرزند این است که او را به نام صدا نزند و پیشاپیش او راه نرود و جلو او ننشیند»^۵.

روزی یکی از مسئولین به همراه پدرش خدمت امام خمینی (ره) رسید. وی به هنگام ورود، جلوتر از پدرش حرکت کرد و پس از تشریف به خدمت امام، پدرش را معرفی کرد. امام فرمود: «این آقا پدر شما هستند؟» عرض کرد: «آری»، امام فرمودند: «پس چرا جلوی

۱. بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۲۷۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۷۷.

۳. محمدبن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، أمالی، ص ۳۷۱.

۴. ... فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفْ وَ لَا تَتَهَرَّهْمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا * وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمُهُمَا كَمَا رَحِمْتَ رَبِّيَ صَغِيرًا (اسراء: ۲۳-۲۴).

۵. محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل‌البیته (علیه السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۷.

وی راه افتاده‌ای و وارد شدی؟»^۱ به این ترتیب، امام خمینی (ره) مقام ارجمند پدری را به او گوشزد کرده و درس بزرگ احترام به پدر را به وی آموخت. آری، احترام به پدر و مادر موضوعی نیست که بتوان به سادگی از آن عبور کرد.

۴- فروتنی

«تواضع و فروتنی» در برابر تکبر و فخرفروشی، به معنای خود را برتر و بزرگ‌تر ندیدن است. اما درباره پدر و مادر نه تنها خود را برتر از آنان نباید دید، بلکه می‌بایست در برابر آنان رفتاری ذلیلانه داشت. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِی صَغِيرًا: و از سر مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو: پروردگارا آن دو را رحمت کن چنان که مرا در خردی پروردند.» (اسراء: ۲۴)

در این آیه عبارت «جَنَاحَ الذُّلِّ» نهایت فروتنی و تواضع در برابر پدر و مادر را نشان می‌دهد.

از مرحوم آیت‌الله سیدشهاب‌الدین نجفی مرعشی نقل شده که روزی مادرم فرمودند:

پدرت را برای صرف نهار صدا بزن. حقیر به طبقه بالا رفتم، دیدم پدرم در حال مطالعه خوابش برده است. ماندم که چه کنم، خدایا امر مادر را اطاعت کنم یا با بیدار کردن ایشان از خواب باعث رنجش خاطر مبارکشان شوم؟ خم شدم، لب‌هایم را کف پای پدرم گذاشته و کف پای ایشان را بوسیدم و بدین وسیله ایشان را بیدار کردم. ایشان وقتی این علاقه و ادب و احترام را از سوی من مشاهده کرد، دو دوستش را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: پسرم، خداوند عزت تو را بالا برد و تو را از خادمین اهل بیت (علیهم السلام) قرار دهد. من هر چه دارم از برکت همان دعای پدرم است که در حق من نمود و به مرحله اجابت رسید.^۲

۵- دعا

دعا برای عموم مؤمنان پسندیده است و برای پدر و مادر پسندیده‌تر. خداوند متعال درباره نحوه دعا برای پدر و مادر می‌فرماید:

۱. محمد محمدی اشتهاردی، داستان دوستان، قم، ۱۳۸۹، ج ۱، داستان ۱۰۷، ص ۱۶۱.

۲. رضا باقی‌زاده، رمز موفقیت بزرگان، قم، گاه سحر، ۱۳۷۹، ص ۱۱۷.

«رَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ و بگو پروردگارا بر آن‌ها ای پدر و مادر ارحم کن، همان‌طور که آن‌ها مرا در کوچکی تربیت کردند.» (اسراء: ۲۴)

آثار احترام به پدر و مادر

همان‌طوری که خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها خواص و آثار وضعی دارند و خواه‌ناخواه آثارشان را در جسم و روان انسان می‌گذارند، برخی اعمال و کردارهای انسان نیز چنین است. اعمال صالح و نیکو، آثار خوب داشته و کردارهای بد و زشت، نتایج ناپسند از خود به یادگار خواهند گذاشت. احترام به پدر و مادر آثار بسیار شگرفی دارد که از جمله آثار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- افزایش عمر

انسان‌ها از گذشته تاکنون در تلاش و تکاپو برای دستیابی به عمر بیشتر بوده‌اند و در این باره به نتایجی نیز دست یافته‌اند. اما گاهی از عوامل معنوی، که مهم‌ترین عنصر افزایش عمر به شمار می‌رود، غافل می‌شوند. یکی از این عوامل احترام به پدر و مادر است که در مبانی دینی بارها بدان تأکید شده است.^۱

پس، نیکی به پدر و مادر، افزایش عمر و بدرفتاری با آنان سبب کوتاه شدن عمر در فرزندان می‌شود، در تاریخ نقل شده است که متوکل عباسی کینه و دشمنی فراوانی به اهل بیت (علیهم السلام) داشت، به طوری که هفده بار مرقد مطهر سیدالشهداء (علیه السلام) را خراب کرد. از جمله کارهایش این بود که دلک و ویژه دربارش را وادار می‌کرد که ادای حرکات حضرت علی (علیه السلام) را درآورده و اهل مجلس را بخنداند.

روزی در حین این اهانت، فرزند متوکل به نام المنتصر که در مجلس بود، خشمگین شد. رو به پدر کرد و گفت: «این شخص که دلک او را مسخره می‌کند و شما می‌خندید، پسرعموی توست و ما به او افتخار می‌کنیم.» متوکل ناراحت شد و شعری را، که ناسزای به پسرش بود، خواند و به نوازندگان دستور داد که بنوازند و دلک به کار خود ادامه دهد. فرزند کینه پدر را به دل گرفت و با استادش پیرامون کشتن پدر مشورت کرد. استاد گفت: «کشتن چنین شخصی واجب است ولی فردی که پدرش را بکشد، جوان مرگ می‌شود.»

۱. حسین بن محمد تقی نوری مستدرک الوسائل، مؤسسة آل البيت (علیه السلام)، قم، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۲۰۲.

منتصر به چند نفر از غلامان خود دستور داد که پدرش را بکشند، آن‌ها نیز دستورش را اجرا کردند پس از این ماجرا منتصر بیش از شش ماه زنده نماند.^۱

۲- همنشینی با پیامبران در بهشت

یکی از آثار احترام به والدین، همنشینی با نیکان در آخرت است. روزی حضرت موسی (علیه السلام) در مناجات خود از خداوند تقاضا کرد که وی را از همنشین خود در بهشت آگاه سازد. به او خبر داده شد که همنشین تو فلان قصاب در فلان محل است. ایشان به جست‌وجوی او رفت تا اینکه وی را پیدا کرد. جوانی ساده و بی‌ریا که گوشت می‌فروخت. جوان هنگام غروب، مقداری گوشت برداشت و به‌سوی خانه راه افتاد. موسی (علیه السلام) هم در پی او حرکت کرد تا به خانه جوان رسید. به او گفت: «مهمان می‌خواهی؟» جوان پاسخ داد: «خوش آمدید، بفرمایید.» هر دو وارد خانه شدند. جوان غذا فراهم کرد. آنگاه زنبیلی را از سقف پایین آورده و پیرزنی فرتوت و کهنسال را از زنبیل خارج کرد، سپس او را شست‌وشو داده، غذایش را با دست خویش به او خوراند. هنگامی که خواست زنبیل را به جای خود آویزان کند، زبان پیرزن به کلماتی که فهمیده نمی‌شد، باز شد. پس از آن، جوان غذا آورد و با حضرت موسی (علیه السلام) خوردند.

حضرت حکایت پیرزن را پرسید. جوان گفت: «او مادر من است؛ چون قدرت خرید کنیز ندارم تا به او خدمت کند، به‌ناچار، خود کمر به خدمتش بسته‌ام.» حضرت پرسید: «آن کلماتی که بر زبان جاری کرد، چه بود؟» گفت: «هروقت او را شست‌وشو می‌دهم و غذا به او می‌خورانم، می‌گوید: خداوند تو را ببخشد و تو را همنشین حضرت موسی (علیه السلام) در بهشت و در جایگاه و درجه او قرار دهد.» حضرت موسی (علیه السلام) فرمود: «ای جوان به تو بشارت می‌دهم که خداوند دعای او را درباره‌ات مستجاب کرده است. جبرئیل به من خبر داده است که تو در بهشت همنشین من هستی.»^۲

۳- لذت بردن از زندگی

برخی جوانان لذت بردن را تنها در داشتن خانه و ماشین و ... می‌دانند، اما این افراد باید بدانند که احساس لذت بردن تنها با داشتن امکانات مادی حاصل نمی‌شود، بلکه آرامش

۱. عباس قمی، تنمۃ المنتهی، قم، پیام مقدس، ۱۳۹۱، ص ۳۲۲-۳۳۰.

۲. موسی خسروی، پند تاریخ، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۷۰.

روحی و روانی نیز در کنار آسایش جسمی نیاز است. گاه در جامعه افراد ثروتمندی را می‌بینیم که باوجود دارایی‌های فراوان، از زندگی احساس رضایت نمی‌کنند و به معضلاتی چون افسردگی، خودکشی و ... دچار می‌شوند. بنابراین، آسایش روحی و روانی در کنار آسایش جسمانی لازم و ضروری است.

یکی از عواملی که آسایش روحی و لذت از زندگی دنیوی را در پی دارد، احترام به پدر و مادر است. رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «لَذَّةُ الْعَيْشِ فِي بَرِّ الْوَالِدَيْنِ؛ لذت زندگی در احترام به پدر و مادر است.»

۴- مرگ آسان

هرکسی که آشنایی اجمالی با کتاب آسمانی قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام) داشته باشد، به این مسئله پی می‌برد که لحظات واپسین عمر انسان، لحظاتی است که به‌آسانی طی نمی‌شود و برای به دست آوردن امنیت و آسایش آن باید بسیار کوشید. یکی از عواملی که باعث سهولت جان دادن به هنگام مرگ می‌شود، احترام به والدین است.

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «هرکس دوست دارد که خداوند سختی مرگ و سنگینی لحظات جان دادن را بر او آسان و سبک کند، به بستگانش صلّه رحم و به پدر و مادرش نیکی کند. هرگاه کسی چنین کند، خداوند مرگ را بر او آسان می‌کند و در زندگی به فقر و تهیدستی مبتلاش نمی‌سازد.»^۲

۵- نیکی فرزندان

والدین از نظر اخلاقی و تربیتی تأثیر بسیاری بر فرزندان خود دارند. کسی که انتظار ادب، معرفت و حق‌شناسی از فرزندان خود دارد، باید همین حالت را به پدر و مادر خودش و بزرگ‌ترها نشان دهد تا کوچک‌ترها هم از او الگو بگیرند. اگر فرزند ببیند که پدر و مادرشان نیکی به والدین را سرلوحه زندگی خود قرار داده و به آن اهتمام می‌ورزند، فرزندان هم نسبت به آنان چنین خواهند کرد. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود:

«به پدر و مادر خود نیکی کنید، تا فرزندان شما به شما نیکی کنند.»^۳

۱. علی مشکینی، تحریر المواعظ العددیه، قم، الهادی، ۱۴۲۴ق، ص ۳۲۹.

۲. بحارالأنوار، ج ۷۱، ص ۶۶.

۳. همان، ص ۶۵.

پرسش‌ها

۱. یک آیه از قرآن درباره نیکی به پدر و مادر بنویسید.
۲. چند مورد از حقوق والدین نسبت به فرزندان را نام برده و دو مورد را به اختصار توضیح دهید.
۳. برخی از آثار نیکی به پدر و مادر را نام ببرید.
۴. احترام به پدر و مادر چگونه موجب تأثیرپذیری فرزندانمان می‌شود؟
۵. امام صادق (علیه السلام) درباره رابطه بین احترام والدین و آسانی مرگ چه فرمودند؟

درس هفتم: جوان و جامعه

«جوانی» دوره شور و هیجان است. دورانی که او برای رسیدن به خواسته‌ها و آرمان‌هایش بی‌تابی می‌کند، حوصله‌کندی و سکون را نداشته و زندگی را در قالبی نو می‌خواهد تا تازگی و طراوت را در آن تجربه کند. او دوست دارد یک‌باره به همه چیز برسد، ثروت و شهرت را باهم و همین حالا به دست آورد. او می‌خواهد پیشرو و برنده زندگی باشد. رفتار کردن براساس هنجارهای جامعه، چندان برایش خوشایند نیست. از قالب‌ها و عادت‌های گذشته گریزان است. این حالت هم می‌تواند نتایج مثبت داشته باشد و خلاقیت‌ها و نوآوری‌هایی پدید آورد و هم می‌تواند ویرانگر و نابودکننده باشد که موقعیت فرهنگی و تربیتی جامعه یکی از موثرترین عوامل تعیین‌کننده این دو مسیر، است.

متأسفانه گاه موقعیت جامعه به گونه‌ای رقم می‌خورد که شور و هیجانات دوران جوانی در مسیر درست استفاده نمی‌شود. رواج فرهنگ لذت‌جویی، که خاستگاه اصلی آن غرب است، پایه‌های خانواده‌ها را تهدید و جوانان را قربانی می‌کند. چت‌بازی و سایت‌گردی‌های بی‌هدف، ساعت‌ها وقت جوانان را می‌گیرد، بی‌آنکه چیزی بر مهارت‌های آن‌ها افزوده شود. ولی اگر جوانان عزیز قدر فرصت‌های گران‌بهای دوران جوانی خویش را دانسته و آن را صرف تحصیل، یافتن الگو و دوست مناسب، کار و تلاش و ... نمایند، قطعاً در مسیر درست قرار خواهند گرفت و از این توانمندی‌های ایام جوانی بهره خواهند برد. برای بهتر روشن شدن مطلب در ادامه به بیان برخی از اموری که جوانان باید در جامعه به آن بپردازند، اشاره می‌کنیم:

الگوی مناسب

یکی از ویژگی‌های برجسته جوانی، همانندسازی و تقلیدپذیری است. الگوپذیری انسان از محیط خانواده آغاز می‌شود، سپس در مدرسه و اجتماع ادامه می‌یابد و در مرحله جوانی

به اوج خود می‌رسد. بنابراین، جوان از نظر فطری، الگوظلب است و این ویژگی جزء ذات او به‌شمار می‌آید و به‌این دلیل، همواره در جست‌وجوی قهرمانان ذهنی خویش است.

اما مسئله مهم، انتخاب آگاهانه الگوهاست؛ یعنی جوان باید الگویی را در زندگی برگزیند که پیروی از آن الگو، مایه سربلندی او در دنیا و آخرت باشد، نه اینکه زمینه بدبختی و زبونی وی را فراهم سازد. اسلام به این خواست فطری جوانان توجه داشته و الگوهای شایسته‌ای را به آن‌ها معرفی کرده تا خود را در فکر و رفتار همانند آنان بسازند. قرآن کریم از این نوع الگو به «اسوه حسنه» یاد کرده است؛ یعنی الگویی نیکو و مناسب در همه شئون زندگی، اعم از فردی و اجتماعی.

خدای متعال شخصیت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را اسوه حسنه برای مردم معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ قطعاً برای شما در اقتدا به رسول خدا سرمشقی نیکوست، برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.» (احزاب: ۲۱)

پیروی از سیره و رفتار آن حضرت، جوان را به خدا نزدیک کرده و از هرگونه انحراف فکری و اخلاقی دور می‌کند. امام علی (علیه‌السلام) درباره پیروی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در خطبه ۱۶۰ نهج‌البلاغه می‌فرماید:

« وَ لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) كَافٍ لِّكَ فِي الْأُسْوَةِ وَ دَلِيلٌ لِّكَ عَلَى دَمِّ الدُّنْيَا وَ عَيْبِهَا وَ كَثْرَةِ مَخَازِيهَا وَ مَسَاوِيهَا ... فَتَأَسَّ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةً لِّمَن تَأَسَّى. برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر اکرم را اطاعت نمایی تا راهنمای خوبی برای تو در شناخت بدی‌ها و عیب‌های دنیا و رسوایی‌ها و زشتی‌های آن باشد ... ، پس به پیامبر پاکیزه و پاکت اقتدا کن که راه و رسم او الگویی است برای الگوظلبان.»

تحصیل علم

جوانی بهترین دوران فراگیری دانش است؛ زیرا در این بازه زمانی، جوان استعداد آموختن دانش را به‌خوبی دارد و علمی که در این دوره می‌آموزد ماندگار است و به‌آسانی

از یاد نمی‌رود. پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «هرکس علم را در جوانی فرا گیرد، مثل نوشته روی سنگ خواهد بود، ولی هرکس در بزرگی علم بیاموزد، دانایی او مثل نوشتن روی آب خواهد بود!».

بنابراین، نسل جوان باید دوره جوانی‌شان را با علم‌آموزی یا تعلیم و نشر آن سپری کنند. دنیای امروز دنیای علم است و بی‌شک یکی از مهم‌ترین عوامل تسلط کفار بر مسلمانان در جامعه امروزی، قدرت علمی آنان است. همین که آن‌ها هواپیما، اتومبیل، رایانه و... ساختند و ما نساختیم سبب شد که آنان بر ما مسلط شوند. بنابراین، به‌جای اتلاف وقت و گذراندن بی‌هدف ایام جوانی، باید با تلاش و جدیت به تحصیل علم پرداخته و در ابتدا خودمان و در نهایت جامعه را به‌سوی سعادت و کمال سوق دهیم.

دوست‌یابی

رفاقت‌طلبی و دوست‌یابی یکی از ویژگی‌های مهم دوره جوانی است؛ در این برهه از زمان، جوانان احساس نیاز بیشتری برای حضور در اجتماع و ارتباط با دیگران دارند. آنان دوست دارند افزون‌بر خانواده، با افراد دیگری نیز ارتباط برقرار کرده و با آن‌ها رفت‌وآمد داشته باشند. جوانان به‌شدت تحت تأثیر گفتار و رفتار دوستان قرار می‌گیرند و بخش مهمی از افکار و صفات اخلاقی‌شان در پیوند با آنان قالب‌بندی می‌شود. این مطلب چیزی است که از نظر علمی و تجربی نیز اثبات شده و هرکس می‌تواند آن را در رفتار جوانان مشاهده کند.^۲ امام علی (علیه‌السلام) درباره نقش دوستان در شکل‌گیری شخصیت جوان می‌فرماید:

«هرگاه وضعیت شخصی بر شما نامعلوم شد و دین و آیین او را نشناختید، به دوستانش بنگرید.

اگر اهل دین و آیین الهی بودند، او نیز پیرو آیین خداست»^۳.

نقش دوستان در تغییر رفتار و تربیت جوان، بسیار حساس و چشمگیر است، به‌گونه‌ای که حتی در بسیاری از موارد بر نقش والدین غلبه می‌کند. فرزند نوح (علیه‌السلام) به‌دلیل انتخاب دوستان نامناسب به بی‌راهه رفت و درخواست پدر را که گفت: «... يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ

۱. بحارالأنوار، ج ۱، ص ۲۲۲.

۲. محمدجواد طوسی مروجی، حقوق فرزندان در مکتب اهل‌بیت (علیه‌السلام)، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳، ص ۱۴۷.

۳. بحارالأنوار، ج ۷۱، ص ۱۹۷.

مَعَ الْكَافِرِينَ؛ ای پسر، ما ما سوار شو و با کافران مباش.» (هود: ۴۲) رد کرد.

براین اساس، جوانان که گرایش زیادی به دوست‌یابی دارند و می‌خواهند با آن‌ها ارتباط صمیمی داشته باشند، باید افرادی مؤمن، متدین، وفادار و باشخصیت را به‌عنوان دوست برگزینند؛ افرادی که از نظر دینی و اخلاقی بر دیگران تأثیر مثبت بگذارند، نه آدم‌های آلوده به گناه که ضررشان بیشتر از نفع‌شان است.

اشتغال

جوانی با کار و تلاش معنا می‌یابد و یکی از اساسی‌ترین فعالیت‌های زندگی جوان را اشتغال تشکیل می‌دهد. جوان میل دارد در جامعه منشأ اثر بوده و بتواند کار کند و مستقل باشد. از این‌رو، دین مبین اسلام جوانان را برای برطرف کردن نیازهای زندگی و جلوگیری از مفاسد اجتماعی به کار و کوشش امر کرده و از بیکاری، تنبلی و سریار دیگران شدن به شدت منع کرده است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «خداوند جوان بیکار را دوست نمی‌دارد.»^۱

نگاه رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به جوانان پر تلاش، سرشار از محبت بود و همواره جایگاه آنان را پاس می‌داشت. روزی آن حضرت با یاران خود نشست و جوان توانا و نیرومندی را دید که اول صبح به کار و کوشش مشغول شده است، کسانی که در محضر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بودند سخن به کنایه گشودند و گفتند: «این جوان اگر نیرومندی و توان خود را در راه خدا به کار می‌انداخت، شایسته مدح و ستایش بود.» رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در پاسخ آنان فرمودند:

«این سخن را نگویند. اگر این جوان برای معاش خود کار می‌کند که در زندگی محتاج دیگران نباشد و از مردم بی‌نیاز گردد، با این عمل در راه خدا قدم برمی‌دارد. همچنین، اگر کار می‌کند تا زندگی والدین ضعیف یا کودکان ناتوان را تأمین کند و از مردم بی‌نیازشان گرداند، باز هم به راه خدا می‌رود. ولی اگر کار می‌کند تا با درآمد خود بر تهیدستان مباحث نماید و بر ثروت و دارایی خود بیفزاید، به راه شیطان رفته و از صراط حق منحرف شده است.»^۲

۱. محجة البیضاء فی احیاء الاحیاء، ج ۷، ص ۱۳۱.

۲. محجة البیضاء فی احیاء الاحیاء، ج ۳، ص ۱۴۰.



درس هفتم:
جوان و جامعه

پرسش‌ها

۱. دلیل اهمیت فراگیری علم و دانش برای جوانان در عصر حاضر چیست؟
۲. چرا جوانان باید در انتخاب دوست دقت کنند؟ با بیان آیه و روایت توضیح دهید.
۳. یک آیه و روایت درباره اهمیت اشتغال افراد جامعه، به‌ویژه جوانان، بیان کنید.

درس هشتم: جوان و غریزه جنسی

مباحث اصلی درس

آثار ازدواج

۱- حفظ دین ۲- آرامش روان ۳- تمتع و لذت ۴- فرزندآوری

۵- وسعت رزق و روزی

یکی از غرایز نیرومندی که با فرا رسیدن بلوغ و شکوفایی دوران جوانی خودنمایی می‌کند، «غریزه جنسی» است که دست توانای خالق هستی به موجب حکمت خویش، آن را وسیله تولید مثل و بقای نسل قرار داده است. این میل را می‌توان به آتشفشانی تشبیه کرد که از اعماق وجود انسان برمی‌خیزد و اگر به روشی صحیح، کنترل و مهار نشود، ویران کننده خواهد بود. متأسفانه دو نظریه غیرمنطقی و نامتعادل (افراطی و تفریطی) در رویارویی با این غریزه ارزشمند وجود دارد که اسلام با نفی هر دو نظریه، راه سومی را به نام ازدواج مطرح کرده است.

اسلام نیاز جنسی را حق طبیعی انسان می‌شمارد و ضمن تأکید بر ضرورت وجود حکیمانه آن، ازدواج را تنها پاسخ برای آن می‌داند، یک پیوند میان مرد و زن، که ضمن پسندیده بودن، می‌تواند راهی برای تکامل نیز قلمداد شود.

روزی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) درباره قیامت و وضع مردم در آن روز سخن گفت و به انذار مسلمانان پرداخت. مردم، سخت متأثر شدند و ده تن از صحابه در خانه عثمان بن مظعون جمع شدند و تصمیم گرفتند که روزها روزه‌دار و شب‌ها برای عبادت بیدار بمانند، گوشت و چربی نخورند و با زنان نیامیزند، از پوشیدن لباس‌های نرم خودداری نمایند، لذا یذ دنیا را ترک کنند و در انزوا به سر برند. این خبر به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) رسید، به آنان فرمودند:

«بدن شما را نیز بر شما حقی است. شما روزه بگیرید و افطار کنید، عبادت کنید و بخوابید، من عبادت می‌کنم و می‌خوابم، گوشت و چربی هم می‌خورم و ترک همسر نمی‌کنم و هرکس از روش من

اعراض کند، از من نیست.» سپس این آیه نازل شد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرِمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای [استفاده] شما حلال کرده، حرام شمارید و از حد مگذرید، که خدا از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد. و از آنچه خداوند روزی شما گردانیده، حلال و پاکیزه را بخورید، و از آن خدایی که بدو ایمان دارید پروا دارید.» (مائده: ۸۷-۸۸)

آثار ازدواج

برخی از افراد به بهانه‌های گوناگونی از ازدواج سرباز زده و تصور می‌کنند که با ازدواج مشکلاتشان بیشتر می‌شود و از عهده مسئولیت زندگی برنخواهند آمد. به نظر می‌رسد که این دسته از افراد با آثار ازدواج آشنایی کافی ندارند. آشنایی با آثار ازدواج موجب می‌شود جوانان عزیز بیش‌ازپیش به اهمیت ازدواج پی‌برده و بی‌دلیل این امر مهم را به تأخیر نیندازند؛ بنابراین با توجه به اهمیت موضوع در این بحث به برخی از آثار ازدواج اشاره می‌شود:

۱- حفظ دین

ازدواج سنگر مستحکمی است که انسان را تا میزان فراوانی در برابر وسوسه‌های شیطانی در امان نگه می‌دارد. قرآن کریم تعبیر «محسن و محصنه» را در مورد افرادی به کار می‌برد که دارای همسر می‌باشند. این کلمه در مورد کسی به کار می‌رود که خود را از بی‌عفتی نگه می‌دارد.^۲ بنابراین، به تعبیر قرآن، ازدواج باعث محافظت انسان در برابر بسیاری از وسوسه‌های شیطان می‌شود.

از سویی دیگر، قرآن کریم زن و شوهر را به لباس یکدیگر تشبیه نموده است.^۳ یکی از کاربردهای لباس این است که از بدن انسان در برابر میکروب‌ها محافظت می‌کند و انسان بی‌همسر مانند فرد بدون لباس آسیب‌پذیر است. امروزه از نظر علمی ثابت شده است که

۱. فضل‌بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۶۴.

۲. علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۴۹.

۳. بقره (۲)، آیه ۱۷۸.

رضای غریزه جنسی از راه‌های انحرافی، انسان را به انواع و اقسام مشکلات و بیماری‌های جسمی، روانی و اجتماعی دچار و سلامتی انسان را تهدید می‌کند.^۱

ازدواج و پیوند زناشویی امری مقدس است که افراد جامعه به‌ویژه نسل جوان، را از خطر انحراف، آلودگی و گناه در امان داشته و آنان را به پاکی و صفای باطن می‌رساند. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «هرکس دوست دارد خدا را با طهارت و پاکیزگی ملاقات کند، با داشتن همسر او را ملاقات کند.»^۲

به اعتقاد پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ازدواج سبب جلوگیری چشم و دیگر اجزای جنسی از حرام است. ایشان در این باره فرمودند: «هرکدام از شما [که] توانایی مالی دارد، ازدواج کند که فرو پوشنده چشم و اندام جنسی از حرام است.»^۳ همچنین، ایشان گزینش همسر را شرطی برای کامل شدن ایمان در پیروانش می‌دانست. در جایی که می‌فرماید:

«هر جوانی که در ابتدای جوانی ازدواج کند، شیطان او فریاد می‌کشد، ای وای، دینش را از دست من در امان داشت.»^۴

البته، تأثیر ازدواج در حفظ دین به این معنا نیست که تمام زمینه‌های فساد در انسان متأهل از بین می‌رود، بلکه او نیز باید برای حفظ عفت و پاکدامنی خود برنامه داشته باشد، چشمان خود را از مناظر شهوت‌انگیز دور نگه دارد و به پیمان زناشویی کاملاً وفادار باشد. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این باره فرمودند: «هرگاه بنده ازدواج کند، نیمی از دینش را حفظ کرده است، پس در نیم دیگر باید تقوای الهی پیشه کند.»^۵

۲- آرامش روان

آرامش روحی و روانی از مسائل ارزشمندی است که انسان به‌صورت طبیعی در پی آن است و خدای متعال یکی از عوامل مؤثر در آرامش روان را ازدواج و تشکیل خانواده قرار داده است:

۱. ایور موریش، درآمدی بر جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، ترجمه غلامعلی سرمد، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۲.

۲. بحارالأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۰.

۳. محجة البیضاء فی احیاء الاحیاء، ج ۳، ص ۵۳.

۴. حسام‌الدین منقی هندی، کنز العمال، تحقیق شیخ بکری، بیروت، مؤسسة الرسالة، ج ۱۶، ص ۲۷۶.

۵. بحارالأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹.

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا؛ اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید، و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد.» (اعراف: ۱۸۹)؛ قرآن کریم در جای دیگر می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا؛ واز نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید» (روم: ۲۱).

در این آیات، هدف از ازدواج سکونت و آرامش مطرح شده است. بیماری‌هایی که امروزه به‌خاطر ترک ازدواج پیش می‌آیند، برای هیچ‌کسی انکار کردنی نیست. همچنین، نبود تعادل روحی و ناآرامی‌های روانی‌ای که افراد مجرد با آن دست به‌گریبان‌اند کم‌وبیش بر همه روشن است. از نظر اجتماعی افراد مجرد کمتر احساس مسئولیت می‌کنند، به‌همین علت، خودکشی در میان مجردها بیشتر دیده می‌شود و جنایات هولناک از آن‌ها بیشتر سر می‌زند. هنگامی که انسان از مرحله مجرد به مرحله زندگی خانوادگی گام می‌گذارد، شخصیت تازه‌ای در خود می‌یابد و احساس مسئولیت بیشتری می‌کند. این یکی از نمونه‌های احساس آرامش در پرتو ازدواج است.

۳- تمتع و لذت

خدای متعال نعمت‌های فراوانی را در اختیار انسان قرار داد تا از آن‌ها بهره‌برده و در مسیر رشد و کمال خود به‌کار بندد. از جمله این نعمت‌ها می‌توان به غریزه جنسی اشاره نمود. تأمین غرایز جنسی از راه مشروع تنها از راه پیوند زناشویی صورت می‌گیرد.

۴- فرزندآوری

فرزند میوه زندگی و آرزوی طبیعی هر انسانی است و رسیدن به این آرزو، تنها با ازدواج تأمین می‌شود. ازدواج بی‌فرزند مانند درخت بی‌بار است. وجود فرزند پیوند زناشویی را استوار می‌سازد، مرد و زن را به خانه و زندگی علاقه‌مند و محیط خانه را با صفا و طراوت می‌کند. همچنین، مرد را به تلاش و کوشش بیشتر وادار و زن را به خانه و کاشانه دل‌گرم می‌سازد. قرآن کریم، فرزند را زینت زندگی دنیا برشمرده که بیانگر رغبت انسان به داشتن فرزند است.^۱

۵- وسعت رزق و روزی

برخلاف تصورات ابتدایی از ازدواج، که عده‌ای آن را موجب زیاد شدن نان خور و تقسیم

۱. الْمَالُ وَ النَّبُوتُ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْبَقِيَّاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمْلاً (کهف: ۴۶).

سرمایه می‌دانند، دین اسلام ازدواج را موجب برکت و ازدیاد رزق و روزی می‌داند. خداوند می‌فرماید: «اشخاص مجرد و بردگان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید که اگر فقیر باشند، خداوند آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند»^۱.

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «ازدواج کنید، زیرا رزق شما بیشتر می‌شود.»^۲؛ تقریباً همه کسانی که ازدواج کرده‌اند باوجود اذعان به بعضی از مشکلات، اعتراف می‌کنند که وضعیت مادی و معیشتی آنان از پیش از ازدواج بهتر شده است. گرچه معمولاً در این‌گونه مسائل اجتماعی استثناهایی نیز وجود داشته است.

در احادیث زیادی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آمده است که اگر فردی تنگ‌دست باشد و ازدواج کند، خداوند او را از فضل و رحمت خود بی‌نیاز کرده و مشکلات مالی و مادی او را حل خواهد کرد.^۳

پس، جوانانی که نیاز به ازدواج دارند، باید اقدام به ازدواج کنند، ولی توجه داشته باشند که از مسائل غیر ضروری و تشریفات و گناه بپرهیزند که اگر چنین کنند، یقیناً رحمت و برکات خداوند نصیب آنان خواهد شد.

پرسش‌ها

۱. نظر اسلام درباره‌ی گزینه جنسی چیست؟
۲. یکی از حکمت‌های گزینه جنسی را به دلخواه نام برده و توضیح دهید.
۳. سه مورد از آثار ازدواج را نام برده و یک مورد را توضیح دهید.
۴. ازدواج چگونه باعث سلامت و امنیت فردی و اجتماعی می‌شود؟

۱. نور (۲۴)، آیه ۳۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۹.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۱.



درس نهم:
جوان، آسیب‌ها و راهکارها

درس نهم: جوان، آسیب‌ها و راهکارها

مباحث اصلی درس

۱- ناآگاهی ۲- فرصت‌سوزی ۳- تحریک جنسی ۴- غفلت ۵- خودباختگی

۶- خلاء فرهنگی ۷- غرور ۸- رسانه‌های ارتباط جمعی ۹- سفرها و تفریحات پرخطر

۱۰- رفتارهای پرخطر اعتیاد به سیگار اعتیاد به مواد مخدر مصرف مشروبات الکلی

جوانی دوران عبور از مرحله وابستگی به دوره استقلال فکری و عملی است؛ دوره‌ای که جوان به هویت واقعی خویش دست می‌یابد. در این مرحله، میل به اظهار وجود و اثبات خود شکل می‌گیرد. از این رو، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) توصیه می‌کنند که جوانان را وزیر و دستیار خویش قرار دهید؛^۱ یعنی به روحیه استقلال‌طلبی او توجه کرده و در امور گوناگون از او مشورت بگیرید.

از سوی دیگر، جوان در عصر شکوفایی و در بحران رشد سریع غرایز و احساسات قرار دارد و اگر به فوران احساسات او توجه نشود، موجب انحراف او خواهد شد؛ بنابراین، سزاوار است آسیب‌های دوران جوانی شناسایی و در از بین بردن زمینه‌های آن‌ها تلاش شود؛ بدین‌گونه، غرایز و عواطف در مسیر صحیح قرار می‌گیرد و جوان می‌تواند از گنجایش وجودی خویش استفاده کرده و به کمال برسد. در ادامه به بررسی برخی از این آسیب‌ها و راهکارهای برون رفت از آن می‌پردازیم:

یکی از آسیب‌های دوران جوانی که باعث انحراف و دوری جوانان از دین می‌شود، ناآگاهی آنان به مسائل دینی است. گاه همین ناآگاهی جوانان از علوم دینی موجب می‌شود که ندانسته در مسیر انحراف قرار گرفته و از دین و معنویت فاصله بگیرند.^۱ تأملی در سیره پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نشان می‌دهد که آن حضرت در آغاز بعثت، پیروان خویش را با حقایق دین آشنا می‌ساخت و هرگز به شناخت‌های سطحی قناعت نمی‌ورزید. ایشان بارها در مناسبت‌های گوناگون با اشاره به ارزش علم و عالم، یاران خود را به فراگیری علم ترغیب و تشویق می‌کرد. روزی مردی از انصار به حضور پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آمد و گفت: «ای رسول خدا، اگر حضور در تشییع جنازه و حضور در محضر عالم باشد، شما کدام‌یک را بیشتر دوست دارید که حاضر شوم؟» فرمودند:

«اگر کسانی هستند که جنازه را جمع و دفن کنند، همانا حضور در مجلس عالم برتر از هزار تشییع جنازه و هزار عیادت بیمار و شب‌زنده‌داری هزار شب و روزه گرفتن هزار روز و صدقه دادن هزار درهم به مستمندان و هزار حج مستحب و هزار جهاد مستحب است که به مال و جان خود در راه خدا جهاد کنی و همه این‌ها کجا با محضر عالم مقایسه کردنی است، مگر نمی‌دانی که خداوند به کمک عالم پرستش و اطاعت می‌شود و خیر دنیا و آخرت همراه علم است و شر دنیا و آخرت همراه نادانی.»^۲

فرصت‌سوزی

جوان باکمال و عاقل، کسی است که فرصت‌ها را به سود خود تمام کند و از آن توشه بگیرد. سخن امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را باید آویزه گوش کرد: «فرصت‌ها همچون ابرها در گذرند، پس فرصت‌های نیک را دریابید.»^۳

روزگار جوانی همچون نسیم رحمتی است که به سرعت سپری می‌شود و باید تا می‌توان از آن بهره گرفت. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «در ایام زندگی‌تان، نسیم‌های رحمتی می‌وزد، مراقب باشید، خود را در معرض آن قرار دهید.»^۴

۱. سیدمجد حسنی، گناه و ناهنجاری، قم، دارالغدیر، ۱۳۷۹، ص ۳۳-۲۷.

۲. روضه‌الواعظین و بصیره‌المتعظین، ج ۱، ص ۱۲.

۳. غررالاحکم و دررالکلم، ص ۴۷۳.

۴. عوالی‌اللالی، ج ۴، ص ۱۱۸.



درس نهم: جوان، آسیب‌ها و راهکارها

مسلمان نمی‌تواند اوقات فراغت به معنای اوقاتی برای بطالت و بیهودگی داشته باشد. وقتی توجه انسان به خدا باشد و برنامه هدفمندی برای زندگی خود داشته باشد، دیگر بیکار نمی‌ماند تا مشغول لغویات و لهویات شود و هدف را قرب الهی و حرکت به سوی او می‌داند. نمازش، عبادتش، حیانتش و ... برای خداوند است که آفریننده هستی است.^۱ متأسفانه به دلیل غفلت انسان، شیطان روی تمام ابعاد حقیقی، رنگ و لعاب آلوده‌ای می‌کشد و نادرستی‌ها را در چشم انسان زینت و جلوه می‌دهد و در نهایت انسان را به نابودی و خسران می‌کشد.^۲

تحریک جنسی

یکی از مهم‌ترین راه‌های تحریک جنسی، نگاه آلوده به نامحرم است. این عمل ریشه بسیاری از انحرافات جنسی در جوانان بوده و زمینه بی‌عفتی و روابط نامشروع را فراهم می‌کند. از این‌رو، خدای متعال بی‌درنگ پس از دستور به عفت چشم، پاکدامنی را بیان فرموده است که این مطلب بیانگر رابطه بین نگاه آلوده با آلودگی دامن است:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ * وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ؛ به مؤمنان بگو چشم‌های خود را از نگاه به نامحرمان آفرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه‌تر است. خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را از نگاه هوس‌آلود آفرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند» (نور: ۳۰-۳۱).

بنابراین، نگاه کردن به هر چیزی که موجب تحریک جنسی شود، ناپسند است. از این‌رو، جوانان عزیز باید از دیدن فیلم‌ها و عکس‌های غیراخلاقی در اینترنت و ماهواره و لوح‌های فشرده و ... که هر یک دروازه‌ای به سوی صحرای سوزان گناه و معصیت است، خودداری کنند.

۱. إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (انعام: ۱۶۲).

۲. چنین بیاناتی در سوره عنکبوت، آیه ۳۸ آورده شده است.



«غفلت» در اصطلاح به معنای چیزی است که حاضر باشد، ولی انسان به آن توجه نکند و آن را فراموش کند. بارها از راه رسانه‌های عمومی شنیده‌ایم که شخصی بر اثر لحظه‌ای غفلت، تمام سرمایه خود را بر اثر آتش‌سوزی از دست داده یا راننده‌ای بر اثر لحظه‌ای غفلت، جان خود و ده‌ها انسان را به مخاطره انداخته است. در مسیر سعادت اخروی نیز این امکان وجود دارد که فردی بر اثر لحظه‌ای غفلت، تمام اندوخته‌های معنوی خویش را از دست بدهد.

در قرآن مجید به غفلت توجه شده و مسلمانان را از آن نهی کرده و غافلین را نکوهش نموده است. خداوند خطاب به افراد با ایمان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَلْهَكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [زنهاراً اموال شما و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نگردانند، و هر کس چنین کند، آنان خود زیان‌کارانند.» (منافقون: ۹)

قرآن کریم در نکوهش و مذمت غافلین می‌فرماید: «و در حقیقت، بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم. [چرا که] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند، و چشمانی دارند که با آن‌ها نمی‌بینند، و گوش‌هایی دارند که با آن‌ها نمی‌شنوند. آنان همانند چهارپایان، بلکه گمراه‌ترند. [آری،] آن‌ها همان غافل‌ماندگان‌اند.»^۱

بر اساس آیات قرآنی، کردار ناشایست و ناپسند و انواع گناهان، آثار بدی روی حس تشخیص و قوه درک انسان می‌گذارد و سلامت فکر را به تدریج از او می‌گیرد. هر اندازه شخص در این راه فراتر رود، پرده‌های غفلت و بی‌خبری بر دل، چشم و گوش او محکم‌تر می‌شود و سرانجام کارش به جایی می‌رسد که چشم دارد و گویی نمی‌بیند، گوش دارد و گویی نمی‌شنود و مانند اینکه دریچه روح او به سوی حقایق بسته شده و حس تشخیص، که برترین نعمت الهی است، از وی گرفته شده است.

۱. وَ لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (اعراف: ۱۷۹).



خودباختگی

«خودباختگی» در ابعاد گسترده فردی، سیاسی و اقتصادی ظهور می‌کند. خودباختگی فردی بدین معناست که فرد، قابلیت‌ها و توانمندی‌های خویش را نادیده گرفته، چنین می‌پندارد که استعدادها و قابلیت‌ها در اختیار جوانان صاحبان قدرت و ثروت است. خودباختگی سیاسی و اقتصادی نیز بدین معناست که برخی از مسلمانان تصور می‌کنند که جوامع اسلامی توان استقلال سیاسی و اقتصادی را ندارند، بلکه موجودیت آن‌ها در وابستگی به کشورهای دیگر شکل می‌گیرد. خودباختگی موجب می‌شود جوانان جامعه اسلامی اعتماد به نفس خود را از دست داده، عاشق و دل‌باخته کشورهای مهاجم شوند. شاید فراخوان اسلام به خودباوری، هویت‌یابی و استقلال‌طلبی برای مبارزه با خودباختگی بوده است.

امام خمینی (ره) فرمودند: «اگر این نسل جوان، خودی خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشم‌داشت به غیر خود نداشته باشد، در درازمدت، قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد.»^۱

خلأ فرهنگی

یکی از بسترهای آسیب فرهنگی، «خلأ فرهنگی» است. در این وضعیت، ارتباط جوانان با فرهنگ قطع می‌گردد و افتخارات ملی و هویت فرهنگی خویش را فراموش می‌کنند. خلأ فرهنگی زمینه پذیرش فرهنگ دشمن را فراهم می‌کند، زیرا جوانان در صدد کسب هویت فرهنگی هستند. بر این اساس، باید به جوانان آموخت که جامعه اسلامی فرهنگی غنی دارد و بسیاری از افتخارات و قهرمانان علمی به جامعه اسلامی مربوط هستند. همچنین، جوانان باید بدانند که جامعه اسلامی بهره‌مند از معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) است که خود سرمایه عظیمی به‌شمار می‌رود و می‌تواند برای تقویت فرهنگ اسلامی به کار آید. از این روست که امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید: «اگر معارف ما بیان شود، مردم جذب آن می‌گردند.»^۲

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۱۷.

۲. فریدون موحّدنیا، عوامل گرایش نسل نوجوان و جوان به فرهنگ بیگانه، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۲، ص ۶۶.

غرور

یکی دیگر از آفاتی که در سنین جوانی خود را نشان می‌دهد، «غرور» است که گاه قدرت منطق را از جوان گرفته و او را تا سر حدّ جنون پیش می‌برد. در روایات نیز غرور به‌عنوان «سکرالشباب» یعنی مستی دوران جوانی، معرفی شده است. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«بر فرد عاقل سزاوار است که خود را از مستی مال، مستی قدرت، مستی دانش، مستی ستایش و مستی جوانی دور نگه دارد برای اینکه هریک از آنها بادهای پلیدی دارد که عقل را از بین می‌برد و شخصیت را زبون می‌کند.»^۱

برای درمان این آسیب باید ابتدا ارزش انسانی خود را بشناسیم و در حدّ امکان از این بیماری اخلاقی پیشگیری کنیم. جوان باید غرور و مستی خودش را سرکوب کند و تواضع و فروتنی را بیاموزد و همیشه افرادی را در نظر بگیرد که از نظر علم و قدرت از او بالاتر هستند و از این راه فضیلت فروتنی را در خود ایجاد و تقویت کند.^۲

رسانه‌های ارتباط جمعی

امروزه ابزارهایی مانند اینترنت، شبکه‌های مجازی و... چنان جوانان را به خود مشغول ساخته و با تار و پود زندگی آنان گره خورده که به‌راحتی می‌تواند عمیق‌ترین تأثیرات را در حوزه‌های گوناگون، به‌ویژه حوزه فرهنگی، بر آنان بگذارد. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) می‌فرماید:

«صدها ایستگاه رادیو و تلویزیونی، روزنامه و مجله در سطح جهان تلاش می‌کنند تا با گسترش فرهنگ مطلوب استکبار جهانی، ملت‌ها را با ارزش‌ها، درخشندگی و فضائل انسانی بیگانه کرده و آن‌ها را به موجودات کاذب، مطیع و تسلیم و غافل از یاد خدا تبدیل کنند؛ زیرا منافع آن‌ها جز به این طریق تامین نخواهد شد.»^۳

رسانه‌ها این توانایی را دارند که ساختار ارزشی جوانان را تغییر داده و با تأثیر بر افکار و

۱. همان، ص ۶۶.

۲. محمدعلی خادمی کوشا، جوان در پرتو اهل‌بیت (علیه السلام)، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶، ص ۹۹.

۳. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)، بیانات در دیدار جمعی از پرستاران، پزشکان و اقشار مختلف مردم، ۱۵ آذر ۱۳۶۸.



درس نهم: جوان، آسیب‌ها و راهکارها

روان آنان، نه تنها نوع دیدگاه و سلیق‌شان را متحول سازند، بلکه قواعد و قوانین حاکم بر ارتباط و تعامل بین آن‌ها را نیز تغییر دهند. بنابراین، جوانان عزیز باید با استفاده درست و مناسب از این‌گونه ابزارها، آسیب‌ها و تهدیدهای این گونه ابزار را به فرصت تبدیل نموده و با مشورت و کمک گرفتن از افراد متخصص و متعهد، تنها از رسانه‌هایی استفاده کنند که مفید بوده و به روح و روان آنان صدمه‌ای وارد نکند.

سفرها و تفریحات پرخطر

انسان همچنان که به غذا و نوشیدنی و خواب و استراحت و نظافت نیاز دارد، همین طور به تفریح و سرگرمی سالم نیازمند است و هیچ عاقلی نمی‌تواند این نیاز فطری و طبیعی انسان را انکار نماید؛ حتی حیوانات، ساعتی را با فرزندانشان در کنار هم به بازی و شادی و تفریح سپری می‌کنند.

انسان قطعاً در این جهت باید پیشگام باشد؛ چرا که انسان یک موجود فولادی و یک جسم بی‌جان نیست که هر چه بخواهد کار کند، بلکه موجودی است دارای روح و روان، و روح نیز همچون تن و جسم خسته می‌شود، همان‌گونه که جسم با استراحت و خواب انرژی مصرف شده را تأمین می‌کند، روح و روان نیز با تفریح و سرگرمی سالم، دوباره نیرو می‌گیرد.^۱

لیکن، سیر و سفر برای حفظ شادابی و نشاط زندگی، سلامت جسمی و روحی انسان و آشنایی با افکار، عقاید و فرهنگ‌های اقوام و ملل مختلف لازم است، اما اگر با برنامه‌ریزی و انتخاب درست و منطقی همراه نباشد، خالی از آسیب و خطر نخواهد بود. یکی از آسیب‌های مهم در حوزه سفرها و تفریحات، اشتغال به تفریحات ناسالم و پرخطر در قالب تورهای گردشگری و توریستی به کشورهای خارجی و مناطق دور دست می‌باشد که امکان مواجهه با آسیب‌ها و خطرهای اخلاقی و تربیتی و حتی امنیتی را برای خانواده‌ها فراهم می‌آورد.

با توجه به تفاوت فرهنگی کشورهای و ملت‌ها و بعضاً فرهنگ و آداب و قوانین خاص حاکم بر کشورهای و ملل مختلف، آسیب‌پذیری خانواده‌ها به شدت افزایش می‌یابد، هر چند ممکن است انگیزه برخی از این سفرها حس کنجکاوی و شناخت بیشتر مناطق دور

دست و دیدن جاهای ناشناخته و یا در اثر تبلیغات پر زرق و برق شبکه های ماهواره ای و آگهی های تبلیغی رسانه ها باشد.

بعضی افراد انجام این سفرها را برای خود بعنوان کلاس زندگی و مایه مباهات و چشم هم چشمی نسبت به اقوام دور و نزدیک به حساب می آورند. اما بعضا مشاهده شده عملا این سفرها زمینه گناه و معصیت را فراهم نموده و موجب تغییر در سبک زندگی، فرهنگ و پوشش افراد شده و بعضا مشکلات اخلاقی و حتی امنیتی برای افراد یا خانواده آنان بوجود آورده است یا آنها را دچار ضرر و زیان و خسارت مالی هنگفت نموده است.

توصیه هایی در مورد سفرهای خارجی و تفریحات پر خطر:

◆ قبل از سفر، اطلاعات لازم در مورد مقصد، کسب شود و نسبت به سلامت و امنیت سفر اطمینان حاصل گردد.

◆ با توجه به حضور عوامل سازمان های جاسوسی بیگانه در اغلب کشورهای مقصد، قبلاً با افراد خبره مشورت شود و با یگان خدمتی هماهنگی لازم به عمل آید.

◆ با توجه به عدم رعایت ملاحظات اخلاقی و دینی در برخی کشورها، از سفر به کشورهای آلوده و ناامن پرهیز شود.

◆ برخی شرکت ها و تورهای گردشگری، ممکن است با تبلیغات فریبنده و اغواگرانه، درصد فریب افراد و خانواده های ناآگاه باشند که لازم است قبل از برنامه ریزی برای سفر، با افراد آگاه، امین و باتجربه و یا موسسات معتبر مشورت شود.

◆ به دلیل ملاحظات امنیتی، معمولاً نیروهای مسلح، منع سفر خارجی دارند که متأسفانه برخی افراد شیاد با ترفندهای مختلف ممکن است از راه های غیر قانونی وارد شده و دور زدن قانون را پیشنهاد نمایند.

◆ برخی سفرها در قالب تورهای غیرقانونی به منظور سرمایه گذاری زودبازده و شبهه ناک در قالب درآمد حرام و آلوده به گناه به صورت شرکت های کاغذی (در فضای مجازی) با ادعای استقرار شرکت در کشورهای معتبر و پیشرفته می باشد که عملاً با مقاصد حرام بوده و ممکن است این قبیل فعالیت ها طبق قوانین کشورها، شامل مقررات مبارزه با پولشویی محسوب شود.



درس نهم: جوان، آسیب‌ها و راهکارها

♦ توصیه می‌شود خانواده‌ها برای این سفرها در قالب مسافرت خانوادگی برنامه‌ریزی نموده و یا تورهای گردشگری و سیاحتی معتبر و مطمئن را برای این کار انتخاب کنند.

رفتارهای خطرناک

یکی از وحشتناک‌ترین آسیب‌هایی که نه تنها جوانان عزیز، بلکه ملت‌های جهان را تهدید می‌کند، مسئله اعتیاد به مواد مخدر است. در گرایش به این ماده خانمان‌سوز، معمولاً عوامل خانوادگی و اجتماعی به صورت مکمل هم عمل می‌کنند.

جوانی که به این آسیب دچار است باید بداند که او نه تنها خانواده‌اش را بدبخت و بی‌آبرو می‌سازد و به مال و فرهنگ و سیاست کشورش خیانت می‌کند، بلکه با اعتیادش جان خود را به آتش می‌کشد و سرانجام در سلول‌های تاریک و مخوف یا در لابه‌لای چوبه‌دار به عمر خود خاتمه می‌دهد و خودش را با دستانش به هلاکت می‌افکند.

قرآن کریم در یک حکم کلی می‌فرماید: «وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ؛ خود را با دست خود به هلاکت نیفکنید.» (بقره: ۱۹۵)

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «هر مست‌کننده و هر تخدیرکننده، حرام است و هر آنچه که بیشترش حرام است، کمش نیز حرام است و آنچه عقل را تخدیر نماید، مطلقاً حرام است.»^۱ از این رو، هر چیزی که به انسان ضرر رسانده و عقل انسان را مخدوش نماید، برابر با شرع مقدس اسلام حرام است. از نظر اسلام، مواد مخدر به دلیل آسیب‌های فراوان فردی و اجتماعی، مردود اعلام شده و این دین، مردم جامعه را به دوری و آلوده نشدن به مواد مخدر دعوت کرده است.

در ادامه به بررسی مهمترین رفتارهای پرخطری که جوانان را تهدید می‌کند و همچنین به علل و عوامل مؤثر بر آنها می‌پردازیم:

۱- اعتیاد به سیگار

دسترسی آسان و ارزان قیمت و نبود محدودیت قانونی و اخلاقی در تهیه و خرید سیگار، زمینه را برای گرایش نوجوانان و جوانان به آن فراهم می‌کند، مهم‌ترین عوامل گرایش

۱. کنز العمال، ج ۵، ص ۸۶۳.

جوانان و نوجوانان به سیگار عبارتند از:

الف: انگیزه‌های کاذب نظیر: خودنمایی، شخصیت‌یابی، مورد توجه قرار گرفتن و جلب توجه کردن؛

ب: رهایی از مشکلات (روحي و رواني)؛

ج: ناتوانی در «نه گفتن» به پیشنهادهای جمع و دوستان؛

د: کسب تجربه و کنجکاوی؛

هـ: نداشتن قبح اخلاقی و اجتماعی مصرف سیگار در جامعه؛

و: مصرف سیگار از سوی گروه‌های مرجع نظیر هنرپیشگان و ورزشکاران و ...

۲- اعتیاد به مواد مخدر به ویژه مخدرهای صنعتی

سابق بر این غالب مخدرها طبیعی و گیاهی بودند. اکنون غالب مواد مخدرها نوعی فرآورده آزمایشگاهی هستند و در یک فرایند صنعتی ترکیب و ساخته می‌شوند. مهم‌ترین عوامل گرایش به مخدرهای صنعتی عبارتند از:

الف: گسترش تبلیغات آن در فضای مجازی و شبکه‌های اینترنتی؛

ب: انگیزه‌های کاذب و انحرافی نظیر: خودنمایی، شخصیت‌یابی، مورد توجه قرار گرفتن و جلب توجه کردن؛

ج: رهایی از مشکلات (روحي و رواني)؛

د: ناتوانی در «نه گفتن» به پیشنهادهای جمع و دوستان؛

هـ: کسب تجربه و کنجکاوی؛

و: ورود به فضای خلسه و هیروتی و نشگی؛

۳- مصرف مشروبات الکلی

با توجه به نقش کلیدی و مؤثر نسل جوان در پیشرفت‌های علمی و آبادانی کشورها، متأسفانه در طول تاریخ کشورهای استعماری با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف تلاش کرده‌اند با سوق دادن جوانان به سمت مواد مخدر و مشروبات الکلی و ترویج فساد در میان آنان، این



درس نهم: جوان، آسیب‌ها و راهکارها

سرمایه‌ی عظیم را از ملت‌ها بگیرند تا بدون هیچ‌گونه مقاومتی از سوی ملت‌ها به غارت منابع و ذخائر آنان پرداخته و برای همیشه، سلطه استعماری خود را بر آنان حفظ نمایند. یکی از مصادیق عبرت‌آموز تاریخی این مسئله، سقوط کشور اسلامی اندلس (آن روز)، اسپانیا (امروز) است و در تاریخ معاصر این حرب‌ها، به شکل و شیوه‌ای دیگر، همچنان در صدر اهداف آنان در کشورهای مختلف جهان و منطقه به‌ویژه ایران اسلامی است؛ لذا در اسلام علاوه بر مستندات قرآنی و روایی بر حرمت مصرف آن، یکی از فلسفه‌ی این حرمت را از بین رفتن عقل در زمان مصرف آن برشمرده‌اند که متأسفانه انسان‌ها در چنین شرایطی مرتکب خطا و جرایم نابخشودنی و غیرقابل جبران می‌شود.

جوانان عزیز، ما باید ضمن آگاهی از نقشه‌ی شوم دشمنان در ترویج مصرف مشروبات الکلی در کشور، از عواقب خطرناک آن باید در تفریحات، معاشرت با دوستان غافل و ناآگاه، مراقب وسوسه‌های شیطانی باشیم.

پرسش‌ها

۱. آسیب‌های دوران جوانی را نام ببرید.
۲. ناآگاهی به علوم دینی چه خطرهایی برای جوانان در پی دارد؟
۳. یک روایت درباره استفاده از فرصت بیان کنید.
۴. دستور قرآن برای پیشگیری از تحریک جنسی چیست؟
۵. غفلت به چه معناست و چه چیزی سبب به وجود آمدن این آسیب در انسان می‌شود؟
۶. چرا اعتیاد جوانان به‌عنوان یک آسیب به‌شمار می‌آید؟
۷. فرمایش امام خمینی (ره) درباره خودباختگی چیست؟
۸. چگونه می‌توان غرور را به‌عنوان یک آسیب سرکوب کرد؟

معارف قرآن بخش دوم



درس اول: ضرورت و فایده دین

درس دوم: اعجاز قرآن کریم

درس سوم: انسان شناسی با رویکرد خدا شناسی

درس اول: ضرورت و فایده دین

مباحث اصلی درس

تعریف دین

ضرورت دین

ابزارهای شناخت دین ۱- حس ۲- عقل ۳- کشف و شهود عرفانی و باطنی ۴- وحی

آثار و فواید دین در زندگی فردی و اجتماعی

۱- روشن بینی ۲- آرامش و امیدواری ۳- هدایت عمومی تشریحی

۴- هدف مندی ۵- بهبود روابط اجتماعی

تعریف دین

واژه دین در لغت به معنای آیین، روش و عادت، اطاعت و انقیاد، تدبیر امور، حساب و بررسی، چیرگی و برتری، جزا و مکافات و آنچه وسیله پرستش خداوند است و... آمده است. اما در اصطلاح، دین عبارت است از مجموعه معارف اعتقادی و برنامه‌های عملی (احکام و اخلاق) که از طریق عقل و وحی، به بشر ابلاغ شده است.

ضرورت دین

فلاسفه اسلامی، ضرورت دین و نبوت را براساس نیازمندی حیات اجتماعی بشر به قانونی کامل و عادلانه تبیین کرده‌اند، برهان آنان از مقدمات زیر تشکیل می‌شود:

۱. انسان به تنهایی نمی‌تواند به نیازهای زندگی خود پاسخ گوید، بلکه در حل مشکلات



درس اول: ضرورت و فایده دین

زندگی به مشارکت و همکاری دیگران نیاز دارد.

۲. در زندگی اجتماعی، برای تعیین حدود وظایف و حقوق افراد، وجود قانون، امری ضروری است.

۳. تدوین قانون توسط مردم، زمینه‌ساز نزاع و اختلاف است، و از سوی دیگر چنین قانونی از ضمانت اجرایی لازم برخوردار نیست، زیرا انسان طبعاً از اطاعت دیگران گریزان است.

۴. بدین جهت قانون‌گذار باید از ویژگی‌ای برخوردار باشد که او را از دیگران ممتاز، زمینه اطاعت از او را مطبوع و معقول سازد.

۵. پیامبران الهی (علیهم‌السلام) از چنین امتیازی برخوردارند؛ زیرا آنان با معجزه، دعوی نبوت خود را اثبات می‌کنند، و اطاعت از آنان که فرستادگان آفریدگار و پروردگار بشر است، به حکم عقل، لازم است.

۶. امتیاز دیگری که قوانین آسمانی بر قوانین بشری دارد این است که دین، عمل به قوانین را امری مقدس می‌شمارد، و برای عمل به احکام دینی وعدهٔ ثواب، و در برابر مخالفت با آن، هشدار عذاب می‌دهد. و این امر در التزام افراد به قوانین، نقش اثرگذار و تعیین کننده دارد.

۷. در دین، ایمان و معرفت خداوند و انجام یک رشته فرایض دینی مقرر گردیده است که بدون شک التزام جامعه به این امور نقش مهمی در پایبندی افراد به قوانین اجتماعی و رعایت حقوق دیگران دارد.

۸. در نتیجه، قوانین دینی تجلی حکمت، نعمت و رحمت الهی است، و سعادت مادی و معنوی و مصالح دنیوی و اخروی انسان را تأمین می‌کند.^۱

۱. خواجه نصیرالدین طوسی، شرح اشارات، تهران، حیدری، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۷۴-۳۷۱.

ابزارهای شناخت دین

به طور کلی انسان از چهار طریق می‌تواند به شناخت تکوین و تشریح نایل آید. این راه‌ها عبارتند از:

۱- حس

چشم و گوش از مهم‌ترین ابزارهای شناخت حسی است و ویژگی‌هایی دارد: **اولاً:** جزئی و شخصی است؛ **ثانیاً:** محدود به واقعیت‌های مادی است؛ **ثالثاً:** در محدوده ظواهر پدیده‌های مادی است، و به ذات اشیاء راهی ندارد؛ بنابراین، شناخت حسی هر چند سهم اثر گذار در تحقیق جهان‌بینی دارد و بشر از آن بی‌نیاز نیست، ولی هرگز نمی‌تواند جهان‌بینی جامع و استواری را برای انسان فراهم سازد.

۲- عقل

مواد شناخت عقلی را اصول و قواعد کلی عقلی، و صورت آن را تجزیه و تحلیل‌های عقلی، تشکیل می‌دهد. این معرفت، ویژگی‌هایی دارد که عبارتند از: **الف:** کلی و فراگیر است؛ **ب:** متعلق آن، هستی مطلق اعم از مادی و مجرد است؛ **ج:** تا حدی به کنه و ذوات اشیاء راه می‌برد، با این حال قادر بر درک و شناخت مصادیق و جزئیات امور نیست.

با توجه به مطالب گفته شده، نتیجه می‌گیریم که شناخت حسی و عقلی نمی‌تواند به تنهایی معرفت کاملی در اختیار انسان برای نیل او به برنامه سعادت و کمال واقعی ارائه دهد.

۳- کشف و شهود عرفانی و باطنی (از راه دل)

این نوع شناخت از طریق ریاضت‌های روحی به دست می‌آید؛ بنابراین، کسب آن نیازمند شناخت و معرفت پیشین است. و از آن جا که گفتیم عقل و حس در به دست آوردن معرفت و شناخت کافی نیستند، باید از طریق دیگری تحصیل نمود، که همان طریق وحی است.

۴- وحی

ثبوت این نوع شناخت هر چند مبتنی بر حس و عقل است، اما به معرفت حسی و عقلی انسان، وسعت و عمق می‌بخشد و از حقایقی پرده برمی‌دارد که از شعاع معرفت حسی



درس اول: ضرورت و فایده دین

و عقلی انسان بیرون است؛ بنابراین جهان بینی دینی مبتنی بر شناخت و حیانی، کامل ترین نوع جهان بینی است که بشر می تواند به آن دست یابد؛ زیرا بدون داشتن جهان بینی دینی، تکامل در حوزه علم و عمل به دست نمی آید و انسان برای تحصیل در کمال علمی و عملی به دین نیازمند است.

آثار و فواید دین در زندگی فردی و اجتماعی

۱- روشن بینی

انسان با پذیرش دین از بینش روشن و نور الهی بهره مند می شود و افق روشنی در فراروی خویش می یابد:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا...؛ ای کسانی که ایمان آورده اید اگر از خدا بترسید خداوند قوه تشخیص حق از باطل روزیتان می کند. » (انفال: ۲۹)

۲- آرامش و امیدواری

انسان دیندار هنگام هجوم مصائب، برای خود تکیه گاه محکم و پناهگاه امنی احساس می کند و از این احساس، نیرو و نشاط می گیرد:

« الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آنان که به خدا ایمان آورده اند و دلشان با یاد خدا آرامش می گیرد. آگاه باشید که تنها با یاد خدا دلها آرامش می پذیرد » (رعد: ۲۸)

۳- هدایت عمومی تشریحی

افراد در جامعه دینی مشمول هدایت عمومی تشریحی هستند با این وجود عده ای از این خیر و هدایت بهره مند شده و عده دیگر راه شر و ضلالت را پیش گرفته اند:

« إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ ما به حقیقت راه (حق و باطل) را به انسان نمودیم (و با اتمام حجت بر او رسول فرستادیم) حالا خواهد هدایت پذیرد و شکر این نعمت گوید و خواهد آن نعمت را کفران کند. » (انسان: ۳)

« وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ؛ و او را به خیر و شرش هدایت نمودیم. » (بلد: ۱۰)

این دو آیه بیانگر تکامل اختیاری انسان دیندار و بهره مندی او از موهبت هدایت تشریحی الهی در عرصه اجتماع است.

۴- هدف مندی

ثمره دیگر دین، هدفمند نمودن انسان و جامعه است. هدف از خلقت انسان، عبادت و بندگی خداوند متعال است^۱ و این مهم جز از طریق معرفت و شناخت خداوند متعال و راه و طریق بندگی او، حاصل نمی‌گردد؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ وَجَنَّ وَاِنْسَ رَا نِيَا فَرِيْدَمْ جَزْ بَرَايْ اَنَكِهْ مَرَا بِيْرَسْتَنْد.» (ذاریات: ۵۶)؛ در برخی روایات معصومین (علیهم‌السلام)، «لِيَعْبُدُونَ» به «لِيَعْرِفُونَ» تفسیر شده است^۲ که اهمیّت معرفت و شناخت خدا را می‌رساند.

از آنجا که اسما و صفات الهی، اعلی و اجلّ است، جز از طریق معارف برتر و والا نمی‌توان بدان دست یافت، از این رو، بشر نیازمند معارفی برتر است تا بتواند خداوند متعال را شناخته و در پرتو این معرفت و شناخت، به هدف آفرینش یعنی عبودیت و بندگی، دست یابد. این معارف والا و برتر باید منشأ الهی داشته باشد؛ چرا که از دسترس عقل، حس، تجربه و سایر علوم بشری، خارج است؛ بنابراین بهترین راه دستیابی به این معارف برتر، وحی و نبوت است.

۵- بهبود روابط اجتماعی

جامعه‌های فاقد دین و ایمان، از ارتباط سالم اجتماعی و روابط خوب انسانی برخوردار نیستند، اما دین با ایجاد تعهد و حس مسئولیت در انسان نسبت به هموعان و افراد اجتماع و افشاندن بذر صلح، صفا، اعتماد و دوستی نسبت به یکدیگر، موجب می‌شود که اجتماع و زندگی اجتماعی، سالم و مطلوب شود و روابط عمومی بهبود یابد و کانون خانواده و اجتماع به بهشت صفا و صمیمیت و علاقه مبدل گردد.

۱. البته عبادت هدف غائی نیست؛ هدف غایی خدایی شدن است که انسان به جایی برسد که تمام اوصاف خدا را متصف شود به جز خالقیت و ازلیت زاحمد تا احد یک میم فرق است.

۲. عبد علی بن جمعه عروسی خویزی، تفسیر نورالتقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۳۲؛ سیدمحمدحسین طباطبایی، همان، ج ۱۸، ص ۳۹۴-۳۹۵.



درس اول:
ضرورت و فایده دین

پرسش‌ها

۱. دین چیست؟
۲. ابزار معرفت دین چیست؟
۳. آثار و فواید فردی و اجتماعی دین چیست؟

درس دوم:
اعجاز قرآن کریم

مباحث اصلی درس

تعریف معجزه

ابعاد اعجاز قرآن

۱- اعجاز بیانی

۲- اعجاز علمی قرآن

۱-۲- قرآن و قانون جاذبه

۲-۲- زوجیت در گیاهان و موجودات جهان

۳- اعجاز محتوایی قرآن

۱-۳- مصونیت قرآن از تحریف

۲-۳- بیان اخبار غیبی

الف) خبر از گذشته

ب) خبر از وقایع زمان حال

ج) خبر از آینده

دلایل اعجاز قرآن کریم

۱- مبارز طلبی قرآن

۲- نظم و هماهنگی محتوا (عدم اختلاف در قرآن)

۳- آتی بودن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

برای اطمینان از درستی ادعای پیامبران، سه راه وجود دارد:

۱- قرائن و شواهد اطمینان بخش: این قرائن و شواهد، عبارتند از راستی و درستی، عدم انحراف از مسیر حق و عدالت در مسیر زندگی و...؛ اما این راه عمومیت ندارد و تنها درباره پیامبرانی کارآیی دارد که سالها میان مردم زندگی کرده و دارای منش و روش شناخته شده‌ای باشند.

۲- بشارت پیامبران پیشین: به این صورت که پیامبران پیش از پیامبر جدید، مژده آمدنش را به مردم بدهند و به معرفی‌اش بپردازند، ولی این راه نیز به مردمی اختصاص دارد که پیامبر یا پیامبران پیش از او را درک کرده و از بشارت و تأیید آنان نسبت به این

پیامبر جدید، اطلاع یافته باشند.

۳- اعجاز: از شخصیت مدعی نبوت و رسالت الهی، کارهای خارق العاده‌ای سربرزند و از معجزه بودن کارهای خارق العاده‌اش اطمینان پیدا کنند. این راه از همه راه‌های پیشین، بهتر، گسترده‌تر و همگانی است؛ که این درس به شرح و تبیین آن اختصاص دارد.

تعریف معجزه

واژه معجزه از ماده «عجز» است؛ عجز به معنای ناتوانی است و معجزه کاری است که دیگران در مقابل آن ناتوانند و قادر به انجام آن نمی‌باشند. در زبان قرآن کریم، از معجزه به «آیت» نیز تعبیر شده است؛^۱ آیت یعنی نشانه و یا دلیل محکم؛ آیت نامیده شدن معجزه در قرآن کریم از آن روست که معجزه دلیل محکمی است که صدق ادعای مدعی نبوت را اثبات می‌کند^۲ و بر ارتباط و اتصال وی با جهان دیگر دلالت دارد.^۳

معجزه در اصطلاح، کار خارق العاده‌ای است که غیرقابل تعلیم و تعلم است و افراد بشر از آوردن آن عاجزند، که از سوی پیامبر به عنوان تحدی (مبارزه طلبی) برای اثبات مدعای خودش آورده می‌شود و نشانه‌ای است از اینکه یک قدرت ماورای بشری در ایجاد آن دخالت دارد.^۴

ابعاد اعجاز قرآن

قرآن کریم این معجزه جاودان الهی، از ابعاد گوناگون، شگفتی آفرین است که از میان آنها چند بُعد از ابعاد اعجاز قرآن کریم را شرح می‌دهیم:

۱- اعجاز بیانی

مقصود از اعجاز بیانی قرآن کریم آن است که خداوند متعال، کلام خویش را در نهایت فصاحت و بلاغت، نازل فرموده است. یعنی خدای متعال برای بیان مقاصد خود در هر

۱. آل عمران: ۴۹.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۶۵، ج ۲۶، ص ۱۷۹.

۳. همان، ج ۴، ص ۳۶۰.

۴. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، همان، ج ۴، ص ۳۶۲.

زمینه و موضوعی، شیواترین و زیباترین الفاظ و سنجیده‌ترین و خوش آهنگ‌ترین ترکیبات را به کار گرفته که به بهترین وجهی معانی مورد نظر را به مخاطب‌های خود می‌فهماند و گزینش چنین الفاظ و ترکیبات متناسب و هماهنگ با معانی بلند و دقیق برای کسی میسر است که احاطه کامل بر همه ویژگی‌های الفاظ و دقایق معانی و روابط متقابل آنها داشته باشد و بتواند با در نظر گرفتن همه اطراف و ابعاد مورد نظر و رعایت مقتضیات حال و مقام، بهترین الفاظ و عبارات را انتخاب کند و چنین احاطه علمی بدون وحی و الهام برای هیچ انسانی فراهم نمی‌شود.

زیبایی آهنگ جذّاب و ملکوتی قرآن برای همگان و شیوایی و رسایی آن برای آشنایان به زبان عربی و فنون فصاحت و بلاغت، قابل درک است، اما تشخیص معجزه بودن فصاحت و بلاغت آن از عهده کسانی بر می‌آید که مهارت و تخصص در فنون مختلف سخنوری داشته باشند؛ بزرگترین سخن شناسان عصر نزول قرآن، به نهایت فصاحت (شیوایی) و بلاغت (رسایی) قرآن و برتری آن بر شیواترین سخنان بشری گواهی داده‌اند؛ ولید بن مغیره، چنین می‌گوید:

قرآن محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شیرینی خاص و زیبایی مخصوص دارد، شاخسار آن پر میوه و ریشه‌های آن پر برکت است؛ سخنی است برجسته و هیچ سخنی از آن برجسته‌تر نیست.^۱

۲- اعجاز علمی قرآن

قرآن کریم در میان آیات نورانی خویش، به قوانین حاکم بر جهان هستی اشاره نموده است که این خود، بیانگر اعجاز علمی قرآن است؛ برخی از این قوانین به شرح زیر است:

۲-۱- قانون جاذبه

کشف قانون جاذبه به «نیوتن» نسبت داده شده اما حقیقت این است که قرآن کریم در چهارده قرن قبل یعنی متجاوز از ده قرن قبل از نیوتن به این حقیقت علمی اشاره کرده است:

«اللّٰهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا...؛ خدا [همان] کسی است که آسمان‌ها را بدون

ستون‌هایی که آنها را ببینید، برافراشت.» (رعد: ۲)

۱. جمعی از نویسندگان، فرهنگ شیعه، قم، مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۴۱۹.

مطابق این آیه شریفه، آسمان، ستون‌های مرئی ندارد؛ مفهوم این سخن آن است که ستون‌هایی دارد، اما قابل رؤیت نیست و این تعبیر لطیفی از قانون جاذبه است که همچون ستونی بسیار نیرومند اما نامرئی کرات آسمانی را در جای خود نگه داشته است؛^۱ این نظر را احادیث ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز تأیید می‌کنند: حسین بن خالد از امام رضا (علیه‌السلام) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

«الْيَسَّ اللَّهُ يَقُولُ: بَغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا؟ قُلْتُ بَلَى، فَقَالَ: ثُمَّ عَمَدٌ لَكِنْ لَا تَرَوْنَهَا^۲؛ آیا خداوند نمی‌فرماید: بدون ستونی که دیده شود؟ گفتیم: آری. فرمود: در آنجا (آسمان‌ها) ستون‌هایی وجود دارد، ولی دیده نمی‌شود.»^۳

۲-۲- زوجیت در گیاهان و موجودات جهان

یکی دیگر از مسائل قابل توجه که در قرن اخیر مورد بحث واقع شده و سرانجام پرده از روی آن برداشته شده است، موضوع زوج بودن گیاهان، بلکه تمام موجودات جهان طبیعت است؛ قرآن کریم درباره زوجیت گیاهان چنین می‌فرماید:

«أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ؛ مگر در زمین ننگریسته‌اند که چه قدر در آن از هر گونه جفت‌های زیبا رویانیده‌ایم؟» (شعراء: ۷)

درباره زوج بودن تمام موجودات جهان آفرینش با صراحت می‌فرماید: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ و از هر چیزی دو گونه [یعنی نر و ماده] آفریدیم، امید که شما عبرت گیرید» (ذاریات: ۴۹).

با توجه به آیاتی که ذکر شد و نیز آیات بسیار دیگر، موضوع زوجیت در گیاهان، انسان و بلکه تمامی موجودات جهان، واقعیتی است که مورد توجه و تصریح قرآن کریم قرار گرفته است.

۳- اعجاز محتوایی قرآن

اعجاز محتوایی قرآن کریم، خود دارای شاخص‌های گوناگونی است که برخی از آنها به

شرح زیر است:

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۹ و ج ۱۰، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.

۲. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۵۷، ص ۷۹.

۳. جمعی از نویسندگان، نبوت خاصه، همان، ص ۵۹.

۱-۳- مصونیت قرآن از تخریف

قرآن کریم، بر خلاف سایر کتب آسمانی، هیچ گاه دچار تحریف نگشته است؛ قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ؛ بی تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم، و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود.» (حجر: ۹)

۲-۳- بیان اخبار غیبی

اخبار غیبی که در قرآن کریم آمده است، وجهی دیگر از وجوه اعجاز محتوایی قرآن کریم است و در سه گستره زمانی، قابل بیان است:

الف) خبر از گذشته

سرگذشت انبیای سلف و امت‌های گوناگون که در بستر زمان بوده‌اند، کم و بیش در کتاب‌های پیشین آمده و بر سر زبان‌ها متداول بوده است، ولی به‌طور آلوده و تحریف شده و افسانه‌وار است؛ از این‌رو آن مقدار که قرآن کریم نقل می‌کند، مورد اطمینان و پذیرش است.

در قرآن کریم، درباره سرگذشت حضرت نوح (علیه‌السلام) و حادثه طوفان می‌خوانیم:

«تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ؛ این از خبرهای غیب است که آن را به تو وحی می‌کنیم. پیش از این نه تو آن را می‌دانستی و نه قوم تو. پس شکیبا باش که فرجام [تو] از آن تقوای پیشگان است» (هود: ۴۹).

سرگذشت حضرت نوح (علیه‌السلام) و حادثه طوفان، در نوشته‌های پیشین به ویژه در سفر پیدایش تورات، به تفصیل آمده، ولی نه آن گونه که در قرآن، پاک و منزه آمده است. یا درباره سرگذشت حضرت یوسف (علیه‌السلام) نیز، می‌خوانیم:

«ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ؛ این [ماجرا] زندگی حضرت یوسف از خبرهای غیب است که به تو وحی می‌کنیم، و تو هنگامی که آنان هماهنگ شدند و نیرنگ می‌کردند، نزدشان نبودی» (یوسف: ۱۰۲).

همچنین در قرآن کریم، سرگذشت سایر انبیا و اولیاء آمده است^۱ و این حاکی از احاطه قرآن کریم بر احوال پیشینیان است.

ب) خبر از وقایع زمان حال

در برخی خبرهای غیبی قرآن کریم از دسیسه‌ها و توطئه‌های منافقان و هم‌دستان آنان^۲، مشرکان^۳ و یهودیان^۴ پرده برداشته و آنان را رسوا ساخته است، این گونه آیات در قرآن فراوان است.

ج) خبر از آینده

مراد، خبر از پیش آمدهایی است که در آینده دور یا نزدیک واقع می‌شود، به‌ویژه حوادث قریب الوقوع؛ مانند خبر از فتح و پیروزی‌ها و گسترش اسلام و نابودی و سرکوب شدن دشمنان که یک به یک و پی در پی، در زمان پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) تحقق یافت، و یا خبر از غلبه روم بر فارس پس از اندی سال، از این قبیل است؛ قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید:

«غَلَبَتِ الرُّومُ* فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَ هُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ* فِي بَضْعِ سِنِينَ* لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ* بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ* وَ وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ رومیان شکست خوردند، در نزدیکترین سرزمین، و آلی بعد از شکستشان، در ظرف چند سالی، به زودی پیروز خواهند گردید. [فرجام] کار در گذشته و آینده از آن خداست، و در آن روز است که مؤمنان از یاری خدا شاد می‌گردند. هر که را بخواهد یاری می‌کند، و اوست شکست‌ناپذیر مهربان. وعده خداست. خدا وعده‌اش را خلاف نمی‌کند، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.»

(روم: ۲-۶)

دلایل اعجاز قرآن کریم

اثبات معجزه بودن کلام الهی، از راه‌های گوناگونی میسر است، ولی ما به جهت اختصار

۱. ر.ک: بقره: ۲۵۹؛ (داستان عزیر پیامبر (علیه السلام))؛ کهف: ۶۵؛ (داستان حضرت خضر (علیه السلام))؛ انبیاء: ۷۴؛ (داستان حضرت لوط (علیه السلام))؛ نمل: ۱۵؛ (داستان حضرت داود و سلیمان (علیه السلام)) و...

۲. ر.ک: نساء: ۶۱، ۸۸، ۱۴۰ و ۱۴۲؛ انفال: ۴۹؛ توبه: ۶۴ و ۶۷؛ احزاب: ۱۲ و ۶۰...

۳. بقره: ۱۰۵؛ مائده: ۸۲؛ توبه: ۳۶؛ شوری: ۱۳؛ فتح: ۶؛ بینه: ۶.

۴. بقره: ۱۲۰؛ مائده: ۱۸۶؛ توبه: ۳۰.

به برخی از آنها می‌پردازیم:

۱- مبارز طلبی قرآن

قرآن کریم، برای روشن شدن اعجاز خود نزد همگان، از مردم خواسته است تا اگر توانایی دارند، به مقابله با آیات آن برخیزند؛ از این بحث با واژه «تحدّی» تعبیر می‌شود. تحدّی در لغت یعنی مبارزه‌طلبی و معارضه کردن!^۱

قرآن به طور قاطع، بشر را از آغاز عصر نزول تا به امروز به انواع مختلف به مقابله و مبارزه طلبی فراخوانده است و از این طریق به مافوق بشری بودن آن استدلال کرده است: ۱- تحدّی به مقدار کل قرآن؛ ۲- تحدّی به ده سوره قرآن؛ ۳- تحدّی به یک سوره قرآن؛ اما در آیات قرآن کریم، دو نوع تحدّی مقدّر نیز وجود دارد که تا قیام قیامت کسی نمی‌تواند به مقابله با آنها برخیزد:^۲

تحدّی قرآن به اینکه در آن اختلافی نیست؛ کنایه از اینکه اگر می‌توانید در آن اختلافی بیابید:

«أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا؛ آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند.» (نساء: ۸۲)

تحدّی به اخبار غیبی؛ قرآن در بسیاری از آیاتش از راه بیان اخبار غیبی به تحدّی برخاسته و به‌طور کنایه‌آمیز به بشر اعلام نموده است که اگر در آسمانی بودن قرآن تردید دارید، کتابی نظیر آن که مشتمل بر اخبار غیبی متقن باشد بیاورید:

«تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَ لَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا...؛ این از خبرهای غیب است که آن را به تو وحی می‌کنیم. پیش از این نه تو آن را می‌دانستی و نه قوم تو.» (هود: ۴۹)

بنابراین تحدّی قرآن کریم تا قیام قیامت، بی‌هماورد و بدون رقیب، باقی خواهد ماند.

۲- نظم و هماهنگی محتوا (عدم اختلاف در قرآن)

یکی از دلایل اعجاز قرآن کریم، وجود هماهنگی و فقدان اختلاف و تناقض در آیات آن است که بیانگر نزول قرآن از سوی خداوند علیم و حکیمی است که با قدرت بی‌انتهای

۱. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۹۷.

۲. ر. ک. جمعی از نویسندگان، نبوت خاصه، همان، ص ۱۶-۲۱.

خود، سخنانی پیراسته از هرگونه اختلاف و ناسازگاری بیان نموده است؛ به گونه‌ای که آیات قرآن با تصدیق و تأیید یکدیگر، گواه هم قرار می‌گیرند.

اگر قرآن از سوی بشر می‌بود، با توجه به ویژگی‌های قرآن و خصوصیات انسان‌ها، قطعاً اختلاف بسیاری در آن، راه می‌یافت؛ چرا که انسان‌ها پیوسته در حال تکامل و تغییرند و آثار بعدی آنها نسبت به پیشین، تفاوت‌های عمده‌ای پیدا می‌کند. ضمن اینکه انسان‌ها در معرض تحولات روحی و اثر پذیری از محیط و جامعه اند و این خصوصیات نیز موجب پدید آمدن تغییر و گاه بروز آثار متضاد و ناهماهنگی در آنها می‌گردد. از این رو اگر قرآن کاری بشری می‌بود، می‌بایست در آن تغییرات و تحولات عمده‌ای مشاهده شود، اما با وجود نزول تدریجی و بیست و سه ساله و بروز حوادث متنوع در دوران نزول، تمام آیات قرآن در حد اعجاز است و هیچ گونه ناهماهنگی و ناسازگاری محتوایی و لفظی در آن پدید نیامده است. قرآن کریم نیز بدین امر مهم اشاره نموده است و آن را به عنوان دلیلی بر الهی بودن قرآن کریم، برشمرده است:

«أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا؛ آیا در [معانی] قرآن

نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند.» (نساء: ۸۲)

۳- امی بودن پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

قرآن کریم، کتابی است مشتمل بر انواع معارف و علوم و احکام و قوانین فردی و اجتماعی که بررسی کامل هر دسته از آنها نیازمند گروه‌های متخصصی است که در طول سالیان دراز، به تحقیق و تلاش علمی درباره آنها بپردازند و تدریجاً رازهای نهفته آن را کشف کنند و به حقایق بیشتری دست یابند؛ هر چند کشف همه حقایق و اسرار آن، جز به وسیله کسانی که دارای علم الهی و تأیید خدایی باشند، میسر نخواهد بود.

فراهم آوردن همه این معارف و حقایق در چنین مجموعه‌ای، فراتر از توان انسان‌های عادی است، ولی آنچه بر شگفتی آن می‌افزاید این است که این کتاب عظیم به وسیله یک فرد درس نخوانده و تعلیم ندیده که هرگز قلمی بر کاغذ نیاورده است عرضه شد و عجیب‌تر آنکه در طول زندگی چهل ساله قبل از بعثتش نمونه‌ای از این سخنان، از وی شنیده نشده بود و در دوران رسالتش هم آنچه را به عنوان وحی الهی، ارائه می‌کرد، اسلوب

ویژه و هماهنگ و موزونی داشت که کاملاً آن را از دیگر سخنانش متمایز می‌ساخت و تفاوت آشکاری میان این کتاب، با سایر سخنان وی مشهود و محسوس بود.

قرآن کریم با اشاره به این نکات خطاب به پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكُمْ إِذَا لَارْتَابَ الْمُطَّلُونَ؛ و تو هیچ کتابی را پیش از این نمی‌خواندی و با دست [راست] خود [کتابی] نمی‌نوشتی، و گر نه باطل‌اندیشان قطعاً به شک می‌افتادند.» (عنکبوت: ۴۸)

حاصل آنکه، اگر به فرض محال، امکان داشته باشد که صدها گروه دانشمند و متخصص با همکاری و همیاری یکدیگر، چنین کتابی را تهیه کنند؛ اما هرگز یک فرد درس‌نخوانده، از عهده چنین کاری برنخواهد آمد و این خود دلیلی متقن بر اعجاز کلام الهی است.

پرسش‌ها

۱. دلایل اعجاز قرآن چیست؟ نام برده، یکی را توضیح دهید.
۲. ابعاد اعجاز قرآن چیستند؟
۳. دلایل مصونیت قرآن از تحریف را به اجمال بیان کنید؟

درس سوم: انسان شناسی با رویکرد خداشناسی

مباحث اصلی درس

اهمیت و ضرورت انسان شناسی

ارتباط انسان شناسی با خداشناسی

رابطه انسان با خدا ۱- رابطه تکوینی ۲- رابطه تشریحی

تکالیف انسان در برابر خداوند متعال ۱- ایمان ۲- عمل صالح ۳- تقوا ۴- بیم و امید

۵- محبت ۶- توکل ۷- ذکر

اهمیت و ضرورت انسان شناسی

بدون انسان شناسی، زندگی انسان بی معنا و سراسر پوچ و بیهوده خواهد بود؛ ولی اگر انسان را بشناسیم و وی را موجودی هدفدار و مختار بدانیم که می تواند با تلاش به آن هدف برتر دست یابد، زندگی وی معقول و بامعنا می شود.

ارتباط انسان شناسی با خداشناسی

انسان، مظهر همه اسماء و صفات خداوند است. پس شناخت انسان، برای شناخت خدا نقشی اساسی دارد. قرآن نیز به این معنا اشاراتی دارد:

«وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ * وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ؛ در زمین برای اهل یقین نشانه های

بسیاری است و نیز در خودتان، آیا نمی نگرید؟!» (ذاریات: ۲۰-۲۱)

روایات بسیاری نیز در همین زمینه از اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) آمده است؛

چنان که امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید:

«مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ عَرَفَ رَبَّهُ؛ هر کس خود را بشناسد، پروردگارش را می‌شناسد.»^۱؛ همچنین می‌فرماید: «كَيْفَ يَعْرِفُ غَيْرَهُ مَنْ يَجْهَلُ نَفْسَهُ.»^۲ کسی که خود را نمی‌شناسد، چگونه غیر خود را تواند شناخت؟!»

رابطه انسان با خدا

انسان بدون خواست و اراده خود، با آفرینش هدفمند الهی گام به عرصه وجود می‌نهد و تحت مشیت و قدرت و ربوبیت مستمر الهی قرار می‌گیرد و سرانجام پس از سپری کردن دوره حیات دنیوی به اذن خدا وارد سرای واپسین می‌گردد و حیات مجددی را در فضایی کاملاً متفاوت تجربه می‌کند. انسان، در تمام این مراحل، ژرف‌ترین، استوارترین و همه‌جانبه‌ترین رابطه را با آفریدگار بنده‌نواز خود دارد. در بخشی از این ارتباط، انسان هیچ‌گونه مشارکتی در امور خود ندارد و همه کاره او خداست. در بخش دیگری از همین رابطه، انسان به‌عنوان موجودی مختار و مسئول بوده و در امور خویش مشارکتی سرنوشت‌ساز دارد. از این‌روی، روابط انسان با خدا دو گونه بوده است: رابطه تکوینی و رابطه تشریحی.

۱- رابطه تکوینی

در رابطه تکوینی میان خدا و انسان، در یک سو، خدای دانا، توانا، بی‌نیاز، روزی‌رسان و حکیمی قرار دارد که آفریدگار، صاحب‌اختیار، رب و مولای حقیقی انسان است و در سوی دیگر نیز موجودی، آفریده، بنده و نیازمندِ مطلق به نام انسان.

در این رابطه، زمام امور خُرد و درشت انسان به دست خداست که با قدرت و مشیت حکیمانه خود به ربوبیت و تدبیر آن می‌پردازد. بی‌آنکه با انسان به مشاوره بنشیند و از او نظرخواهی کند، جامه آفرینش هر شخصی را با ویژگی‌های متناسب با او - در ساختار جسمی و روحی و امکانات مادی و معنوی فراخور - بر تن او می‌پوشاند و به او روزی می‌دهد و بزرگش می‌کند و به رشد و کمالش می‌رساند و پس از مدتی معین او را از این دنیا به سرای دیگری می‌برد و جهان جدیدی بر روی او می‌گشاید.

۱. عبدالواحد الأمدی، غررالکلم، شرح جمال‌الدین محمد خوانساری، تحقیق جلال‌الدین المحدث الأرموی، ح ۷۹۴۶.

۲. همان، ح ۶۹۹۸.



۲- رابطه تشریحی

مراد از رابطه تشریحی، رابطه‌ای است که انسان به‌عنوان موجودی انتخاب‌گر، مسئول و برخوردار از کرامت و منزلتی ویژه در جهان هستی، با خدای سبحان برقرار می‌کند. در این رابطه نه تنها انسان یکسره فعال و نقش‌آفرین است، بلکه می‌تواند در چند و چون رابطه تکوینی نیز مؤثر باشد. در حقیقت خدای مهربان صراط مستقیم را که انسان را به کمال می‌رساند، به همه انسان‌ها نمایانده است، اما از آنجاکه انسان موجودی مختار و انتخاب‌گر است، خداوند این اجازه و این مسئولیت را به عهده او گذارده تا خود نوع رابطه و چگونگی تعاملش با خدا را تعیین کند.

از این‌رو، مسیر انتخابی انسان ممکن است در جهت رسیدن به هدف آفرینش وی بوده و در نتیجه مورد رضایت خدا باشد، یا اینکه مورد رضایت خدا نبوده و سبب‌ساز ناخشنودی و خشم او باشد.

تکالیف انسان در برابر خداوند متعال

۱- ایمان

اصل و اساس شناخت خدا، فطری است و وظیفه عقلی انسان پس از تذکر به معرفت فطری، ایمان به اوست. ایمان به خدای یگانه، مستلزم نفی هرگونه شریک برای خدا و واپس‌زدن معبودهای دروغین است.

۲- عمل صالح

دومین رکن رابطه تشریحی انسان با خدا، التزام عملی به دین خداست که بی‌تردید نشانه صداقت در ایمان است.

۳- تقوا

از آموزه‌های مهم متون دینی در حوزه روابط انسان با خدا، آموزه تقواست که در قرآن و احادیث مورد تأکید قرار گرفته است. تقوا در قرآن کریم، اطاعت از پیامبران، عامل پذیرش اعمال، ملاک برتری نزد خدا، بهترین توشه و شرط ایمان معرفی شده است.

با توجه به متون دینی تقوا به معنای خداترسی و پروای خاصی در وجود انسان است

که سرچشمه و عامل فرمان برداری از خدا و انجام واجبات و نیز خویشن داری از نافرمانی خداست.^۱

۴- بیم و امید

انسان مؤمن همواره در رابطه خود با خدا در حالت بیم و امید به سر می برد. بدین بیان که از یک سو از مقام ربوبی و از قهر و غضب خدای قهار و سخت کیفر- به خاطر گناهان و کوتاهی هایش- بیمناک است؛^۲ از سوی دیگر، او به رحمت بی کران خدای رحیم و مهرورز امیدوار است و هیچ گاه در آستان او در گرداب یأس و ناامیدی گرفتار نمی شود؛ چراکه تنها کافرانند که از رحمت خدا مأیوس می گردند.^۳ بی تردید بیم و امید حقیقی، انسان را به انجام طاعات و ترک محرمات وا می دارد.

۵- محبت

رابطه خدا و انسان مبتنی بر محبت است. مؤمنان، معبود راستین خود را آگاهانه و مهرورزانه می پرستند؛ زیرا به خوبی می دانند که خدای مهربان، انسان ها را برای دستیابی به رحمت خود آفریده و آنان را غرق در رحمت فراگیر خود ساخته است.

۶- توکل

از منظر متون دینی، توکل به خدا یکی از ویژگی های برجسته مؤمنان است. مؤمنان باید به خدا توکل کنند.^۴ توکل اظهار ناتوانی و تکیه کردن به دیگری است. توکل به خدا یعنی سپردن کار به او و اطمینان به حسن تدبیر او. البته توکل، هرگز به معنای دست از کار کشیدن نیست، بلکه همراه با تلاش و کوشش باید به خدا توکل کرد.

۷- ذکر

ذکر خدا یکی دیگر از اعمال مهم در تعامل مستقیم انسان با خدای خود است. معبود حقیقی از انسان ها خواسته که همواره به ذکر و یاد او بپردازند:

«وَأَذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ؛ و پروردگارت را بسیار یاد کن، و شبانگاه و بامدادان او

۱. رک: محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص ۷۶، ح ۷.

۲. «الَّذِينَ يَتْلُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيُخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا.» (الاحزاب: ۳۹).

۳. «وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ.» (یوسف: ۸۷).

۴. «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ.» (ال عمران: ۱۶۰).



درس سوم: انسان شناسی
با رویکرد خداشناسی

را [تسبیح گوی. «(آل عمران: ۴۱)

«فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ؛ پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم؛ و شکرانه‌ام را به

جای آرید؛ و با من ناسپاسی نکنید.» (بقره: ۱۵۲)

«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.» (رعد: ۲۸)

پرسش‌ها

۱. رابطه تکوینی و تشریحی انسان با خدا چه تفاوت‌هایی دارد؟
۲. به نظر شما چرا انسان نیازمند رابطه تشریحی با خداست؟
۳. ضرورت وجود دین برای رسیدن به کمال انسان را بررسی کنید.
۴. رابطه ایمان و عمل صالح را تبیین، و جایگاه آن دو را در پرستش خدا بررسی کنید.

آموزش نماز بخش سوم از

درس اول: میمے نماز در آیات و روایات

درس دوم: آثار و فواید نماز

درس اول: سیمیای نماز درآیات و روایات

مباحث اصلی درس

فلسفه نماز

نماز در ادیان گذشته

نماز در قرآن

نماز در احادیث

موانع قبولی نماز

فلسفه نماز

حکمت‌های عباداتی چون نماز را باید در فلسفه کلی عبادات و مناسک عبادی جست‌وجو نمود. عبودیت و پرستش، یکی از نیازهای انسان است. تمامی انسان‌ها از ابتدا تاکنون به شکلی، پرستش داشته‌اند. روح انسان، نیاز به عبادت و پرستش دارد و هیچ چیزی جای آن را پر نمی‌کند؛ اما سخن در نحوه پرستش است.

علت اصلی نماز خواندن ما، واجب بودن آن است؛ یعنی ما نماز را به دلیل اینکه دستور خداوند و تکلیفی شرعی بر عهده ما است، به جا می‌آوریم؛ هر چند به روشنی می‌دانیم که نماز، آثار و برکات متعدد جسمی و روحی و فردی و اجتماعی برای ما دارد. خداوند در قرآن کریم در آیه ۴۵ سوره عنکبوت به فلسفه بزرگ نماز پرداخته، می‌فرماید:

«إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ: نماز انسان را از زشتی‌ها و منکرات بازمی‌دارد.»



درس اول: سیمای نماز در آیات و روایات

طبیعت نماز از آنجاکه انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده؛ یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد می‌اندازد، دارای اثر بازدارندگی از فحشا و منکر است، اما نماز حکمت‌های دیگری نیز دارد که در آیات و روایات به آنها پرداخته شده است.

امام رضا (علیه السلام) در پاسخ نامه‌ای که در آن از فلسفه نماز سؤال شده بود چنین فرمود: «علت تشریح نماز این است که توجه و اقرار به ربوبیت پروردگار است و مبارزه با شرک و بت پرستی و قیام در پیشگاه پروردگار در نهایت خضوع و نهایت تواضع و اعتراف به گناهان و تقاضای بخشش از معاصی گذشته و نهادن پیشانی بر زمین، همه روز برای تعظیم پروردگار. و نیز هدف این است که انسان همواره هوشیار و متذکر باشد، گردوغبار فراموش کاری بر دل او ننشیند، مست و مغرور نشود، خاشع و خاضع باشد، طالب و علاقه‌مند افزونی در مواهب دین و دنیا گردد. علاوه بر اینکه مداومت ذکر خداوند در شب و روز که در پرتو نماز حاصل می‌گردد، سبب می‌شود انسان مولا و مدبر و خالق خود را فراموش نکند، روح سرکشی و طغیانگری بر او غلبه ننماید»^۱.

نماز در ادیان گذشته

از قرآن کریم استفاده می‌شود که نماز در امت‌های پیشین هم بوده است؛ همه پیامبران از حضرت آدم (علیه السلام) تا حضرت خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) اما از چگونگی آن اطلاع دقیقی در دست نیست.

۱. حضرت ابراهیم (علیه السلام) برای خود و خانواده‌اش از خدا توفیق اقامه نماز می‌خواهد و می‌گوید: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي: پروردگار من! من و فرزندانم را بر پا کننده نماز قرار ده» (ابراهیم: ۴۰).

۲. حضرت اسماعیل (علیه السلام) افراد خانواده‌اش را به نماز فرمان می‌داد: «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا: و او همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد و خداوند از او خشنود بود» (مریم: ۵۵).

۳. خداوند خطاب به حضرت موسی (علیه السلام) فرمود: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي: نماز را برای یاد من به پا دار» (طه: ۱۴).

۱. محمدبن حسن حر عاملی، همان، ج ۳، ص ۴.

۴. حضرت لقمان (علیه السلام) به فرزندش فرمود: «يَا بُنَيَّ اِقِمِ الصَّلَاةَ وَاْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَاَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ: پسر من! نماز را به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن» (لقمان: ۱۷).

۵. حضرت زکریا (علیه السلام) در حالی بشارت تولد فرزندش حضرت یحیی (علیه السلام) را از خداوند دریافت می کند که در محراب عبادت به نماز ایستاده است: «قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً اَنْتَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ فَنَادَتْهُ الْمَلٰٓئِكَةُ وَ هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ، اَنَّ اللّٰهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيٰى: زکریا عرض کرد: «خداوند! از طرف خود، فرزند پاکیزه‌ای به من عطا فرما، که تو دعا را می شنوی و هنگامی که او در محراب ایستاده و مشغول نیایش بود، فرشتگان او را صدا زدند که خدا تو را به یحیی بشارت می دهد» (آل عمران: ۳۸ و ۳۹).

هیچ شریعت و دینی از نماز جدا نبوده گرچه صورت ظاهری آن تفاوت داشته است. زرتشتیان، پنج نماز دارند که در هنگام طلوع آفتاب و ظهر و عصر و اول شب و هنگام خواب، به پا می دارند. یهودیان در ساعت سوم و ششم و نهم روز و اول و آخر شب و هنگام تناول غذا، دعاهایی دارند. مسیحیان، روز یکشنبه و برخی روز شنبه در کلیسا، جلسه دعای دسته جمعی تشکیل می دهند. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«نخستین پرستشی که بر بندگان واجب شد نماز است. آخرین عملی که هنگام مردن (از انسان) می ماند نماز است و اولین چیزی که روز قیامت از آن بپرسند نماز است. پس هر کس به خوبی جواب گوید و پاسخش را بپذیرند در حسابرسی های پس از نمازش آسان گیرند و آن که پاسخ نیکو ندهد، در اعمال دیگرش به سختی حساب کشند»^۱.

نماز در قرآن

در قرآن کریم می خوانیم:

۱- آسمان های هفت گانه و زمین و کسانی که در آنها هستند، همه تسبیح گوی خداوند متعال اند و به حمد و سپاس او مشغول هستند، چراکه تنها خداوند است که منزّه و پاک و مقتدر و داناست و عبادت، راز آفرینش است:

«تَسْبِيحٌ لِّهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْاَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَاَنْ مِنْ شَيْءٍ اِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ: آسمان های هفت گانه

۱. علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۳۷۲، ج ۷، ح ۱۸۸۵.



درس اول: سیمای نماز در آیات و روایات

و زمین و کسانی که در آنها هستند، همه تسبیح او می‌گویند، و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش، تسبیح او می‌گوید.» (اسرا: ۴۴).

۲- نماز و عبادت، هدف خلقت است: «و ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ: مَنْ جِنِّ وَّانْسٍ رَا نِيَا فَرِيْدِم جَزْ بَرَايَ اَيْنَكِه عِبَادَتِم كَنَنْد.» (ذاریات: ۵۶).

۳- نماز جزو برنامه‌های حکومتی اسلام است: «الَّذِينَ إِِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ: كَسَانِي كِه هِرْگَاه دَر زَمِيْن بِه اَنَهَا قَدْرَت بَخْشِيْدِيْم، نِمَاز رَا بِه پَا مِي دَارَنْد.» (حج: ۴۱).

۴- نماز خواندن از خصلت‌های مؤمنان است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ: مَرْدَان و زَنَان بَا اِيْمَان، و لِي (و يَار و يَاوَر) يَكْدِيْگَرَنْد؛ اْمْرَبِه مَعْرُوف و نَهِيْ اَز مَنكَر مِي كَنْدَنْد و نِمَاز رَا بَر پَا مِي دَارَنْد.» (توبه: ۷۱).

۵- یکی از صفت‌های متقین، نماز خواندن است: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ: (پَرهِيْز كَارَان) كَسَانِي هَسْتَنْد كِه بِه غَيْب [اَنچِه اَز حَس پُوشِيْدِه و پَنهَان اَسْت] اِيْمَان مِي آوَرَنْد و نِمَاز رَا بِه پَا مِي دَارَنْد.» (بقره: ۳).

نماز در احادیث

۱- نماز وسیله شست‌وشوی از گناهان و مغفرت و آمرزش الهی است؛ چراکه نماز، انسان را به توبه و اصلاح گذشته دعوت می‌کند. لذا از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«اگر بر در خانه یکی از شما نه‌ری باشد و او هر روز پنج‌بار خود را در آن شست‌وشو دهد آیا در بدنش چرکی باقی می‌ماند؟» (راوی می‌گوید): گفتیم: نه! فرمود: «مَثَل نِمَاز هَمْچُون مَثَل نَهْر جَارِي اَسْت. هِرْگَاه آدَمِي نِمَاز بَگْزَارْد، گناهانی را که میان دو نماز از او سر زده است، می‌پوشاند و به این ترتیب جراحاتی که بر روح و جان انسان از گناه می‌نشیند، با مرهم نماز التیام می‌یابد و زنگارهایی که بر قلب می‌نشیند، زدوده می‌شود»^۱.

۲- نماز وسیله پرورش فضایل اخلاقی و تکامل معنوی انسان است، چراکه انسان را از جهان محدود ماده و چهار دیوار عالم طبیعت بیرون می‌برد، به ملکوت آسمان‌ها دعوت می‌کند، و

۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، قم، آل البیت، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۳.

با فرشتگان هم‌صدا و همراز می‌سازد، خود را بدون نیاز به هیچ واسطه در برابر خدا می‌بیند و با او به گفت‌وگو برمی‌خیزد. تکرار این عمل در شبانه‌روز، آن هم با تکیه روی صفات خدا، رحمانیت و رحیمیت و عظمت او - مخصوصاً با کمک گرفتن از سوره‌های مختلف قرآن بعد از حمد که بهترین دعوت‌کننده به سوی نیکی‌ها و پاکی‌ها است - اثر قابل ملاحظه‌ای در پرورش فضایل اخلاقی در وجود انسان دارد. لذا در حدیثی از امام رضا (علیه السلام) می‌خوانیم:

«نماز وسیله تقرب هر پرهیزکاری به خدا است.»^۱

۳- نماز به اعمال انسان ارزش و روح می‌دهد؛ چراکه نماز مجموعه‌ای است از نیت خالص و گفتار پاک و اعمال خالصانه، تکرار این مجموعه در شبانه‌روز، بذر سایر اعمال نیک را در جان انسان می‌پاشد و روح اخلاص را زنده و تقویت می‌کند.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در وصایای خود بعد از آنکه فرق مبارکش با شمشیر ابن ملجم جنایت کار شکافته شد فرمود: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ؛ خدا را خدا را در باره نماز، چراکه ستون دین شما است.»^۲ می‌دانیم هنگامی که عمود خیمه در هم بشکند یا سقوط کند، هر قدر طناب‌ها و میخ‌های اطراف محکم باشد اثری ندارد. همچنین هنگامی که ارتباط بندگان با خدا از طریق نماز از میان برود اعمال دیگر، اثر خود را از دست خواهد داد.

موانع قبولی نماز

در کتب فقهی و منابع حدیث، امور زیادی به‌عنوان موانع قبولی نماز ذکر شده است؛ جمله:

- ۱- نداشتن حضور قلب؛
- ۲- مال حرام (خوردن مال حرام)؛
- ۳- عاق والدین و ناراحت کردن ایشان (کینه نسبت به والدین)؛
- ۴- غیبت؛
- ۵- بدخواهی برای مسلمان؛

۱. محمدبن یعقوب کلینی، اصول الکافی، قم، موعود اسلام، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۶۵، باب فضل الصلاة.

۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، صفحه نگار، ۱۳۷۹، نامه ۴۷.



درس اول: سیمای نماز
در آیات و روایات

- ۶- قطع رابطه با برادر دینی؛
- ۷- اذیت کردن همسر(همسر آزاری)؛
- ۸- سبک شمردن نماز؛
- ۹- شرب خمر؛
- ۱۰- عجب و خودبینی.

پرسش‌ها

۱. آیا نماز در ادیان گذشته بوده است و در صورت وجود، شکل آن چگونه بوده است؟
۲. بر اساس احادیث، چهار اثر از آثار نماز را بیان کنید.
۳. از موانع قبولی نماز، چهار مورد را نام ببرید.

درس دوم: آثار و فواید نماز

مباحث اصلی درس

اهمیت و جایگاه نماز

معنای اقامه نماز

آثار و برکات نماز ۱- خاموش کننده آتش گناه ۲- نزول خوبی‌ها و ملائکه

۳- پاک کننده همه گناهان ۴- سند بهشت ۵- دعای خیر فرشتگان

۶- پشتوانه عظیم در حل مشکلات ۷- بهتر از بیست حج ۸- قلعه‌ای محکم در برابر شیطان

۹- آرامش بخش روح و روان ۱۰- زایل کننده غم‌ها ۱۱- دور کننده دردها

۱۲- جلب محبت مؤمنان ۱۳- نورانیت قلب ۱۴- تأثیر در موجودات ۱۵- یاد خدا از بنده

۱۶- مورد حسادت شیطان ۱۷- زایل کننده کبر

اهمیت و جایگاه نماز

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «برای هر چیز صورت و تابلویی است و صورت و تابلو دین شما نماز است»^۱.

اهمیت نماز به حدی است که از آن به‌عنوان (خیرالعمل) یاد شده است. بهترین اعمال است که دستور به شتاب به‌سوی آن داده شده است (حی‌علی‌خیرالعمل).

۱. محمدبن‌یعقوب کلینی، همان، ج ۳، ص ۲۶۷.

معنای اقامه نماز

قرآن کریم، درباره «اقامه نماز» بسیار تأکید کرده است؛ تا آن جا که ۴۶ بار، نماز را با واژه «اقامه» در تعبیرهای گوناگون، تکرار کرده است. خداوند متعال می فرماید:

«وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ...: انجام دادن کارهای نیک و برپاداشتن نماز را به آن‌ها وحی کردیم» (انبیاء: ۷۳)؛ چنان که ملاحظه می‌شود، کارهای نیک با تعبیر «فعل» (انجام دادن) ذکر شده، ولی در میان کارهای نیکو، نماز با تعبیر «اقامه» (برپایی) مطرح شده است.

برای اقامه نماز چند تفسیر ارائه کرده‌اند:

(۱) منظور از «اقامه» این است که تنها خودتان نمازخوان نباشید؛ بلکه چنان کنید که آیین نماز در جامعه انسانی برپا شود و مردم با عشق و علاقه، به آن روی آورند.

(۲) به گفته بعضی مفسران، تعبیر «اقامه نماز» به جای «خواندن» یا «به‌جا آوردن نماز»، بیان‌گر این نکته است که نماز شما تنها یک‌سری از اذکار و حرکات نیست، بلکه باید آن را به طور کامل بپا دارید؛ آن‌گونه که آثار نماز در چهره و زندگی شما دیده شود؛ تنها لقلقه زبان و راست و خم شدن نباشد، بلکه روح نماز- که همان تسلیم مطلق در برابر خدا در همه امور است- در زندگی شما جلوه کند و حضور دل و توجه قلبی به خدا- که روح نماز است- در نماز حاصل شود.^۱

(۳) اقامه نماز آن است که با حدود و فرائض انجام شود.

(۴) برخی «اقامه» را به معنای ادامه دادن می‌دانند؛ یعنی کسی نماز را به درستی بر پا می‌دارد که همیشه آن را ادامه دهد نه گه‌گاهی نماز بخواند: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ: پس وای بر نمازگزارانی که در نماز خود سهل‌انگاری می‌کنند» (ماعون: ۵-۶).

با مروری به آیه‌های قرآن می‌توان همه این معانی را در اقامه منظور کرد، زیرا اقامه نماز- که به انجام دادن آن مأموریم- می‌تواند معنای جامعی داشته باشد و همه این معانی را فراگیرد و آن این که نماز کامل، پیوسته و با خشوع و اثر گذار در جامعه باشد. «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» (معارج: ۲۳)؛ «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (مؤمنون: ۲) از لوازم متقی

۱- ر. ک: آیه الله مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۰۹.

بودن و برپا کردن نماز این است که نمازگزاران علاوه بر خواندن نماز، برای برپا داشتن آن در جامعه نیز تلاش کنند.^۱

آثار و برکات نماز

حال که به صورت مختصر با اهمیت نماز و تفاوت اقامه نماز با خواندن نماز، آشنا شدیم، در این بحث به طور مختصر برخی آثار و فواید نماز را از زبان آیات و روایات بیان می‌کنیم:

۱- خاموش کننده آتش گناه

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «هیچ نمازی وقتش فرا نمی‌رسد مگر آنکه ملکی ندا می‌کند: ای مردم برخیزید برای آتشی‌هایی که (با گناه) برای خود افروخته‌اید، و آنها را با ادای نماز خاموش سازید».^۲

۲- نزول خوبی‌ها و ملائکه

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «برای نماز گزار سه چیز است: چون به نماز ایستد خوبی‌ها از اطراف آسمان بر سرش فرود آید، و ملائکه از زمین تا فراز آسمان‌ها پر می‌شوند و ملکی فریاد می‌کند: ای نماز گزار اگر بدانی که با چه کسی مناجات می‌کنی، هرگز غفلت نخواهی کرد».^۳

۳- پاک کننده همه گناهان

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «هر که دو رکعت نماز گزارد و در نماز حضور قلب داشته باشد و متوجه باشد که چه می‌گوید، از نماز که فارغ شود برای او گناهی نیامرزیده نماند».^۴

۴- سند بهشت

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «همانا پروردگار شما می‌فرماید: این نمازهای واجب پنج‌گانه را هر کس در اوقات خاص آن به‌جا آورد و مراقب اوقات (و سایر شرایط واجب و مستحب) آن باشد، روز قیامت مرا در حالی ملاقات خواهد کرد که برای او نزد من پیمان‌نامه و سندی است که به

۱- سعید شمس، پرسمان‌های قرآنی نماز، قم: سبط اکبر، ۱۳۸۵، ص ۲۸-۳۰.
 ۲. حسن بن فضل طبرسی، مکارم‌الأخلاق، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۰۰.

۳. همان.

۴. همان.

موجب آن او را داخل بهشت سازم»^۱.

۵- دعای خیر فرشتگان

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «هیچ بنده‌ای از شیعیان و طرفداران ما نیست که به نماز برخیزد مگر آنکه به شمار مخالفین او فرشتگان بر او گرد آمده، در پشت سرش به نماز می‌ایستند و برای او در پیشگاه خداوند عزّ و جلّ دعای خیر می‌کنند تا از نماز خود فارغ شود»^۲.

۶- پشتوانه عظیم در حل مشکلات

از آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و حوادث) از صبر (روزه) و نماز کمک بگیرید، زیرا خداوند سبحان با صابران است» (بقره: ۱۵۳) و روایات دیگر استفاده می‌شود که: استقامت و نماز، انسان را در حل مشکلات پیروز و در برابر حوادث مقاوم می‌کند، زیرا نماز ارتباط انسان را با قدرت مطلق و خالق هستی برقرار می‌کند، و کسی هم با چنین قدرتی ارتباط داشته باشد، دیگر ترس، ناامیدی و خستگی برایش معنا ندارد.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: هنگامی که مشکل مهمی برای امام علی (علیه السلام) پیش می‌آمد به نماز برمی‌خاست، سپس این آیه را تلاوت می‌فرمود: «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^۳.

۷- قلعه‌ای محکم در برابر شیطان

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «نماز (واقعی و با حضور قلب) قلعه محکم خداوند و دورکننده شیطان است»^۴.

۸- آرامش بخش روح و روان

قرآن کریم می فرماید: «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ: آگاه باشید با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد» (رعد: ۲۸).

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «نماز باعث آرامش بدن می‌شود»^۵.

۱ . محمدبن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۱، ص ۲۰۷.

۲ . همان.

۳ . ناصر مکارم شیرازی، همان، ج ۱، ص ۲۱۹.

۴ . عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، غررالاحکم و دررالکلم، مقدمه و تصحیح و تعلیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷.

۵ . حسین بن محمدتقی نوری طبرسی، همان، ج ۱، ص ۱۸۰.

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «یاد خداوند سبب هدایت فکر و زنده شدن روان و پاکی دل می گردد.»^۱

هنگامی بشر احساس بی نیازی می کند که ارتباطش را به وسیله دعا و نماز و خواندن قرآن، با غنی و قدرت مطلق برقرار کند. اگر خالق هستی را شناخت، آن وقت می فهمد که هر چه هست، نزد اوست و چیزی جز او در عالم وجود ندارد. این موقع است که حالت حرص و طمع و قوه شهوتش در ابعاد مختلف فرو می کشد و مهار نفس اماره اش را خود به دست می گیرد، چون که خداوند بزرگ را که منبع تمام فیوضات است به چشم دل دیده، خود را در محضر معشوق و یار حقیقی می بیند، دیگر به معشوق های مجازی و اعتباری دنیوی مانند مقام و ثروت و شهوات توجهی ندارد؛ بلکه آنها را در مسیری قرار می دهد که به محبوب اصلی که خداوند بزرگ است برسد. در اینجا است که آرامش بر وجودش حاکم می شود و دلهره و اضطرابی که در بسیاری از افراد جهان هست، از وجود او رخت برمی بندد.

۹- زایل کننده غمها

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «وقتی غمی از غم های دنیا بر یکی از شما وارد شد، وضو بگیرد، سپس داخل مسجد شود و دو رکعت نماز بخواند، مگر جز این است که خداوند بزرگ می فرماید: به کمک صبر (روزه) و نماز از خداوند سبحان یاری بجوید.»^۲

۱۰- دور کننده دردها

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «یاد خداوند (نماز) دور کننده دردها و گرفتاری ها است.»^۳

روح و جسم ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. به طوری که شادابی روح در طراوت و سلامت جسم، و خستگی روح در پژمردگی و بیماری جسم اثر می گذارد. فردی که با نماز و مناجات با خداوند بزرگ، ارتباط برقرار می نماید و اضطراب و دلهره و پریشانی و غصه هایش را از روان خود می زداید، به مراتب بدنش سالم تر از فردی است که در اثر ترک نماز و عشق به دنیا، حرص و ولع و غم و غصه تمام وجودش را فرا گرفته است. لذا با نگاهی به جامعه

۱. عبدالواحدین محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۸۷.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۰۱.

۳. عبدالواحدین محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۴۰۵.

می‌بینیم افرادی که از اعتقاد ضعیف برخوردارند، برای رسیدن به ظواهر دنیا و تجملات و خودنمایی که ارمغان فرهنگ غرب است در اضطراب عجیبی به سر می‌برند که این پریشانی و دلهره باعث شده سراسر وجودشان را غم فراگیرد، به طوری که برای هر موضوع کوچک دنیوی در محل کار و منزل نسبت به یکدیگر حمله‌ور می‌شوند و برای تسکین اعصاب و روان، نزد دکتر اعصاب و روان شناس می‌روند. در حالی که دکتر اصلی خداوند بزرگ است و نسخه شفابخش او برای درمان، نماز است.

۱۱- جلب محبت مؤمنان

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «...هیچ بنده مؤمنی نیست که در نماز و دعایش دل خود را متوجه خداوند عزّ و جلّ گرداند (با حضور قلب باشد) مگر اینکه خداوند عزّ و جلّ دل‌های مؤمنان را به سوی او مایل گرداند و با جلب محبت و دوستی مؤمنان نسبت به او، خداوند او را بهشت عطا فرماید»^۱.

۱۲- نورانیت قلب

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «نماز هر کس، نوری در دل اوست؛ پس هر کس خواست، قلبش را نورانی کند»^۲.

۱۳- تأثیر در موجودات

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید: «هنگامی که انسان مشغول نماز است، بدن و لباس و هر چه پیرامون اوست، خدا را تسبیح می‌گویند»^۳.

۱۴- یاد خدا از بنده

امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: یاد خدا برای نماز خوان‌ها بالاتر از یاد آنها از خدا است. آیا نمی‌بینی که خداوند می‌فرماید: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ؛ مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم»^۴.
(بقره: ۱۵۲)

۱. محمد بن علی (صدوق) ابن بابویه، من لا یخضره الفقیه، همان، ج ۱، ص ۲۰۷.

۲. علی بن حسام الدین متقی، همان، ج ۱۸۹۷۳.

۳. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۸۲، ص ۲۱۳.

۴. همان، ج ۸۲، ص ۱۹۹.

۱۵- مورد حسادت شیطان

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «هرگاه کسی به نماز می ایستد، شیطان حسودانه به او می نگرَد، به خاطر آنکه می بیند رحمت خدا او را فراگرفته است»^۱.

۱۶- زایل کننده کبر

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) می فرماید: «خدای بزرگ ایمان را برای پاک شدن شما از شرک و نماز را برای زدودن کبر و غرور از شما قرار داده است»^۲.

پرسش‌ها

۱. شش مورد از آثار و فواید نماز را نام ببرید.
۲. چرا نمازگزار مورد حسادت شیطان است؟
۳. نماز چگونه باعث آرامش انسان می شود؟

۱. همان، ص ۲۰۷.

۲. احمدین علی طبرسی، همان، ص ۹۹.

زندگی در سرواحكام بخش چهارم

درس اول: اجتهاد و تقلید

درس دوم: پايے ها و ناپايے ها

درس سوم: طهارت (وضو، غسل و تیمم)

درس چهارم: اقسام، مقدمات و واجبات نماز

درس پنجم: مبطلات نماز و برخے از انواع نماز

درس ششم: محرم و نامحرم

درس هفتم: احكام راته و فضاے مجازے

درس هشتم: مسائل مورد نیاز و جدید

درس اول:
اجتهاد و تقلید

معنای تقلید در احکام شرعی

به طور کلی منظور از تقلید، عمل کردن به دستور افراد متخصص در هر فن و عمل است و تقلید در احکام شرعی، عمل به فتوای مجتهد جامع الشرایط در احکام دین می‌باشد. بر این اساس در معنای اصطلاحی تقلید چنین گفته شد: «التزام عملی به فتوای مجتهد یا تطبیق وظایف دینی با فتوای مجتهد زنده»^۱.

عمل در تقلید احکام شرعی اهمیت خاصی دارد؛ بدین جهت در برخی از رساله‌های عملیه در معنای تقلید آمده است:

تقلید عبارت از عمل به فتوای مجتهد است؛ پس اگر اخذ فتوی نموده باشد و عمل نکرده باشد تقلید تحقق نیافته است؛ اگر چه ملتزم باشد که عمل به آن فتوی بنماید^۲.

اجتهاد چیست و مجتهد کیست؟

اجتهاد در فرهنگ لغت به مفهوم سعی بلیغ و تلاش بی‌دریغ و کوشش مستمر و پیوسته برای دست یابی به هدف است و در اصطلاح یعنی داشتن قدرت علمی بر استنباط احکام دینی از ادله و منابع مربوط به آن^۳.

مجتهد کسی است که با تلاش و تحمل رنج و سختی به این توانایی رسیده است که می‌تواند احکام شرعی را از منابع آن استنباط و استخراج نموده با ادله آن، در اختیار دیگران

۱. بجنوردی، منتهی الاصول، ج ۲، ص ۸۹۰.

۲. توضیح المسائل، م ۷.

۳. ر. ک: منتهی الاصول، ص ۶۳۰.



درس اول: اجتهاد و تقلید

قرار بدهد. منابع فقه (احکام) عبارتند از: ۱. قرآن ۲. سنت (قول، فعل و تقریر معصوم علیه‌السلام) ۳. عقل ۴. اجماع یعنی اتفاق فقهاء بر حکمی از احکام شرعی.

شرایط مرجع تقلید

مرجع تقلید، مجتهدی است که مردم در مسائل و احکام دینی از او پیروی می‌کنند.^۱ مرجع تقلید باید دارای این ویژگی‌ها باشد: عادل، بالغ، عاقل، زنده، مرد، شیعه دوازده امامی و بنابر احتیاط واجب اعلم بوده و حریص به دنیا نباشد.^۲

ولایت فقیه و حکم حاکم

۱. ولایت فقیه: عبارت است از حکومت فقیه عادل و دین‌شناس؛
۲. ولایت فقیه در رهبری جامعه اسلامی و اداره امور اجتماعی ملت اسلامی، در هر عصر و زمان، از ارکان مذهب حقه اثناعشری است که ریشه در اصل امامت دارد؛^۳
۳. براساس مذهب شیعه همه مسلمانان باید از اوامر ولایی ولی فقیه اطاعت کنند و تسلیم امر و نهی او باشند، و این حکم، شامل فقهای عظام هم می‌شود؛ چه رسد به مقلدین آنان. به‌نظر ما التزام به ولایت فقیه قابل تفکیک از التزام به اسلام و ولایت ائمه معصومین (علیهم‌السلام) نیست.^۴

ضرورت ولایت فقیه

از آنجا که دین حنیف اسلام، که آخرین دین آسمانی است و تا روز قیامت استمرار دارد و دین حکومت و اداره امور جامعه است؛ لذا، همه طبقات جامعه اسلامی ناگزیر از داشتن ولی امر و حاکم و رهبر هستند تا امت اسلامی را از شر دشمنان اسلام و مسلمین حفظ

۱. آموزش احکام، محمد حسین فلاح زاده، ص ۱۰ - ۱۴.

۲. توضیح المسائل، م ۲۰.

۳. اجوبه الاستفتائات، س ۶۳ و ۵۸.

۴. همان، س ۶۴.

زندگی در پرتو احکام

نماید، و از نظام جامعه اسلامی پاسداری نموده و عدالت را در آن برقرار کند و از ظلم و تعدی قوی بر ضعیف جلوگیری نماید، و وسایل پیشرفت و شکوفایی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را تأمین کند.^۱

درس دوم: پاکی ها و ناپاکی ها

همان گونه که ذکر شد، مجموعه برنامه های عملی اسلام، احکام نامیده می شود. نماز یکی از مهم ترین و اساسی ترین واجبات است که احکام مخصوص خود را دارد؛ احکام مربوط به نماز به سه دسته قابل تقسیم است:

۱. **مقدمات:** آنچه نمازگزار باید قبل از نماز آنها را مراعات کند.

۲. **مقارنات:** مسائل مربوط به متن نماز، از تکبیرة الاحرام تا سلام.

۳. **مبطلات:** چیزهایی که نماز را باطل می کند.

از جمله مسائلی که قبل از انجام این عبادت بزرگ باید مورد توجه قرار گیرد، طهارت و پاکی است. نمازگزار باید بدن و لباس خود را از ناپاکی ها (نجاسات) پاک کند. برای پاکی از نجاست، شناخت مصادیق و موارد آن و راه پاک کردن اشیای نجس لازم است. بر این اساس در این درس به ذکر موارد و احکام نجاسات و نیز مطهرات (پاک کننده ها) پرداخته می شود.

نجاسات (ناپاکی ها)

نجاسات عبارتند از: ادرار (بول)، مدفوع (غایط)، منی، مردار، خون، سگ، خوک، شراب و هر مایع مست کننده، آب جو، کافر، عرق شتر نجاست خوار!

ادرار و مدفوع انسان و تمامی حیوانات حرام گوشت که خون جهنده دارند، نجس است.

چگونگی تطهیر اشیاء نجس با آب

۱. برای تطهیر (پاک کردن اشیاء نجس) باید به این صورت عمل کرد: ابتدا عین نجس را برطرف کرده، سپس به همان تعداد که در نمودار آمده است آن را آب کشید. مثلاً؛ ظرف نجس را بعد از برطرف کردن آلودگی اگر یک مرتبه در آب کر بشویند کافی است.

۲. فرش و لباس و چیزهایی مانند آن که آب را به خود می‌گیرد همین که آب آن را پس از زوال (از بین رفتن) عین نجاست فرا گرفت سپس با تکان دادن، یا فشار دادن آب جابجا و خارج شد کافی است!.

کیفیت آب کشیدن حبوبات

اگر حبوبات مثل برنج، عدس، نخود، لوبیا، گندم نجس شود، کیفیت آب کشیدن سه صورت دارد:

اول، چنانچه ظاهر آنها نجس شده: با فرو بردن در آب کر یا جاری و یا شستن آنها با آب قلیل پاک می‌شوند.

دوم، باطن هم نجس شده: (مثلاً مدتی در آب نجس باقی مانده و رطوبت نجس به درون آنها سرایت کرده باشد) حتی با آب کر پاک نمی‌شود.

سوم، ندانیم درون آن نیز نجس شده یا نه: تطهیر ظاهر آن کافی است!.

۱. اجوبه الاستفتانات، س ۷۱، ۷۲ و ۸۱

۲. توضیح المسائل، م ۱۶۴-۱۶۶.



درس سوم: طهارت
(وضو، غسل و تیمم)

درس سوم: طهارت (وضو، غسل و تیمم)

۱. وضو

نماز گزار باید قبل از نماز وضو بگیرد و خود را برای به جا آوردن این عبادت بزرگ آماده کند.

در برخی موارد هم باید «غسل» کند، و هر گاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن «تیمم» انجام دهد. در این درس با احکام هر یک آشنا خواهید شد.

چگونگی وضو

ابتدا صورت را از جایی که موی سر روییده تا آخر چانه و از پهنا فاصله بین انگشت شست و میانه بشوید و سپس دست راست را از آرنج تا نوک انگشتان و سپس دست چپ را مانند دست راست بشوید و با رطوبت کف دست قسمت جلوی سر را مسح کند و سپس پای راست را از سر انگشتان تا مفصل ساق پا و پای چپ را به همین صورت مسح نماید^۱.

* صورت و دست ها در وضو باید از بالا به پایین شسته شود و اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است^۲.

* شستن اعضای وضو بار اول واجب، بار دوم جایز و بیش از آن غیر مشروع است. ملاک تعیین بار اول و دوم یا بیشتر قصد وضو گیرنده است؛ پس می تواند به قصد بار اول شستن، چند مرتبه آب به روی صورت بریزد^۳.

شرایط آب و ظرف وضو: آب وضو پاک، مباح (غیر غصبی) و مطلق باشد و ظرف آب هم

۱. اجوبه الاستفتائات، ج ۱، س ۱۱۰، ص ۳۶.

۲. راهنمای فتاوا، ص ۲۵، م ۲.

۳. همان، م ۳.

مباح، از طلا و نقره نباشد.

شرایط اعضای وضو: پاک باشند و مانعی از رسیدن آب در آنها نباشد.

شرایط کیفیت وضو: ترتیب و موالات مراعات گردد و هر کس وضو را خودش انجام دهد
[و از کسی کمک نگیرد].

از شرایط وضو گیرنده است که استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد و با قصد قربت
وضو بگیرد^۱.

چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت

۱. برای خواندن نماز (به جز نماز میت)؛

۲. برای طواف واجب خانه کعبه؛

۳. برای رساندن جایی از بدن به نوشته قرآن و اسم خداوند.

* مس آرم جمهوری اسلامی ایران بدون طهارت بنابر احتیاط واجب، جایز نیست^۲.

مبطلات وضو

خارج شدن ادرار یا مدفوع یا باد معده؛

۲. خواب، چنانچه گوش نشنود و چشم نبیند؛

۳. چیزهایی که عقل را از بین می برد؛ مانند دیوانگی، مستی، بیهوشی؛

۴. آنچه سبب غسل شود، مانند جنابت و مس میت^۳.

۱. توضیح المسائل، م ۲۵۹ - ۲۸۰.

۲. اجوبه الاستفتائات، س ۱۶۵.

۳. توضیح المسائل، م ۳۲۳.

۲. غسل

گاهی اوقات باید برای نماز، و هر کاری که باید با طهارت انجام شود غسل کرد، یعنی برای اطاعت فرمان خداوند تمام بدن را شست.

غسل های جنابت، مس میت، میت، غسلی که به سبب نذر یا عهد یا قسم واجب شود، از غسل های واجب هستند.

کارهایی که بر جنب^۱ حرام است، عبارت است از:

۱. رساندن جایی از بدن به خط قرآن، اسم خداوند و بنا بر احتیاط واجب اسامی پیامبران و ائمه و حضرت زهرا (علیها السلام)؛

۲. رفتن به مسجدالحرام و مسجدالنبی (صلی الله علیه و آله و سلم)؛

۳. توقف در مساجد؛

۴. گذاشتن چیزی در مسجد هر چند از بیرون مسجد باشد (یعنی وارد مسجد نشود و از راه پنجره یا در مسجد چیزی را درون مسجد بگذارد)؛

۵. خواندن آیه هایی از قرآن که سجده واجب دارند. [خواندن سایر آیات این سوره ها اشکال ندارد]؛^۲

۶. توقف در حرم امامان (علیهم السلام) بنا بر احتیاط واجب.^۳

کیفیت غسل

طریق انجام دادن غسل ها یکسان است و فرقی ندارند مگر در نیت. غسل به دو گونه انجام می شود:

۱. ترتیبی: اول نیت غسل و بعد سر و گردن را می شوئید و سپس نیمه راست بدن و بعد از آن نیمه چپ بدن را.

۱. عوامل جنابت: ۱- بیرون آمدن منی؛ کم باشد یا زیاد، در خواب باشد یا بیداری. ۲- جماع (آمیزش): با حلال باشد یا با حرام. منی بیرون بیاید یا نیاید.

۲. اجوبه الاستغاثات، ص ۱۹۹، ص ۲۸. سوره هایی که یک آیه از آنها سجده دارد: سوره سجده، آیه ۱۵؛ سوره فصلت، آیه ۳۷؛ سوره نجم، آیه ۶۲ و سوره علق، آیه ۱۹.

۳. توضیح المسائل، م ۳۵۵.

۲. غسل ارتماسی: با نیت غسل یک باره زیر آب می‌رود به طوری که تمام بدن در آب قرار گیرد یا به تدریج زیر آب می‌رود، که در نهایت تمام بدن در آب قرار گیرد. یا زیر آب رفته و در آن حال به نیت غسل بدن را حرکت می‌دهد.

احکام غسل

برخی از احکام مربوط به غسل مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱. تمام شرط‌هایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد، در صحیح بودن غسل نیز شرط است، به جز موالات. و نیز لازم نیست در غسل بدن را از بالا به پایین شست.

۲. کسی که چند غسل بر او واجب است، می‌تواند به نیت همه آنها یک غسل به جا آورد.

۳. کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد، ولی با غسل‌های دیگر نمی‌شود نماز خواند و باید وضو هم بگیرد.

۴. برای انجام غسل ارتماسی باید آب به قدری باشد که تمام بدن زیر آب برود!

غسل مس میت

اگر جایی از بدن خود را به بدن مرده‌ای که سرد شده و غسلش نداده‌اند برساند، باید غسل مس میت کند.^۲

۱. توضیح المسائل، م ۳۶۱ - ۳۷۱.

۲. همان، م ۲۵۱.



درس سوم: طهارت
(وضو، غسل و تیمم)

۳. تیمم

در موارد زیر باید به جای وضو و غسل، تیمم کرد:

* آب نباشد و یا دسترسی به آن نداشته باشد؛

* آب برای او ضرر داشته باشد؛

وقت برای وضو گرفتن یا غسل کردن نداشته باشد^۱.

چگونگی تیمم

مراحل انجام تیمم به ترتیب ذیل است:

۱. زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است؛
 ۲. کشیدن هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر روئیده است تا روی ابروها و بالای بینی (بین دو ابرو)؛
 ۳. کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست؛
 ۴. کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ.
- و احتیاط واجب^۲ این است که بار دیگر دست های خود را بر زمین بزند و کف دست چپ را بر پشت دست راست و کف دست راست را بر پشت دست چپ بکشد^۳.

۱. همان، م ۶۴۸ - ۶۷۸.

۲. توضیح: طبق این احتیاط کشیدن هر دو دست بر پیشانی واجب نیست.

۳. اجوبه الاستفتائات، س ۲۰۹.

درس چهارم:
اقسام، مقدمات و واجبات نماز

نماز یکی از ارکان اساسی دین، و مورد تأکید قرآن و روایات است؛^۱ تا آنجا که کسانی که به نمازهای واجب اهمیت نمی‌دهند و نماز را سبک می‌شمارند از شفاعت معصومین (علیهم‌السلام) محروم می‌شوند.^۲ در این درس برخی از مقدمات و واجبات نماز ذکر می‌شود:

نمازهای واجب

۱. نمازهای یومیه (صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء)؛
 ۲. نماز آیات؛
 ۳. نماز طواف واجب؛
 ۴. نماز میت؛
 ۵. نماز قضای پدر و مادر بر پسر بزرگتر؛
 ۶. نمازی که با نذر یا عهد یا قسم یا اجیر شدن واجب می‌شود.
- انجام نماز به مقدماتی نیاز دارد که باید رعایت شوند تا نماز صحیح باشد و مورد پذیرش قرار گیرد یا با آن نماز کامل شود و شخص نماز گزار به رتبه بالاتر معنوی راه یابد.

۱. بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۲۵.

۲. همان، ج ۴۷، ص ۲.

مقدمات نماز

۱. لباس نمازگزار

یکی از مسائلی که قبل از نماز توجه به آن لازم است، مسئله پوشش است که مقدار و شرایط آن ارائه می‌گردد:

مقدار پوشش

مقدار پوشش برای نماز در مردان پوشاندن عورتین است. البته بهتر است از ناف تا زانو را بپوشانند.^۱

شرایط لباس نمازگزار

۱. پاک باشد؛ ۲. مباح باشد؛ ۳. از اجزاء مردار نباشد؛ ۴. از حیوان حرام گوشت نباشد؛ ۵. لباس نمازگزار مرد طلا یا ابریشم خالص نباشد. علاوه بر لباس، بدن نمازگزار نیز باید پاک باشد.^۲

۲. مکان نمازگزار

مکانی که نماز در آن انجام می‌گیرد، باید این شرایط را داشته باشد:

۱. مباح باشد (غصبی نباشد)؛
۲. بی حرکت باشد؛
۳. تنگ و سقف آن کوتاه نباشد تا بتواند قیام و رکوع و سجود را به‌طور صحیح انجام دهد؛
۴. جایی که پیشانی را در سجده بر آن می‌گذارد، پاک باشد.
۵. اگر مکان نمازگزار نجس است به گونه‌ای تر نباشد که به بدن یا لباس نمازگزار سرایت کند.
۶. جایی که پیشانی را در سجده بر آن می‌گذارد از جای زانوها و سرانگشتان پا، بیش

۱. توضیح المسائل، م ۷۸۸-۷۸۹.

۲. همان، م ۸۲۴.

از چهار انگشت بسته بلندتر یا پست‌تر نباشد^۱.

۳. اذان و اقامه

بر نمازگزار مستحب است، قبل از نمازهای یومیه، ابتدا اذان بگوید و بعد از آن اقامه، و سپس نماز را شروع کند^۲.

واجبات نماز

واجبات نماز، یازده امر است که برخی رکن و برخی غیررکن می‌باشد.

ارکان نماز پنج مورد است: نیت، قیام، تکبیرة الإحرام، رکوع، سجود.

واجبات غیر رکن شش مورد است: قرائت، ذکر، تشهد، سلام، ترتیب، موالات.

*فرق بین رکن و غیررکن: ارکان نماز، اجزاء اساسی آن به‌شمار می‌آید و چنانچه یکی از آنها بجا آورده نشود، یا اضافه شود، هر چند بر اثر فراموشی باشد، نماز باطل است. اما واجبات دیگر (غیر رکن) گرچه به جای آوردن آنها لازم است ولی چنانچه از روی فراموشی کم یا زیاد شود نماز باطل نیست^۳.

احکام واجبات نماز

۱. نیت

۱. نمازگزار، از آغاز تا پایان نماز، باید بداند چه نمازی می‌خواند و آن را برای انجام فرمان خداوند عالم به جا می‌آورد.

۲. به زبان آوردن نیت، لازم نیست، ولی چنانچه به زبان هم بگوید اشکال ندارد.

۳. نماز باید از هر گونه ریا و خودنمایی به دور باشد، یعنی نماز را تنها برای انجام دستور خداوند به جا آورد و چنانچه تمام نماز یا قسمتی از آن، برای غیر خدا باشد، نماز

۱. راهنمای فتاوا، ص ۵۹، م ۲.

۲. توضیح المسائل، م ۹۱۸ و ۹۲۶.

۳. همان، م ۹۴۲.

باطل است.^۱

۲. تکبیرة الإحرام

نماز با گفتن «الله اکبر» آغاز می شود و به آن «تکبیرة الإحرام» می گویند؛ زیرا با همین تکبیر است که بسیاری از کارها که قبل از نماز جایز بوده، مانند خوردن و آشامیدن، خندیدن و گریستن، بر نماز گزار حرام می شود.

در تکبیرة الاحرام واجب است:

۱. به عربی صحیح گفته شود؛

۲. هنگام گفتن «الله اکبر» بدن آرام باشد.

و نیز لازم است تکبیرة الإحرام را طوری بگوید که اگر مانعی در کار نباشد خودش بشنود، یعنی بسیار آهسته نگوید.^۲

۳. قیام

قیام بر دو قسم است:

قیام رکنی: ۱. هنگام تکبیرة الاحرام ۲. قیام پیش از رکوع (متصل به رکوع).

قیام غیر رکن: ۱. قیام هنگام قرائت ۲. قیام بعد از رکوع.

در قیام می توان به احکام زیر اشاره کرد:

۱. واجب است پیش از گفتن تکبیرة الاحرام و بعد از آن مقداری بایستند تا یقین کند که تکبیر را در حال قیام گفته است.

۲. قیام پیش از رکوع بدان معنی است که در حالت ایستاده به رکوع برود، بنابراین اگر رکوع را فراموش کند و بعد از قرائت به سجده برود و قبل از وارد شدن به سجده یادش بیاید، باید کاملا بایستد، سپس به رکوع برود و پس از آن سجده ها را به جا آورد.

۳. اموری که در حال قیام باید از آن پرهیز شود: بدن را حرکت دادن، به طرفی خم شدن، به جایی یا چیزی تکیه کردن، پاها را زیاد باز گذاشتن و پاها را از زمین بلند کردن.

۱. همان، م ۹۴۶ - ۹۴۷.

۲. توضیح المسائل، م ۹۴۸ - ۹۵۲.

۴. بر نمازگزار واجب است بعد از رکوع به طور کامل بایستد و سپس به سجده برود و چنانچه این قیام عمداً ترک شود، نماز باطل است.^۱

۴. قرائت

در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه، نماز گزار باید اول سوره حمد و بعد از آن بنا بر احتیاط واجب^۲ یک سوره کامل بخواند. و در رکعت سوم و چهارم نماز، باید سوره حمد، یا سه مرتبه تسبیحات اربعه خوانده شود و اگر یک مرتبه هم بخواند کافی است. نماز گزار در رکعت سوم و چهارم نماز، حمد یا تسبیحات را باید آهسته بخواند، ولی حکم حمد و سوره در رکعت اول و دوم نماز به این شرح است:

در نمازهای ظهر و عصر، چه مرد و چه زن، باید حمد و سوره را آهسته بخوانند و در نمازهای مغرب، عشاء و صبح، مرد باید حمد و سوره را بلند بخواند و زن اگر نامحرم صدای او را نمی شنود می تواند بلند بخواند و اگر می شود بهتر است^۳ آهسته بخواند.

اگر نمازگزار در جایی که باید نماز را بلند بخواند، عمداً آهسته بخواند یا در جایی که باید آهسته بخواند، عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله باشد، صحیح است.^۴

۵. ذکر

یکی از واجبات رکوع و سجده، ذکر است، یعنی گفتن «سبحان الله» یا «الله اکبر» و مانند آن، که تفصیل هر یک خواهد آمد.

۶- رکوع

نمازگزار در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد (و احتیاط آن است که دست ها را بر زانو بگذارد)^۵ این عمل را «رکوع» می گویند.

۱. همان، م ۹۵۸ - ۹۶۴.

۲. راهنمای فتاوا، ص ۶۵ س ۲.

۳. اجوبه الاستفتائات، س ۴۷۱، ص ۱۰۳.

۴. توضیح المسائل، م ۹۹۲ - ۱۰۰۷.

۵. راهنمای فتاوا، ص ۷۵، م ۱۳.

در رکوع واجب است:

۱- خم شدن به مقداری که بتواند دست را به زانو بگذارد؛

۲. ذکر، (گفتن حداقل، سه مرتبه سبحان الله)؛

۳. آرامش بدن در حال گفتن ذکر رکوع؛

۴. ایستادن بعد از رکوع؛

۵. آرامش بدن بعد از رکوع.

ذکر واجب در رکوع عبارت است از یک بار گفتن «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» یا سه بار گفتن «سبحان الله» و اگر به جای آن، ذکر دیگری از قبیل «الحمد لله» و «الله أكبر» و غیر آن را به همان مقدار بگوید نیز کافی است^۱.

آرامش بدن در رکوع از واجبات رکوع است؛ بدین بیان:

۱. در رکوع باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد.

۲. اگر پیش از آن که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، عمداً ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است.

۳. اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب عمداً سر از رکوع بردارد، نمازش باطل است.

یکی دیگر از واجبات رکوع، ایستادن و آرامش بعد از رکوع است؛ بدین بیان:

نمازگزار بعد از تمام شدن ذکر رکوع، باید بایستد و بعد از آنکه بدن آرام گرفت، به سجده برود و اگر عمداً پیش از ایستادن یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده برود، نمازش باطل است^۲.

۷. سجود

نماز گزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع دو سجده به جا آورد. سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ

۱. همان، م ۱۴.

۲. توضیح المسائل، م ۱۰۴۰.

پاها(شست) را بر زمین بگذارد^۱.

واجبات سجده عبارت است از:

۱. گذاشتن هفت عضو از بدن بر زمین؛

۲. ذکر؛

۳. آرامش بدن در حال ذکر سجده؛

۴. سر برداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده؛

۵. بر زمین بودن هفت عضو در هنگام ذکر؛

۶. مساوی بودن جاهای سجده (پست و بلند نبودن)؛

۷. گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است؛

۸. پاک بودن جایی که پیشانی را می گذارد؛

۹. موالات بین دو سجده(پی در پی انجام دادن و فاصله غیر معمول نینداختن).

ذکر واجب در سجده عبارت است از یک بار گفتن «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» یا سه بار گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ» و اگر به جای آن ذکرهای دیگری از قبیل «الحمد لله» و «الله أكبر» و غیر آن را به همان مقدار بگوید نیز کافی است^۲.

آرامش بدن در سجود از واجبات سجود است که شرایط آن بدین صورت ذکر می شود:

۱. در سجده باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد.

۲. کسی که می داند آرام بودن بدن در حال ذکر سجود واجب است، اگر پیش از آن که پیشانی به زمین برسد و بدن آرام بگیرد عمداً ذکر را بگوید، یا پیش از تمام شدن ذکر، عمداً سر از سجده بردارد، نمازش باطل است^۳.

۳. بعد از تمام شدن ذکر سجده اول باید بنشینند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده

۱. همان، م ۱۰۴۵.

۲. راهنمای فتاوا، ص ۷۹، م ۱۸.

۳. همان، م ۱۹.

رود^۱.

بر زمین بودن هفت عضو از دیگر واجبات سجده است؛ بدین شرح:

۱. اگر موقعی که ذکر سجده را می گوید، یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می شود، ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست، اگر غیر از پیشانی، جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد.
۲. اگر همراه با انگشتان شست پا، انگشتان دیگر هم بر زمین باشد مانع ندارد.
۳. جای پیشانی نمازگزار باید از جای زانوهایش پست تر یا بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد^۲.

۸. تشهد

۱. در رکعت دوم و آخر نمازهای واجب، نمازگزار باید بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن، تشهد بخواند؛ یعنی بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»^۳.
۲. اگر نمازگزار تشهد را فراموش کند و بایستد و پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده، باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود بخواند و نماز را تمام کند و اگر در هنگامی که به رکوع رکعت سوم رفته یا بعد از آن، یادش بیاید، باید نماز را تمام کند و بعد از سلام، برای تشهد فراموش شده دو سجده سهو به جا آورد و احتیاط آن است که پیش از سجده سهو، تشهد فراموش شده را قضا کند^۴.

۹. سلام

در رکعت آخر هر نماز پس از تشهد باید سلام دهد و (نماز را به پایان ببرد). ذکر سلام به ترتیب زیر است:

۱. «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

۱. توضیح المسائل، م ۱۰۵۲ و ۱۰۵۶.

۲. همان، م ۱۰۵۴ - ۱۰۵۷.

۳. همان، م ۱۱۰۰.

۴. همان، ص ۱۶۶، م ۱۱۰۲.

۲. «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»

۳. «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ»

ذکر واجب سلام یکی از جمله های دوم یا سوم است و جمله اول مستحب می باشد. و مستحب است هر سه جمله را بگوید^۱.

۱۰. ترتیب

۱. نماز باید بدین ترتیب خوانده شود: تکبیره الاحرام، قرائت، رکوع، سجود و در رکعت دوم پس از سجود، تشهد بخواند و در رکعت آخر، پس از تشهد، سلام دهد.

۲. اگر رکنی از نماز را فراموش کند و رکن بعد از آن را به جا آورد، مثلاً پیش از آن که رکوع کند دو سجده نماید، نماز باطل است.

۳. اگر رکنی را فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و رکن نیست به جا آورد، مثلاً پیش از آن که دو سجده کند تشهد بخواند، باید رکن را به جا آورد و آنچه را پس از آن خوانده دوباره بخواند^۲.

۱۱. موالات

۱. موالات یعنی پشت سر هم بودن اجزای نماز طوری که بین اجزاء فاصله نگیرد.

۲. اگر به قدری بین اجزای نماز فاصله بیندازد که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل است.

۳. طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره های بزرگ، موالات را به هم نمی زند^۳.

قنوت

مستحب است در رکعت دوم نماز بعد از حمد و سوره و پیش از رکوع، قنوت بخواند، یعنی دستها را بلند کند و مقابل صورت بگیرد و دعا یا ذکر می بخواند^۴.

۱. توضیح المسائل، م ۱۱۰۵.

۲. همان، م ۱۱۰۹ - ۱۱۱۱.

۳. همان، م ۱۱۴ - ۱۱۶.

۴. همان، م ۱۱۱۷.

درس پنجم: مبطلات نماز و برخی از انواع نماز

مبطلات نماز

آن گاه که نماز گزار تکبیره الاحرام می گوید و نماز را شروع می کند تا پایان آن، بعضی از کارها بر او حرام می شود که اگر در نماز، یکی از آنها را انجام دهد نمازش باطل است.

مبطلات نماز عبارتند از:

۱. از بین رفتن یکی از شرطهای نماز؛^۱
۲. پیش آمدن چیزی که وضو یا غسل را باطل می کند؛
۳. خوردن و آشامیدن؛
۴. سخن گفتن؛
۵. خندیدن؛
۶. گریستن؛
۷. روی از قبله برگرداندن؛
۸. کم یا زیاد کردن ارکان نماز؛
۹. بر هم زدن صورت نماز؛
۱۰. دستها را بر هم گذاشتن؛
۱۱. آمین گفتن بعد از حمد؛
۱۲. پیش آمدن یکی از شکهایی که نماز را باطل می کند.^۲

۱. مثلا در بین نماز بفهمد که مکان به جای آوردن نماز غصبی است.

۲. توضیح المسائل، م ۱۱۲۶.

احکام مبطلات نماز

۱. از بین رفتن یکی از شرط های نماز

۱. اگر بین نماز یکی از شرایط صحیح بودن آن از بین برود، مثلاً در بین نماز بفهمد مکانش غصبی است، نمازش باطل است.
۲. اگر در بین نماز وضو باطل شود یا یکی از موجبات غسل پیش آید، نماز باطل است.
۳. اگر نمازگزار در بین نماز خواب برود، نمازش باطل است.
۴. روی از قبله برگرداندن: اگر نماز گزار عمداً به مقداری روی خود را از قبله برگرداند به طوری که نگویند رو به قبله است نمازش باطل است.

۲. سخن گفتن

۱. اگر نماز گزار عمداً کلمه ای بگوید و بخواهد با آن معنایی را برساند، نمازش باطل است.
۲. اگر عمداً کلمه ای بگوید که دو حرف یا بیشتر داشته باشد، هر چند نخواهد با گفتن آن معنایی را برساند بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند.
۳. در نماز نباید به کسی سلام کرد، ولی اگر کسی به نماز گزار سلام کند، واجب است جواب او را بدهد، و باید سلام را مقدم بدارد، مثلاً بگوید: «السلام علیک» یا «السلام علیکم» و نباید «علیه السلام» یا «علیک السلام» بگوید.

۳. خندیدن و گریستن

۱. اگر نماز گزار عمداً با صدا بخندد، نمازش باطل است.
۲. لبخند زدن نماز را باطل نمی کند.
۳. اگر نماز گزار برای کار دنیا عمداً با صدا گریه کند نمازش باطل است.
۴. گریه بدون صدا و گریه از ترس خدا یا برای آخرت - هر چند با صدا باشد - نماز را باطل نمی کند.



درس پنجم: مبطلات نماز و برخی از انواع نماز

۴. بر هم زدن صورت نماز

اگر نمازگزار در بین نماز کاری کند که صورت نماز را بر هم بزند مثل دست زدن، به هوا پریدن و مانند اینها، هر چند از روی فراموشی باشد، نماز باطل می‌شود.^۱

۵. دستها را بر هم گذاشتن

اگر مثل بعضی افراد که شیعه نیستند در حال نماز دستها را روی هم بگذارد نماز باطل است.

۶. آمین گفتن

اگر بعد از حمد عمداً «آمین» بگوید نماز باطل است ولی اگر سهواً یا از روی تقیه بگوید نمازش باطل نیست.^۲

چگونگی خواندن نماز احتیاط

در مواردی که نماز احتیاط واجب می‌شود، بعد از سلام نماز، بدون آن که صورت نماز را به هم بزند و یا مبطلی از مبطلات نماز را انجام دهد، برخیزد و بدون اذان و اقامه، تکبیر بگوید و حمد بخواند و به رکوع برود و سجود را انجام دهد و تشهد و سلام دهد.^۳

چگونگی سجده سهو

در مواردی که سجده سهو واجب می‌شود، باید بعد از سلام نماز، به سجده رود و بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَهِتْرُ اسْتِ بَگَیوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» و بعد بنشینند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهای بالای را بگوید، سپس بنشینند و تشهد و سلام را به جا آورد.^۴

برخی از مواردی که سجده سهو در آن واجب می‌شود، عبارت است از:

۱. در بین نماز سهواً حرف بزند.

۱. توضیح المسائل، م ۱۱۳۱.

۲. همان، م ۱۱۵۲ - ۱۱۲۶.

۳. در نماز احتیاط نیت را نباید به زبان آورد، سوره و قنوت ندارد، حمد را باید آهسته بخواند.

۴. توضیح المسائل، م ۱۲۵۰.

۲. یک سجده را فراموش کند و در رکوع رکعت بعد یا پس از آن یادش بیاید.
 ۳. در نماز چهار رکعتی شک^۱ بین چهار و پنج در حالت نشسته یا پنج و شش در حالت ایستاده پیش بیاید.

گاه وجوب سجده سهو به احتیاط واجب، است مانند:

۱. تشهد را فراموش کند، پس از نماز باید قضای تشهد را به جا آورد و بنا بر احتیاط واجب دو سجده سهو نیز انجام دهد.
 ۲. بی جا سلام دهد، مثلاً در رکعت سوم نماز چهار رکعتی سهواً سلام دهد^۲.

برخی از انواع نماز

۱. نماز مسافر

در سفر باید نماز چهار رکعتی را، با شرایطی که بیان خواهد شد، قصر (دو رکعت) خواند.
توجه: وجوب قصر فقط در خصوص نمازهای روزانه چهار رکعتی است که عبارت از نمازهای ظهر، عصر و عشاءست، و نماز صبح و مغرب قصر نمی‌شود.

کسی که سفر شغل اوست (یعنی قوام شغل و کار او به سفر است)، مانند راننده، خلبان، کشتیبان، ساربان، چوپان و مانند آنها، در سفر سوم باید نماز را تمام بخواند، ولی در سفر اول و دوم نمازش شکسته است.

توجه: کسی که شغلش سفر نیست، ولی سفر مقدمه شغل اوست، مانند معلم و کارگر و کارمند و سربازی که خودش ساکن شهری است و به مدت دو سه ماه هر ده روز حداقل یک بار برای کار به محل کارش سفر می‌کند، حکم کسی را دارد که سفر شغل اوست.

دانشجو بودن شغل و کار محسوب نمی‌شود؛ از این رو، دانشجویانی که برای تحصیل علم، هفتگی یا روزانه سفر می‌کنند، نمازشان مبتنی بر احتیاط است. بلی، اگر مأمور به تحصیل باشند، مثل معلمان شاغلی که در کنار تدریس، مأمور به تحصیل هستند، نمازشان

۱. برای آشنایی با شکایات نماز ر. ک: همان، م ۱۱۶۵-۱۲۰۰.

۲. همان، م ۱۲۳۶-۱۲۴۲.



درس پنجم: مبطلات نماز و برخی از انواع نماز

تمام خواهد بود.

کسی که رانندگی شغل ثابت و دائمی او نیست، ولی برای مدت کوتاهی وظیفه رانندگی به او محول می‌شود، مثل سربازانی که وظیفه رانندگی را در پاسگاه‌ها و غیر آن بر عهده می‌گیرند، اگر از نظر عرف، رانندگی در آن مدت موقت حداقل دو سه ماه شغل آنها محسوب شود، حکم دیگر رانندگان را خواهند داشت.

رفت و برگشت اگر در نظر عرف، یک سفر محسوب شود، مثل استادی که از وطن برای تدریس به شهری سفر کرده و هنگام عصر یافردای آن روز به مبدأ بر می‌گردد؛ در این صورت، رفت و برگشت، سفر اول محسوب می‌شود و اگر عرفاً یک سفر محسوب نشود، مثل راننده‌ای که برای حمل کالا به مقصدی حرکت کرده و از آنجا به مکان دیگری برای حمل مسافر یا کالای جدید سفر نماید و سپس، به وطن مراجعت می‌کند؛ در این صورت، سفر اول با رسیدن به مقصد تمام می‌شود.

کسی که شغلش مسافرت است، اگر برای کار دیگری غیر از شغل خود مسافرت کند، باید مانند دیگر مسافران نماز را شکسته بخواند، ولی اگر سفر به خاطر شغلی که در محل کار دارد باشد و در ضمن آن، اعمال خاصی از قبیل دیدن اقوام و دوستان را هم انجام می‌دهد و گاهی یک یا چند شب هم در آنجا می‌ماند، باعث تغییر حکم سفر شغلی نمی‌شود و نماز تمام است؛ هم‌چنان که، انجام دادن کارهای خصوصی و شخصی در سفر شغلی اداری بعد از پایان کار اداری حکم سفر شغلی را تغییر نمی‌دهد؛

کسی که شغلش مسافرت است، اگر ده روز یا بیشتر در محلی بماند، خواه وطن او باشد یا نه، باید در سفر اولی که بعد از اقامت ده روزه برای کار کردن می‌رود، نمازش را شکسته بخواند.

در این مکان‌ها نماز تمام است:

۱. در وطن؛
۲. در جایی که می‌داند یا بنا دارد ده روز بماند؛
۳. در جایی که سی روز با تردید مانده است، یعنی اگر برای کسی معلوم نیست در

مکانی ده روز یا بیشتر می ماند یا از آنجا می رود و تا سی روز به همین حالت مانده، و جایی هم نرفته است، در این صورت باید بعد از سی روز نماز را تمام بخواند.^۱
برای شناخت وطن به چند مسئله اشاره می شود:

۱. وطن جایی [شهر یا روستایی] است که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده است، خواه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد، که به آن «وطن اصلی» می گویند یا خودش آنجا را برای زندگی اختیار کرده است که به آن «وطن اتخادی» می گویند.

۲. تا وقتی که انسان جایی را برای ماندن همیشگی انتخاب نکرده، وطن او محسوب نمی شود. مگر اینکه بدون قصد، آنقدر بماند که عرفاً وطن او محسوب شود و احراز نظر عرف به عهده مکلف است.^۲

۲. نماز قضا

هر مسلمانی وظیفه خود می داند که نمازهای واجب را در وقت خودش بخواند و چنانچه در وقت معین نخواند باید قضای آن را به جا آورد. اگر عمداً نماز را در وقت خودش نخواند گناه بزرگی مرتکب شده است که باید توبه کند و قضای آن را هم به جا آورد.

اگر مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، نماز ظهر یا عصر یا عشاء از او قضا شود باید آن را دو رکعتی به جا آورد، اگر چه در غیر سفر بخواهد قضای آن را به جا آورد.^۳

۳. نماز جماعت

۱. نماز جماعت، حداقل با دو نفر برپا می شود؛ یک نفر امام و یک نفر مأوم، مگر در نماز جمعه و عید فطر و قربان.

۲. نمازهای مستحب را نمی توان به جماعت خواند، مگر نماز طلب باران.^۴

۱. توضیح المسائل، شرط چهارم.

۲. همان، ص ۱۴۰، س ۶۸۴.

۳. همان، م ۱۳۷۲ - ۱۳۸۶.

۴. همان، م ۱۴۰۸ - ۱۴۶۷.



وظیفه مأموم در نماز جماعت

مأموم نباید «تکبیرة الإحرام» را پیش از امام بگوید، بلکه احتیاط واجب آن است که تا تکبیر امام تمام نشده، تکبیر نگوید^۱.

په‌ونگی پیروی مأموم از امام جماعت

۱. در خواندنی‌ها، مانند ذکر و تشهد، جلو افتادن یا عقب افتادن از او اشکال ندارد، مگر در «تکبیرة الإحرام».

۲. در اعمال، مانند رکوع، سر برداشتن از رکوع و سجده، پیش افتادن از امام جایز نیست. یعنی نباید قبل از امام به رکوع برود یا از رکوع برخیزد، یا به سجده برود ولی عقب افتادن از امام جماعت اگر زیاد نباشد اشکال ندارد.

۳. اگر موقعی که امام جماعت در رکوع است اقتدا کند ممکن است، یکی از این حالت‌ها را داشته باشد:

- قبل از تمام شدن ذکر رکوع امام جماعت به رکوع می‌رسد، نمازش به جماعت صحیح است.

- وقتی به حد رکوع می‌رسد، ذکر رکوع امام تمام شده ولی امام هنوز در حال رکوع است، نمازش به جماعت صحیح است.

- به رکوع رود ولی به رکوع امام هم نرسد نمازش به صورت فردای صحیح است و باید آن را تمام کند^۲.

۴. نماز جمعه

نماز جمعه دو رکعت است، مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه قبل از نماز ایراد می‌شود.

۵. نماز آیات

یکی از نمازهای واجب نماز آیات است که به سبب برخی حوادث آسمانی یا زمینی واجب می‌شود.

۱. همان، م ۱۴۶۷.

۲. همان، م ۱۴۶۷ - ۱۴۷۰.

از جمله حوادثی که موجب می شود، نماز آیات بر مکلف واجب گردد: زلزله، خسوف (ماه گرفتگی)، کسوف (خورشید گرفتگی)، رعد و برق، بادهای زرد و سرخ و مانند آن، اگر بیشتر مردم از آن بادهای بترسند!

نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد.

درس نهم:
محرم و نامحرم

محرم کسی است که ازدواج با او حرام است و در نگاه به او محدودیتی که نسبت به سایر افراد هست، نمی‌باشد.

افرادی که بر پسرها و مردان محرمند

۱. مادر و مادر بزرگ.
 ۲. دختر و دختر فرزند.
 ۳. خواهر.
 ۴. خواهرزاده (دختر خواهر).
 ۵. برادر زاده (دختر برادر).
 ۶. عمه (عمه خودش و عمه پدر و مادرش).
 ۷. خاله (خاله خودش و خاله پدر و مادرش).^۱
- این دسته از افراد به سبب خویشاوندی نسبی با هم محرمند و گروهی دیگر هم به سبب ازدواج بر پسرها و مردها محرم می‌شوند که عبارتند از:

۱. مادر زن و مادر بزرگ او.
۲. دختر زن، هر چند دختر خودش نباشد (اگر با آن زن آمیزش کرده باشد).
۳. زن پدر (نامادری).
۴. زن پسر (عروس).^۲

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۳۵-۲۳۶.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۷۷، م ۱.

به جز افرادی که نوشته شد، دیگر زنها نامحرمند، حتی زن برادر و خواهرزن، گرچه ازدواج با خواهر زن تا مدتی که خواهرش همسر اوست حرام می‌باشد، یعنی ازدواج با دو خواهر جایز نیست، مگر آنکه اولی از دنیا برود یا او را طلاق دهد^۱.

افرادی که بر دخترها و زنان محرمند

۱. پدر و پدربزرگ.
۲. پسر و پسر فرزند (نوه).
۳. برادر.
۴. خواهرزاده (پسر خواهر).
۵. برادر زاده (پسر برادر).
۶. عمو (عموی خودش و عموی پدر و مادرش).
۷. دایی (دایی خودش و دایی پدر و مادرش).

این دسته از افراد به سبب خویشاوندی نسبی محرم هستند و گروهی دیگر هم به سبب ازدواج بر دخترها و زنها محرم می‌شوند که عبارتند از:

۱. شوهر.
۲. پدر شوهر و پدربزرگ او.
۳. پسر شوهر، هر چند فرزند خودش نباشد و نوه او.
۴. شوهر مادر (به شرط آنکه با هم آمیزش کرده باشند).
۵. شوهر دختر (داماد)^۲.

اگر زنی با شرایطی که در کتاب‌های فقهی آمده است بچه‌ای را شیر دهد، آن بچه بر آن زن و افرادی دیگر محرم می‌شود که جهت آشنایی می‌توانید به رساله توضیح المسائل مسأله ۲۴۶۴ مراجعه کنید. به جز افرادی که نوشته شد، دیگر مردها نامحرمند، حتی شوهر

۱. همان، ج ۲، ص ۲۸۰، م ۱۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۶۳-۲۶۴.

خواهر و برادر شوهر^۱.

پیامک‌های افراد نامحرم

به طور کلی، ارتباط با نامحرم (مانند جواب دادن به پیامک تبریک عید یا مناسبت‌های دیگر که از نظر اخلاقی متن آن مشکلی ندارد) که مستلزم مفسده بوده یا خوف ارتکاب گناه در میان باشد، جایز نیست و در غیر این صورت، فی نفسه اشکال ندارد.^۲

ورود به دانشگاه

وارد شدن به مراکز آموزشی برای تعلیم و تعلم اشکال ندارد، ولی بر زنان و دختران حفظ حجاب واجب است و بر مردان هم واجب است از نگاه حرام خودداری نموده و همچنین، از اختلاط، که موجب خوف فتنه و فساد است، اجتناب نمایند.^۳

جوانانی که در مدارس و دانشگاه‌ها مشغول تحصیل هستند و با دختران هم برخورد و ملاقات دارند و به حکم هم کلاسی و هم درس بودن با آنان راجع به مسائل درس و غیر آن گفت و گو می‌کنند که گاهی بعضی از صحبت‌ها با خنده و شوخی همراه است که البته، به قصد ریبه و لذت نیست، اگر همراه با مراعات حجاب و بدون قصد ریبه و همراه با اطمینان به عدم وقوع در مفسد باشد، اشکال ندارد، و الا جایز نیست.^۴

چانه زدن با نامحرم

چانه زدن در معامله با نامحرم با حفظ حدود و ضوابط شرعی مانع ندارد.^۵

مشاوره با نامحرم در خرید و فروش

مشاوره دادن مشتری مرد توسط فروشنده زن با زن توسط مرد در مواردی مثل اینکه چه رنگی به موهای من مناسب است، یا نحوه رژ لب زدن چطور باشد، یا انتخاب شماره کرم‌های روشن‌کننده یا لباس‌های زیر، چنانچه خوف ارتکاب گناه، مانند نگاه حرام، در

۱- همان، ص ۲۷۷، م ۱.

۲- ر.ک. پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای (مدظله‌الوارف)، قسمت پاسخ به سوالات شرعی مخاطبان (توسط حجت الاسلام فلاح زاده) احکام پوشش، س ۲

۳- همان، س ۳.

۴- همان، س ۴.

۵- همان، س ۵.

میان باشد و یا مفسده انگیز باشد، جایز نیست.^۱

فروش لوازم زنانه توسط مرد

فروش مواد آرایشی و لباس های مخصوص زنانه توسط مردان، اگر موجب ترتب مفسد اخلاقی و اجتماعی نباشد، اشکال ندارد.^۲

دست دادن با نامحرم

در اعیاد و دید و بازدیدهایی مانند عید نوروز، خانمها و آقایان نامحرم با یکدیگر دست می دهند و می گویند ما صیغه محرمیت خواندیم! دست دادن با نامحرم جایز نیست. در اسلام چیزی به عنوان محرمیت خواهر و برادری و امثال آن وجود ندارد؛ و تنها راه محرمیت، عقد از دواج دائم یا موقت با مراعات شرایط شرعی است.^۳

حضور در مجلس عروسی

حضور در مجالس عروسی که خالی از رقص نیست، اگر مجلس به گونه ای نباشد که عنوان مجلس لهو و حرام و معصیت بر آن صدق کند و حضور در آن مفسده ای نداشته باشد، حضور و نشستن در آن، در صورتی که عرفاً تأیید عملی که جایز نیست، محسوب نشود، اشکال ندارد.^۴

حضور در مجلس معصیت

گاهی مجالس جشن دسته جمعی از طرف استادان یا دانشگاه کشورهای بیگانه برگزار می شود و از قبل معلوم است که مشروبات الکلی در آن مجالس وجود دارد، حضور در مجالسی که در آنها شراب نوشیده میشود برای هیچ کس جایز نیست، در این محافل شرکت نکنید تا بفهمند که شما به علت مسلمان بودن در مجلس شرب خمر شرکت نموده و مشروب نمی خورید.^۵

شرکت در مجلس معصیت اگر مستلزم ارتکاب حرام، مانند گوش دادن به موسیقی

۱- همان، س ۱۱.

۲- همان، س ۱۶.

۳- همان، س ۲۰.

۴- همان، س ۱۳.

۵- همان، س ۲۱.

لهوی مناسب با مجالس لهو و گناه باشد یا مفسده ای بر آن مترتب شود یا حضور در آن تأیید گناه محسوب شود، جایز نیست.^۱

اگر خروج از مجلس معصیت به عنوان اعتراض مصداق نهی از منکر باشد، واجب است.^۲

رقص در برابر محارم

رقص مردان در برابر زنانی که از محارم آنان هستند و همچنین، رقص زنان در برابر مردانی که از محارم آنان هستند، اعم از اینکه سببی باشند یا نسبی حرام است و در رقص حرام فرقی بین مرد یا زن نیست و همچنین، فرقی نمی‌کند که در برابر محرم باشد یا در برابر نامحرم.^۳

فروش محصولات فرهنگی مبتذل

خرید و فروش و ترویج اموری از قبیل عکس‌ها، کتاب‌ها و مجلاتی که به‌طور آشکار، مشتمل بر امور قبیح و مبتذل نیستند، ولی به‌طور ضمنی منجر به انحراف جوانان و فساد آنان و باعث پیدایش جو فرهنگی فاسدی می‌شوند، جایز نیست و واجب است از آنها اجتناب شود.^۴

فیلم و تصویر زن نامحرم

نگاه کردن به تصویر زن نامحرم، حکم نگاه کردن به خود زن نامحرم را ندارد؛ بنابراین، اگر نگاه از روی لذت نبوده و خوف افتادن به گناه نباشد و تصویر هم متعلق به زن مسلمانی که بیننده آن را می‌شناسد نباشد، اشکال ندارد و بنا بر احتیاط واجب، نباید به تصویر زن نامحرم که به‌طور مستقیم، از تلویزیون پخش می‌شود، نگاه کرد، ولی در پخش غیرمستقیم تلویزیونی اگر ریبه و خوف افتادن به گناه نباشد، نگاه کردن اشکال ندارد.^۵

باتوجه به اینکه دیدن تصاویر زنان برهنه و نیمه برهنه در فیلم‌های سینمایی و غیر آنکه شهوت برانگیز است، غالباً از روی شهوت بوده و به همین دلیل، مقدمه ارتکاب گناه

۱- همان، س ۲۳.

۲- همان، س ۲۴.

۳- همان، س ۲۲.

۴- همان، س ۲۸.

۵- همان، س ۳۳.

می باشد؛ بنابراین، دیدن آنها حرام است.^۱

دیدن فیلم های ایرانی که در آنها زنان با حجاب ناقص ظاهر می شوند، اگر به قصد لذت و ریبه نباشد و موجب وقوع در مفسده هم نگردد، فی نفسه اشکال ندارد، ولی فیلم سازان باید از تهیه و تولید فیلم هایی که با تعالیم ارزشمند اسلامی منافات دارد، خودداری کنند.^۲

نگاه به تصاویر زنان بی حجاب

اگر نگاه کردن به تصاویر زنان بی حجاب و تصاویر مستهجن به قصد ریبه باشد یا انسان بداند که به تحریک شهوت او منجر می شود یا خوف ارتکاب گناه و مفسده باشد؛ در این صورت، نگاه کردن به آنها حرام است.^۳

بوسیدن تصاویر شهدا و امام راحل توسط زن نامحرم

به طور کلی، تصویر شخص حکم خود او را ندارد؛ بنابراین، بوسیدن تصاویر امام و شهدا توسط زنان نامحرم به عنوان احترام و تبرک جستن و اظهار محبت، در صورتی که قصد ریبه و خوف افتادن به گناه نباشد، اشکال ندارد.^۴

۱- همان، س ۳۴.

۲- همان، س ۳۸.

۳- همان، س ۳۶.

۴- همان، س ۳۹.

درس هفتم: احکام رسانه و فضای مجازی

ماهواره

دستگاه آنتن ماهواره ای از این جهت که فقط وسیله ای برای دریافت برنامه‌های تلویزیونی است که هم برنامه‌های حلال دارد و هم برنامه‌های حرام، حکم آلات مشترک را دارد. بنابراین، خرید و فروش و نگهداری آن برای استفاده در امور حرام، حرام است و برای استفاده‌های حلال جایز است، ولی چون این وسیله برای کسی که آن را در اختیار دارد زمینه دریافت برنامه‌های حرام را کاملاً فراهم می‌کند و گاهی نگهداری آن مفسد دیگری را نیز در بردارد، خرید و نگهداری آن جایز نیست، مگر برای کسی که به خودش مطمئن است که استفاده حرام از آن نمی‌کند و بر تهیه و نگهداری آن در خانه اش مفسده ای هم مترتب نمی‌شود، لکن اگر قانونی در این مورد وجود داشته باشد، باید مراعات گردد.^۱

خرید و فروش و نصب قطعات و راه اندازی و تعمیر و فروش قطعات آن (ماهواره) جایز نیست.^۲

شبکه های اجتماعی

به طور کلی، اگر استفاده از شبکه های اجتماعی و مانند آن مستلزم مفسده، مانند ترویج فساد، نشر اکاذیب و مطالب باطل، ضرر به اسلام و مسلمین بوده یا خوف ارتکاب گناه باشد یا برخلاف قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی باشد، جایز نیست و تشخیص موضوع برعهده مکلف است.

۱- همان، س ۱۲۱۳.

۲- همان، س ۱۲۱۷.

چت کردن

چت کردن دختر و پسر با توجه به مفاصدی که غالبا بر آن مترتب است، جایز نیست.^۱

ارتباط با نامحرم در فضای مجازی

به طور کلی، ارتباط با نامحرم، مانند صحبت یا شوخی با نامحرم به شکل صوتی، تصویری یا نوشتاری و نیز فالو یا لایک کردن جنس مخالف در فضای مجازی، که مستلزم مفسده بوده یا خوف وقوع در حرام در میان باشد، جایز نیست.^۲

کپی رایت

در چاپ کتاب احوط این است که حقوق مؤلف و ناشر با کسب اجازه از آنان برای تجدید چاپ رعایت شود.^۳

لازم است در نسخه برداری و تکثیر سی دی حقوق صاحبانش از طریق کسب اجازه از آنان رعایت شود و خرید آن خالی از اشکال نیست و رعایت مقررات و قوانین مربوط به آن لازم است.^۴

شرط بندی

شرط بندی در بازی جایز نیست؛ هرچند بازی با غیر آلات قمار باشد.^۵

شرط بندی سر مسابقه اگر به صورتی نباشد که از بازنده چیزی بگیرند که به برنده بدهند، مانعی ندارد؛ و إلا صورت شرعی ندارد و حرام است.^۶

جایزه پیش بینی نتیجه مسابقات

شرکت در پیش بینی برد و باخت تیم ها اشکال ندارد؛ هرچند احتیاط در ترک آن است، ولی بنا بر احتیاط واجب (برنده) مالک مبلغی که با شرط بندی به او می دهند نمی شود؛ بلکه، اگر صاحب آن مبلغ بعد با یکی از عقود شرعی مانند هبه یا صلح آن را

۱- رک: علی کریمی خوشحال و دیگران، احکام فضای مجازی براساس فتاوی امام خامنه ای (مدظله الوارف).

۲- همان.

۳- امام خامنه ای (مدظله الوارف)، اجوبه الاستفتائات، س ۱۳۴۱.

۴- علی کریمی خوشحال و دیگران، احکام فضای مجازی.

۵- همان.

۶- همان.

تملیک کند، اشکال ندارد.^۱

جایزه مسابقه پیامکی

اگر در قبال شرکت در قرعه کشی چیزی دریافت نشود و کسر نمودن پول در قبال هزینه پیامک باشد فی نفسه اشکال ندارد؛ ولی اگر مبلغی به دلیل شرکت در قرعه کشی کسر می شود؛ به نحوی که با پول شرکت کنندگان جایزه تهیه و به برنده می دهند، صورت شرعی ندارد و همان شرط بندی حرام است.^۲

شرط بندی در بازی رایانه ای

در بازی رایانه ای بین دو گروه شرط می کنند که گروه بازنده هزینه بازی را به صاحب رایانه بپردازد؛ این شرط بندی نیز حرام است.

شرط بندی بین مسابقه دهندگان با هر وسیله ای که موجب تقویت بنیه دفاعی و نظامی است، -اگر چه تفنگ بادی باشد- اشکال ندارد.^۳

احکام نشر اکاذیب

انتشار خبر غیر موثق و هر مطلبی که اطلاعی از صحت و سقم آن در دست نیست، اگر باعث تشویش افکار عمومی یا ریختن آبروی اشخاص شود، جایز نیست، و نشر اکاذیب در هر حال حرام است.^۴

مجرد انتشار احادیث در شبکه های اجتماعی بدون تحقیق از صحت آنها اشکالی ندارد، ولی اگر حدیثی است که فعلا مخالف مصالح عمومی مسلمانان است، انتشار آن جایز نیست.^۵

احکام شایعه پراکنی

از منظر شرعی در خصوص انتشار شایعه و سخنان غیرواقعی در شبکه های اجتماعی،

۱- همان.

۲- همان.

۳- همان.

۴- علی کریمی خوشحال و دیگران، همان، س ۲۷۱ و ۲۷۴.

۵- همان، س ۲۷۲.

اگر این مطالب دروغ و غیر واقعی باشند، نشر آنها حرام است و باید از ارسال چنین مطالبی جداً خودداری شود.^۱ البته، برخی از فقها معتقدند اگر مخاطبان، این سخنان و مطالب را مطابق با واقعیت تلقی کنند، با عنوان‌هایی مانند غیبت، تهمت و مانند آن صدق کند یا مفسده دیگری داشته باشد، جایز نیست.^۲

احکام افشاگری

چنانچه از گناه غیر علنی فرد مشخصی یا از مراجعه به تارنماها و استفاده وی یا از نامه‌های الکترونیکی وی اطلاع حاصل شود، افشای آن حرام است.^۳

احکام بازاریابی شبکه‌ای^۴

شرکت‌های هرمی چندلایه به دو دسته کلی سالم (بازاریابی شبکه‌ای) و ناسالم (دسیسه هرمی) تقسیم می‌شوند. در واقع، بازاریابی شبکه‌ای شاخه‌ای از علم بازاریابی است که هدف آن رساندن کالا از تولیدکننده به دست مصرف‌کننده به‌منظور کاهش هزینه‌های توزیع و تبلیغات است. در این دسته از شرکت‌ها، خطر ناشی از فروش کالا کاهش پیدا می‌کند و تبلیغ محصول نیز از طریق روابط بین فردی، اعتماد به همدیگر و روابط چهره به چهره، که روشی بسیار اثر بخش در بازاریابی است، انجام می‌شود.

دسیسه هرمی نوعی کلاهبرداری می‌باشد که شکل کلی آن به این صورت است که افراد با پرداخت مقداری پول عضو شرکت می‌شوند تا در آینده با به عضویت در آوردن افرادی دیگر و رشد زیرمجموعه خود از مشتریان، به چند برابر سود دست پیدا کنند. در این ساختار، عده زیادی از سرمایه‌گذاران که در انتهای هرم قرار دارند، به عده قلیلی که در بالای هرم جا می‌گیرند، پول پرداخت می‌کنند، بدون آنکه سودی به دست آورند.

یکی از مشکلات اصلی در این نوع از فعالیت اقتصادی آن است که کالای مبادله شده در شبکه، معمولاً فاقد ارزش یا دارای قیمتی بالاتر از قیمت معمول آن در بازار می‌باشد.

حکم بازاریابی شبکه‌ای در فضای مجازی و درآمد از طریق آن، این است که این قبیل

۱- محمود صادقی، فقه و زندگی، شماره ۴۲: احکام شبکه‌های اجتماعی، قم، معروف، ۱۳۹۵، ص ۱۴۷-۱۴۶.

۲- همان.

۳- علی کریمی خوشحال و دیگران، پروژه تحقیقاتی احکام فضای مجازی براساس فتاوی‌ای امام خامنه‌ای (مدظله‌الوارف)، ص ۲۷۷.

۴- همان، ص ۶۴-۷۱.

موارد باید براساس قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و مورد تأیید شورای محترم نگهبان باشد و در صورت نبود قانون مصوب مجلس و مورد تأیید شورای محترم نگهبان، مشروعیت آن ثابت نیست و به بررسی جداگانه و موضوعی نیاز دارد.

خریدوفروش اینترنتی در شرکت های هر می داخلی که مجوز قانونی هم دارند، چنانچه فعالیت اقتصادی مذکور بر طبق آیین نامه ای باشد که به تأیید شورای محترم نگهبان رسیده است، فی نفسه اشکال ندارد.

در مزایده های آنلاین و خصوصاً مزایده به روش Penny Auction قیمت کالاها از یک مبلغ پایه که مدیر سایت تعیین می کند، آغاز می شود و تا زمانی که تایمر معکوس فعال است، شما می توانید به آن کالا امتیاز دهید. پس از واپسین امتیاز به زمان تایمر معکوس زمانی بین ۸ تا ۳۰ ثانیه اضافه می شود تا دیگران هم فرصت امتیاز دادن داشته باشند. زمانی که تایمر صفر شد، نام کاربری کسی که به عنوان واپسین امتیاز دهنده بود، در زیر آن کالا نوشته شده می شود و او برنده آن کالا است. چنین مواردی منع شرعی ندارد و در صورتی که به واپسین پیشنهاد دهنده بر موازین شرعی فروخته شود، معامله صحیح است. حکم دلالی در فضای مجازی که در آن هیچ فعالیت فیزیکی انجام نمی شود، ولی حق دلالی گرفته می شود، این است که اگر هیچ گونه فعالیت حتی در فضای مجازی صورت نگیرد، دلالی نخواهد بود و مزد گرفتن وجهی ندارد، ولی چنانچه فعالیت، ولو در فضای مجازی، بر آن اطلاق شود و منع شرعی و قانونی نداشته باشد، اشکالی ندارد.

احکام فروشگاه های اینترنتی

معامله اینترنتی که از اقسام تجارت الکترونیک محسوب می شود، از جایگاه مهمی در بازارهای جهانی برخوردار است؛ به گونه ای که، امروزه بیشتر افراد و شرکت ها به خاطر مزایایی که خریدوفروش اینترنتی دارد، ترجیح می دهند از این طریق اقدام به معامله کنند. درباره حکم شرعی این گونه معاملات، در صورتی که طرفین شرایط معامله صحیح و واقعی را داشته باشند و تجهیزات الکترونیکی صرفاً ابزار معامله باشند، خرید و فروش جایز است و در صورت خرید از تارنماهای خارجی باید منع قانونی نداشته باشد. در صورتی که، فرد

اقدام به خرید اینترنتی کند و بنا بر این باشد که پول را زمان تحویل پرداخت کند، ولی هنگامی که جنس را برای او می‌آورند، درب (خانه) را باز نکنند، ضامن است.

در خرید اینترنتی، با توجه به اینکه فرد مال مورد خریداری را ندیده است، فقط عکس آن، یا عکس تبلیغاتی آن کالا را دیده است، ولی پول را همان موقع پرداخت می‌کند و مال بعد از طریق پست به دست او می‌رسد، اگر خصوصیات مال مورد معامله را بداند و ابهام و غرری در کار نباشد، اشکال ندارد.

در معاملات اینترنتی، گاه جنس خریداری شده توسط پیک ارسال می‌شود و بین راه آسیب می‌بیند یا تلف می‌شود، در این صورت، اگر پیک وکالت از طرف خریدار تحویل می‌گیرد و بدون قصور و تقصیر وی تلف شود، فروشنده و پیک ضامن نیست و از جیب خریدار رفته است؛ ولی اگر پیک قصور و تقصیری داشته باشد، او ضامن است. و در صورتی که پیک صرف واسطه در ایصال است و قصور و تقصیری نداشته باشد، از مال فروشنده رفته است و خریدار ضامن نیست.

احکام تبلیغات اینترنتی

فروش محل های تبلیغ در کانال های شبکه های اجتماعی تابع قوانین و مقررات دولت جمهوری اسلامی است؛ بنابراین، کسب درآمد از طریق قبول تبلیغات در فضای مجازی، مانند تبلیغ صفحه شخصی افراد در صفحه شبکه مجازی خود و دریافت پول در ازای آن، در صورتی که خلاف قانون نباشد و مستلزم مفسده هم نباشد، اشکال ندارد.

پولی که از طریق ساخت انیمیشن های تبلیغاتی برای بار گذاری در فضای مجازی به دست می‌آید، در صورتی که مفسده ای نداشته باشد، فی نفسه اشکال ندارد. البته، اگر قانونی در این زمینه وجود دارد، باید رعایت شود.

ارسال پیام تبلیغاتی در کانال هایی که اعضای زیادی دارند، در ازای دریافت پول، در صورت اعلام رضایت کاربران اشکالی ندارد، ولی باید منع قانونی نیز نداشته باشد و موجب مفسده نشود.



احکام ورود به اینترنت و رشد ارزش مالی سایت

به گفته کارشناسان، با هر بار ورود به برخی از تارنماها مانند تارنمای بازی‌های رایانه‌ای آنلاین با استفاده از شبکه‌های اجتماعی غربی، ارزش مالی این تارنماها و سهام شرکت‌های آنها بالا می‌رود، اگر خلاف قانون نبوده و مفسده‌ای نداشته باشد، اشکالی ندارد، ولی اگر به نحوی کمک به دشمنان در حال جنگ با مسلمانان باشد، جایز نیست. بنابراین، اگر شخص علم و یقین داشته باشد که ورود و عضو شدن او سبب رشد دشمنان اسلام، مانند صهیونیسم و رژیم اشغالگر قدس می‌شود، جایز نیست.

احکام مالی بازی‌ها (بازی‌های برخط و برون خط)

براساس قانون جرایم رایانه‌ای، فروش بازی‌های رایانه‌ای که دارای محتوای مجرمانه هستند، جرم است و مجازات دارد.

خرید و فروش و پول دادن در قبال بازی‌های رایانه‌ای دارای مطالب انحرافی یا صحنه‌های تحریک‌کننده، حرام است و باید از این کار جدا اجتناب شود و در آمد آن نیز حرام می‌باشد.

تولید، بومی‌سازی، توزیع، فروش، نصب، خرید، اشاعه و استفاده از بازی‌های رایانه‌ای که در آن به طور مشخص به مظاهر و هنجارهای اسلامی یا ملی و وحدت‌آفرین یا قومیتی و... توهین، هجو یا استهزا شده، افزون بر اشاعه منکرات باعث هتک مظاهر اسلامی می‌گردد و حکم دریافت و پرداخت مصداق اکل مال به باطل حساب می‌شود.

در برخی از بازی‌های آنلاین، برای اینکه شخص به مراحل بعدی برود، باید برخی از امکانات بازی را از تارنمای این بازی‌ها خریداری کند؛ انجام دادن این‌گونه از بازی‌ها جایز است، چراکه صرف خروج پول از کشور موجب حرمت بازی نمی‌شود.

درس هشتم:
مسائل مورد نیاز و جدید
(احکام مبتلابه و پیرکاربرد)

شطرنج و آلات قمار

۱. اگر مکلف تشخیص دهد که در حال حاضر شطرنج از آلات قمار محسوب نمی‌شود، ساخت، خرید و فروش، بازی با آن بدون شرط بندی و آموزش آن اشکال ندارد^۱.
۲. بازی با ورق و پاسور و هر چیزی که مکلف تشخیص دهد از آلات قمار است یا در آن شرط بندی شود حرام است. و بازی با هر وسیله ای که جزء آلات قمار به حساب نیاید، بدون شرط بندی اشکال ندارد^۲.

موسیقی و غنا

۱. هر موسیقی که به نظر عرف موسیقی لهوی و مطرب، که مناسب با مجالس عیش و نوش و گناه و خوش گذرانی است، باشد موسیقی حرام محسوب می‌شود و فرقی نمی‌کند کلاسیک باشد یا غیر کلاسیک، اعم از اینکه مهیج باشد یا خیر و موجب ایجاد حزن و اندوه و حالات دیگر در شنونده بشود یا خیر^۳.
۲. موسیقی لهوی و مطرب آن است که به سبب ویژگی‌هایی که دارد انسان را از خداوند متعال و فضایل اخلاقی دور نموده، به سمت بی بندوباری و گناه سوق دهد و مرجع تشخیص موضوع عرف است^۴.
۳. غنا عبارت است از صدای انسان در صورتی که با ترجیع و طرب همراه بوده، مناسب

۱. اجوبه الاستفتاءات، س ۱۱۱۸.

۲. همان، س ۱۱۲۱-۱۱۲۳.

۳. همان، س ۱۱۲۸ و ۱۱۳۲.

۴. همان، س ۱۱۳۰.



درس هشتم: مسائل مورد نیاز و جدید

مجالس لهو و گناه باشد که خواندن به این صورت و گوش دادن به آن حرام است.^۱

رقص

۱. رقص به طور کلی اگر به گونه ای باشد که شهوت را تحریک کند یا مستلزم فعل حرام یا ترتب مفسده ای باشد حرام است.^۲
۲. در رقص حرام فرقی بین مرد یا زن نیست و همچنین فرقی نمی کند که در برابر محرم باشد یا نامحرم.^۳
۳. اگر رقص زن برای شوهرش یا برعکس، همراه ارتکاب حرامی نباشد، اشکال ندارد.^۴

دست زدن

به طور کلی کف زدن فی نفسه به نحو متعارف در جشن های اعیاد یا برای تشویق و تایید و مانند آن اشکال ندارد ولی بهتر است فضای مجالس دینی به ویژه مراسمی که در مساجد و حسینیه ها و نمازخانه ها برگزار می شود، به ذکر صلوات و تکبیر معطر گردد تا انسان به ثواب آنها برسد.^۵

احکام نگاه کردن

۱. زن و شوهر به تمام بدن یکدیگر می توانند نگاه کنند، هر چند برای لذت بردن باشد.^۶
۲. به جز زن و شوهر، نگاه کردن هر فرد انسانی به فرد دیگر، اگر برای لذت بردن باشد، حرام است، خواه همجنس باشد؛ مانند نگاه مرد به مرد دیگر، و یا غیرهمجنس؛ مانند نگاه مرد به زن، و خواه از محارم باشد و یا غیر محارم و به هر جای بدن باشد، همین حکم را دارد.

۱. همان، س ۱۱۳۳.

۲. همان، س ۱۱۶۷.

۳. همان، س ۱۱۷۸.

۴. همان، س ۱۱۷۲.

۵. همان، س ۱۱۸۲.

۶. تحریر الوسیله، م ۱۵.

۳. نگاه کردن به وجه و کفین (صورت و دستها تا مچ دست) خانم مسلمانی که حجاب خود را کاملاً رعایت کرده است، به دو شرط اشکال ندارد: ۱. وجه و کفین زینت نشده باشد. ۲. نگاه به قصد لذت و ریبه نباشد.^۱

۴. نگاه کردن به خانم مسلمانی که حجاب خود را رعایت نکرده، جایز نیست. به طور کلی نگاه کردن به بدن زن نامحرم حرام است چه آن زن بفهمد یا نفهمد، کور باشد یا بینا، نامحرم، فامیل باشد (مثل زن برادر، زن عمو، دختر عمو و دختر دایی) یا غریبه باشد حتی اگر بدون لذت و ریبه نگاه کند، حرام است.^۲

فیلم و عکس

۱. نگاه کردن به تصویر زن نامحرم، حکم نگاه کردن به خود زن نامحرم را ندارد. بنابراین اگر نگاه از روی لذت نبوده و خوف افتادن به گناه نباشد و تصویر هم متعلق به زن مسلمانی که بیننده آن را می شناسد نباشد، اشکال ندارد و بنابر احتیاط واجب نباید به تصویر زن نامحرم که به طور مستقیم از تلویزیون پخش می شود، نگاه کرد ولی در پخش غیر مستقیم تلویزیونی اگر ریبه و خوف افتادن به گناه نباشد، نگاه کردن اشکال ندارد.^۳

۲. برنامه‌هایی که از طریق ماهواره های غربی پخش می شود و همچنین برنامه‌های تلویزیونی بیشتر دولت های مجاور، در بر دارنده آموزش افکار گمراه کننده و تحریف حقایق و لهو و فساد هستند و غالباً مشاهده آنها سبب گمراهی و فساد و ارتکاب کارهای حرام می گردد، بنابراین دریافت و دیدن آنها جایز نیست.^۴

آنتن های ماهواره ای

دستگاه آنتن ماهواره ای از این جهت که وسیله ای برای دریافت برنامه‌های تلویزیونی است که هم برنامه های حلال دارد و هم برنامه های حرام، حکم آلات مشترک را دارد؛

۱. احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، مطابق فتاوی مراجع معظم تقلید، سید مسعود معصومی، ص ۴۲.

۲. همان، ص ۵۴.

۳. اجوبه الاستفتانات، س ۱۱۸۳.

۴. همان، س ۹۷.

از این رو خرید و فروش و نگهداری آن برای استفاده در امور حرام، حرام است و برای استفاده‌های حلال، جایز است. ولی چون این وسیله برای کسی که آن را در اختیار دارد زمینه دریافت برنامه‌های حرام را فراهم می‌کند و غالباً از آن بهره‌برداری حرام می‌شود و نگهداری آن در خانه، مفاسد دیگری را نیز به دنبال دارد، خرید و نگهداری آن جایز نیست؛ مگر برای کسی که اطمینان دارد از آن بهره‌برداری حرام نمی‌کند و نصب آن در خانه نیز مفاسد دیگری را در بر ندارد اما اگر قانونی در این مورد وجود داشته باشد، باید مراعات گردد^۱.

نقاشی و مجسمه سازی

ساخت مجسمه و نقاشی و ترسیم موجودات بی روح اشکال ندارد. و همچنین نقاشی و ترسیم چهره موجودات دارای روح، اگر بدون برجستگی باشد یا مجسمه آنها که به صورت غیر کامل باشد، اشکال ندارد، ولی ساخت مجسمه انسان یا سایر حیوانات به صورت کامل اشکال دارد. اما خرید و فروش و نگهداری نقاشی و مجسمه جایز است و ارائه آنها در نمایشگاه هم اشکال ندارد^۲.

سحر و شعبده و احضار ارواح و جن

سحر و جادو از کسی سر می‌زند که با ارتکاب گناه و معصیت و توهین به مقدسات اسلامی، شیاطین را خشنود و آنها را مطیع و فرمانبردار خود می‌سازد و جادوی اینها هیچ بهره‌ای از حقیقت ندارد و قادر به شکستن قانون طبیعی جهان نیست بلکه سحر آنها نوعی خیال افکنی، ظاهر آرای، دروغ بافی و به‌کارگیری حیل‌های ظریف است. ساحران، افرادی فاسق، ماجراجو و فتنه‌انگیز هستند و در میان افراد جامعه، جنگ و درگیری و عداوت و دشمنی ایجاد می‌کنند و برای جامعه مشکل ساز هستند.

علم سحر و یاد گرفتن آن حرام است. مگر آنکه به منظور غرض عقلایی و مشروع باشد^۳.

۱. همان، س ۱۲۹.

۲. همان، س ۱۳۵.

۳. همان، س ۱۴۵.

یاد دادن و یاد گرفتن شعبده حرام است، ولی بازی هایی که همراه با سرعت حرکت و تردستی هستند و از انواع شعبده محسوب نمی شوند، اشکال ندارد.^۱
احضار ارواح و ملائکه و جن، بر حسب اختلاف موارد و وسایل و اغراض، احکام مختلفی دارد.^۲

هیپنوتیزم

به طور کلی یادگیری هیپنوتیزم و استفاده از آن به غرض عقلایی حلال و قابل ملاحظه، اشکال ندارد به شرط اینکه با رضایت و موافقت کسی باشد که می خواهد به خواب مصنوعی برود و نیز به این شرط که ضرر قابل توجهی برای او نداشته باشد و همراه با کار حرامی هم نباشد.^۳

مأمور خرید و فروش

پرداخت اموالی که بعضی از فروشندگان به مأموران خرید ادارات یا شرکتها، بدون آنکه آنها را به قیمت تثبیت شده اضافه کنند بلکه به خاطر برقرار کردن ارتباط، می پردازند، جایز نیست و برای مأمور هم دریافت آنها جایز نیست. و آنچه را که دریافت می کند باید به اداره یا شرکتی که مأمور خرید آن است، تسلیم کند.^۴

لباس شهرت

لباس شهرت، لباسی است که پوشیدن آن برای شخص، به خاطر رنگ یا کیفیت دوخت یا مندرس بودن یا نحوه پوشیدن آن و علل دیگر مناسب نیست، به طوری که اگر آن را در برابر مردم بپوشد توجه مردم را به خود جلب نموده، انگشت نما شود و موجب فساد و

۱. همان، س ۱۴۳.

۲. همان، س ۱۴۵.

۳. همان، س ۱۴۸-۱۴۹.

۴. همان، س ۱۶۴.

ارتکاب حرام گردد، جایز نیست.^۱

اگر زنجیر از طلا یا از چیزهایی باشد که استفاده از آنها مخصوص زنان است، انداختن آن برای مردان جایز نیست.

پوشیدن کروات و دیگر لباس‌هایی که پوشش و لباس غیرمسلمانان محسوب می‌شود، به‌طوری که پوشیدن آنها منجر به ترویج فرهنگ منحط غربی شود، جایز نیست.^۲

تجسس و خبرچینی و افشای اسرار

اگر فردی مسئول حمایت و حفظ بیت المال و اموال دولتی است از اختلاس آن اموال به دست یکی از کارمندان یا غیر او مطلع شود، از نظر شرعی و قانونی مکلف است برای احقاق حق، اطلاعات خود را در این زمینه به نهادهای مرتبط ارائه دهد و ترس از بین رفتن آبروی متهم از نظر رسمی، مجوزی برای کوتاهی از احقاق حق جهت حفظ بیت المال محسوب نمی‌شود و افراد دیگر، گزارشات خود را مستنداً به مسئولان مربوط ارائه دهند تا ایشان بعد از تحقیق و تفحص و اثبات مطلب، اقدام نمایند.^۳

تراشیدن ریش

۱. تراشیدن ریش، بنابر احتیاط حرام است و احوط این است که احکام و آثار فسق بر آن مترتب می‌شود.

۲. معیار در کوتاهی و بلندی ریش آن است که از نظر عرف گذاشتن ریش صدق بکند.

۳. بنابر احتیاط، گرفتن اجرت در برابر تراشیدن ریش، حرام است.^۴

۱. همان، س ۲۷۵.

۲. همان، س ۲۹۳.

۳. همان، س ۳۰۲.

۴. همان، س ۳۲۸ و ۳۲۶.

مقررات رانندگی

مخالفت با قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی و به طور کلی، همه قوانین و دستورهای دولت اسلامی که به طور مستقیم، در مجلس شورای اسلامی وضع شده و مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته اند یا با استناد به اجازه قانونی نهادهای مربوط وضع شده‌اند، برای هیچ کس جایز نیست و در صورت تحقق مخالفت از طرف فردی، بر دیگران تذکر و راهنمایی و نهی از منکر لازم است (البته با وجود شرایط نهی از منکر).^۱

احکام بانک‌ها

وام‌هایی را که بانک برای خرید یا ساخت یا تعمیر خانه می‌دهد و به صورت اقساط پس می‌گیرد، ولی مجموع قسط‌های دریافتی بیشتر از مبلغی است که به وام‌گیرنده داده شده است، اگر طبق یکی از عقود صحیح شرعی مانند شرکت یا جعاله یا اجاره و امثال آن باشد، اشکالی در صحت آن نیست؛^۲

سودی که بانک‌ها به سپرده‌های مردم بین سه تا بیست درصد می‌دهند، اگر از درآمد حاصل از به‌کارگیری سپرده به وکالت از سپرده‌گذار در ضمن یکی از عقود شرعی صحیح باشد، ربا نیست، بلکه سود معامله شرعی است و اشکال ندارد؛^۳

معاملات بانکی که بانک‌ها براساس قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و مورد تأیید شورای محترم نگهبان انجام می‌دهند، اشکال ندارد و محکوم به صحت است و سود حاصل از به‌کارگیری سرمایه براساس یکی از عقود صحیح اسلامی، شرعاً حلال است؛^۴

اگر سپرده‌گذاری در بانک به این صورت باشد که سپرده‌گذار همه اختیارات را به بانک داده باشد، حتی در انتخاب نوع فعالیت و تعیین سهم سپرده‌گذار از سود هم وکالت را به بانک داده باشد، این سپرده‌گذاری و سود حاصل از به‌کارگیری پول در معامله حلال شرعی، اشکال ندارد.^۵

۱- ر. ک: همان، س ۱۹۸۷.

۲- همان، س ۱۹۱۳.

۳- همان، س ۱۹۱۴.

۴- همان، س ۱۹۲۲.

۵- همان، س ۱۹۲۶.

سرمایه مضاربه امانتی از طرف مالک آن (مانند بانک) در دست عامل است و او حق ندارد تصرفی در آن کند، مگر برای تجارت با آن، به همان صورتی که توافق کرده‌اند؛ در نتیجه، اگر آن را یکجانبه در کار دیگری، مانند خرید خانه یا ماشین و... مصرف کند، در حکم غصب است.^۱

اگر کسی اموال خود را به عنوان قرض و به شرط سود یا مبتنی بر آن در حساب پس انداز بانک گذاشته باشد، گرفتن سود آن جایز نیست، زیرا این سود همان رباست که از نظر شرعی حرام است و اگر به قصد به کارگیری آن در یکی از معاملات حلال نزد بانک سپرده گذاری کرده باشد، گرفتن سود آن اشکال ندارد.^۲

جایزه‌های بانکی

دریافت جوایزی که به پس اندازهای قرض الحسنه تعلق می‌گیرد، اشکال ندارد و خمس هم واجب نیست.^۳

احکام چک

فروش چک مدت‌دار به دیگری به کمتر یا بیشتر از مبلغ مندرج در چک جایز است و اشکال ندارد. آنچه اشکال دارد و جایز نیست این است که مبلغی از کسی قرض بگیرد و در برابر آن چک مدت‌دار به مبلغ بیشتر از مبلغ قرض به وی بدهد. این عمل قرض ربوی بوده و حرام است؛ اگر چه بعید نیست اصل قرض صحیح باشد.^۴

احکام بیمه

بیمه عمر شرعاً مانعی ندارد.^۵

۱- همان، س ۱۹۳۱.

۲- همان، س ۱۹۳۳ و س ۱۹۳۵.

۳- همان، س ۱۹۴۶.

۴- همان، س ۱۹۵۰.

۵- همان، س ۱۹۵۲.

استفاده از دفترچه بیمه درمانی فقط برای کسی جایز است که شرکت بیمه نسبت به ارائه خدمات به او تعهد کرده است و استفاده دیگران از آن موجب ضمان است.^۱

احکام بیت المال

کسی که در دوران تحصیل در مدرسه یا دانشگاه استفاده بی مورد از وسایل، اعم از گچ، ماژیک، آب و... کرده و همچنین، کارهایی را انجام داده که باعث آسیب رساندن به بیت المال می‌شود (مانند نوشتن روی میزها و...) ضامن است و مقدار ضرر یقینی را باید به بیت المال بازگرداند.

استفاده کردن کارمندان از امکانات بیت المال در ساعات رسمی کار به مقدار متعارفی که مورد ضرورت و نیاز است و شرایط کاری بیانگر اذن به کارمندان در این مقدار از استفاده است، اشکال ندارد و همچنین، استفاده کردن از امکانات بیت‌المال با اذن کسی که از نظر شرعی و قانونی حق اذن دارد، بدون اشکال است، ولی اگر از اموال بیت المال استفاده غیر متعارف کرده باشید یا بدون اذن کسی که حق اذن دارد، بیشتر از مقدار متعارف استفاده نمایید، ضامن آن هستید و باید عین آن را، اگر موجود باشد، به بیت المال برگردانید و اگر تلف شده باشد، باید عوض آن را بدهید و همچنین، باید اجرت المثل استفاده از آن را هم، در صورتی که اجرت داشته باشد، به بیت‌المال بپردازید.^۲

۱- همان، س ۱۹۵۳.

۲- همان، س ۱۹۵۶.

جھنٲ مٲالعب مشٲر



آشناٲ باحضرات معصومين (عليهم السلام)

كرامات امام رضا (عليه السلام)

الگوهاے مانگار اٲثار وشهادت

تاریخ ولادت	نام مادر	نام پدر	کنیه	لقب	نام مبارک	چهارده معصوم
۱۷ ربیع الاول عام الفیل	آمنه	عبدالله	أبو القاسم	مصطفى	محمد	۱. خاتم الأنبياء
۱۳ رجب ۱۰ سال قبل بعثت	فاطمه بنت اسد	ابوطالب	أبو الحسن	مرتضى	علی	۲. امام اول
۲۰ جمادی الاخر ۵ بعثت	خدیجه	محمد	أم ایها	زهرا	فاطمه	۳. سیده النساء
۱۵ رمضان ۳ هجرى	فاطمه	علی	أبو محمد	مجتبى	حسن	۴. امام دوم
۳ شعبان ۴ هجرى	فاطمه	علی	أبو عبدالله	سید الشهداء	حسین	۵. امام سوم
۵ شعبان ۳۸ هجرى	شهربانو	حسین	أبو محمد	سجاد	علی	۶. امام چهارم
۳ صفر یا ۱ رجب ۵۷ هجرى	فاطمه بنت الحسن	علی	أبو جعفر	باقر	محمد	۷. امام پنجم
۱۷ ربیع الاول ۸۳ هجرى	ام فروه	محمد	أبو عبدالله	صادق	جعفر	۸. امام ششم
۷ صفر ۱۲۸ هجرى	حمیده	جعفر	أبو الحسن	کاظم	موسى	۹. امام هفتم
۱۱ ذی القعدة ۱۴۸ هجرى	نجمه	موسى	أبو الحسن	رضا	علی	۱۰. امام هشتم
۱۰ رجب ۱۹۵ هجرى	سبیکه	علی	أبو جعفر	جواد	محمد	۱۱. امام نهم
۱۵ ذی الحجه ۲۱۲ هجرى	سمانه	محمد	أبو الحسن	هادی	علی	۱۲. امام دهم
۸ ربیع الثانی ۲۳۲ هجرى	سوسن	علی	أبو محمد	عسکری	حسن	۱۳. امام یازدهم
۱۵ شعبان ۲۵۵ هجرى	نرجس	حسن	أبو القاسم	مهدی	محمد	۱۴. امام دوازدهم

محل ولادت	مدت امامت	مدت عمر	تاریخ شهادت	نام قاتل - سبب شهادت	محل دفن
مکه	۲۳ سال	۶۳ سال	۲۸ صفر ۱۱ هجری	زن یهودی بازهر	مدینه
مکه	۳۰ سال	۶۳ سال	۲۱ رمضان ۴۰ هجری	ابن ملجم ضربت شمشیر	نجف
مکه	-----	۱۸ سال	۱۳ جمادی الاول یا ۳ جمادی الثانی ۱۱ هجری	صدمات وارده توسط ظالمان	مدینه
مدینه	۱۰ سال	۴۷ سال	۲۸ صفر ۵۰ هجری	جعده بازهر	مدینه ، بقیع
مدینه	۱۰ سال	۵۷ سال	۱۰ محرم ۶۱ هجری	شمر بدستور یزید در واقعه کربلا	کربلا
مدینه	۳۴ سال	۵۷ سال	۱۲ یا ۲۵ محرم ۹۵ هجری	ولید بن عبدالملک بازهر	مدینه ، بقیع
مدینه	۱۹ سال	۵۷ سال	۷ ذی الحجه ۱۱۴ هجری	هشام بن عبدالملک بازهر	مدینه ، بقیع
مدینه	۳۴ سال	۶۵ سال	۲۵ شوال ۱۴۸ هجری	منصور عباسی بازهر	مدینه ، بقیع
ابواء (بین مکه و مدینه)	۳۵ سال	۵۵ سال	۲۵ رجب ۱۸۳ هجری	هارون بازهر	کاظمین
مدینه	۲۰ سال	۵۵ سال	آخر صفر ۲۰۳ هجری	مامون بازهر	مشهد
مدینه	۱۷ سال	۲۵ سال	آخر ذی القعدة ۲۲۰ هجری	ام الفضل بازهر	کاظمین
مدینه	۳۳ سال	۴۲ سال	۳ رجب ۲۵۴ هجری	معتز عباسی بازهر	سامرا
مدینه	۶ سال	۲۸ سال	۸ ربیع الأول ۲۶۰ هجری	معتد عباسی بازهر	سامرا

امام زمان (عج) زنده و از نظرها غایب است. ضمن دعا برای تعجیل فرج آن بزرگوار، با خودسازی و مبارزه با ظلم و فساد، زمینه ظهور حضرتش را فراهم کنیم تا جهان را با رهبری خود، پر از عدل و داد فرماید.

سامرا



کرامات امام رضا (عليه السلام)

هشتمین اختر تابناک امامت و ولایت با حضورش در ایران زمین، برکات مادی و معنوی زیادی برای جهان تشیع به ویژه مردم ایران زمین، به ارمغان آورد و این برکات و کرامات پس از شهادت ایشان، باز ادامه داشت. در زمان حیات امام رضا (عليه السلام)، مناظرات علمی ایشان از یک سو و تشکیل کلاس‌های درس در منزل و مسجد مرو، و نقل احادیث و مباحث دقیق علمی و عقلی در خصوص علوم مختلف و معارف دینی و اسلامی، از سوی دیگر، موجب رشد و گسترش تشیع گردید. پس از شهادت امام رضا (عليه السلام)، محبّان و شیعیان آن حضرت، متوجه زیارت آن امام (عليه السلام) شدند و تدریجاً فضاهای زیارتی و عبادی در مشهدالرضا پدیدار گردید و اصناف و اقشار مختلف مردم به ویژه علمای شیعه در آن سکنی گزیدند و بانیان خیر به پیروی از شخصیت همه جانبه و والای امام رضا (عليه السلام)، قسمتی از مایملک و دارایی خود را وقف آستان مقدس رضوی نمودند و در کنار بارگاه ملکوتی امام (عليه السلام)، امکانات آموزشی، رفاهی و بهداشتی - درمانی، فراهم نمودند.

با تاکید بر اینکه براساس مستندات و شواهد تاریخی و عینی و روایات اهل بیت (علیهم السلام)، آثار و نتایج حضور امام رضا (عليه السلام) و بارگاه شریفشان در ایران، فقط محدود به برکات



دنیوی و یا اخروی نمی‌شود؛ در این بخش از کتاب، دو نمونه از کرامات امام رضا (علیه السلام) را نقل می‌کنیم:

آیت ا... العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی (رحمة الله علیه):

شب اول خاک‌سپاری آیت ا... شیخ مرتضی حائری (رحمة الله علیه)، برایش نماز «شب قبر» خواندم. بعدش هم سوره‌ی یاسین قرائت کردم و ثوابش را به روح آن عالم هدیه نمودم. چند شب بعد او را در عالم خواب دیدم. حواسم بود که از دنیا رفته است. کنجکاو شدم که بدانم در آن طرف مرز زندگی دنیایی چه خبر است؟ پرسیدم: آقای حائری، اوضاعتان چطور است؟

آقای حائری که راضی و خوشحال به نظر می‌آمد، رفت توی فکر، و پس از چند لحظه، انگار که از گذشته‌ای دور صحبت کند، شروع کرد به تعریف نمودن: «... وقتی از خیلی مراحل گذشتم، همین که بدن مرا در درون قبر گذاشتند، روحم به آهستگی و سبکی از بدنم خارج شد و از آن فاصله گرفت. درست مثل این که لباسی را از تنت در آوری! کم کم دیگر بدن خودم را از بیرون و به طور کامل می‌دیدم. خودم هم مات و مبهوت شده بودم، این بود که رفتم و گوشه‌ای نشستم و زانوی غم و تنهایی در بغل گرفتم.

ناگهان متوجه شدم که از پایین پاهایم، صداهایی می‌آید، صداهایی رعب آور و وحشت‌افزا! صداهایی نامأنوس که موهایم را بر بدنم راست می‌کرد. به زیر پاهایم نگاهی انداختم. از مردمی که مرا تشییع و تدفین کرده بودند، خبری نبود. بیابانی بود برهوت با افقی بی‌انتهای و فضایی سرد و سنگین و دو نفر داشتند از دور دست به من نزدیک می‌شدند. تمام وجودشان از آتش بود. آتشی که زبانه می‌کشید و مانع از آن می‌شد که بتوانم چشمانشان را تشخیص دهم. انگار داشتند با هم حرف می‌زدند و مرا به یکدیگر نشان می‌دادند. ترس تمام وجودم را فرا گرفت و بدنم شروع کرد به لرزیدن. خواستم جیغ بزنم ولی صدایم در نمی‌آمد. تنها دهانم باز و بسته می‌شد و داشت نفسم بند می‌آمد. بدجوری احساس بی‌کسی و غربت کردم؛ خدایا به فریادم برس! خدایا نجاتم بده، در اینجا جز تو کسی را ندارم...

همین که این افکار را از ذهنم گذرانیدم متوجه صدایی از پشت سرم شدم. صدایی



دل نواز، آرامش بخش و روح افزا و زیباتر از هر موسیقی دلنشین! سرم را که بالا بردم و به پشت سرم نگریستم، نوری را دیدم که از آن بالا بالاهاى دور دست به سوى من مى آمد. هر چقدر آن نور به من نزدیک تر مى شد آن دو نفر آتشین عقب تر و عقب تر مى رفتند تا این که بالاخره ناپدید گشتند. نفس راحتی کشیدم و نگاه دیگری به بالای سرم انداختم. آقایی را دیدم از جنس نور، نوری چشم نواز و آرامش بخش. ابهت و عظمت آقا مرا گرفته بود و نمى توانستم حرفى بزنم و یا حتى تشکری بنمایم. اما خود آقا که گل لبخند بر لبان زیبایش شکوفا بود، سر حرف را باز کرد و پرسید: آقای حائری! ترسیدی؟

من هم به حرف آمدم که: بله آقا ترسیدم، آن هم چه ترسى! هرگز در تمام عمرم تا به این حد نترسیده بودم. اگر یک لحظه دیرتر تشریف آورده بودید حتماً زهره ترک مى شدم و خدا مى داند چه بلایی بر سر من مى آوردند.

بعد به خودم جرأت بیش تری داده و پرسیدم: راستی، فرمودید که شما چه کسی هستید. و آقا لبخند بر لب داشته و با نگاهی سرشار از عطوفت، مهربانی و قدرشناسی به من نگریستند، فرمودند: من علی بن موسی الرضا هستم. آقای حائری! شما ۳۸ مرتبه به زیارت من آمدید، من هم ۳۸ مرتبه به بازدیدت خواهم آمد. این اولین مرتبه اش بود، ۳۷ بار دیگر هم خواهم آمد...».

علامه حسن حسن زاده آملی:

اذان مغرب نزدیک بود و من باید برای نماز مغرب و عشاء آماده می شدم. به طرف اتاق رفتم، گنجه را باز کردم. سفره ی خاک را برداشتم و گشودم. کف دست هایم را با خاک آشنا ساختم، تکاندم و بر صورت کشیدم؛ از بالای پیشانی تا زیر ابروان و... بله، من تیمم کردم. ۱۵ سال بود که تیمم می کردم. دیگر خسته شده بودم. آب برای چشمانم ضرر داشت و من هم سخت به آن ها نیازمند بودم. بدون چشم که نمی شود مطالعه کرد، تدریس نمود، نوشت و یا حتی به خوبی راه رفت. یک عالم دینی و یک محقق علمی، اگر پا نداشته باشد، می تواند به کارش ادامه دهد، ولی بدون چشم هرگز! پزشک معالجم می گفت:

- اگر به چشمانت نیاز داری، نگذار قطره ای آب به آن برسد.



درست به خاطر دارم که شب چهارشنبه اول اسفند ماه سال ۱۳۶۳ بود. نماز که خواندم سفره‌ی شام پهن بود. مثل همیشه شام مختصر و سبکی تناول کردم اما در عین حال مزاجم بنای بهانه را گذاشت و در آن هوای سرد مرا به داخل حیاط کشاند و تا ساعت ۱۲ شب به پیاده روی و قدم زدن واداشت. بدجوری خسته شده بودم و خواب هم به من فشار می آورد و من سعی می کردم تا حد امکان دیرتر به رخت خواب بروم تا اندکی غذایم هضم شود. بالاخره به رخت خواب رفتم. هنوز سرم به بالش نرسیده بود که خوابم برد. خوابی عمیق و شیرین. خودم را در محضر ولی الله الاعظم، حضرت امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) دیدم. خواستم چیزی بگویم اما جرأتش را پیدا نکردم. آقا با نگاهی مملو از مهر و محبت به من نگریست و با اشاره ی دست و نگاه خود به من فهماند که:

چرا این روزها کم تر خودت را به ما نشان می دهی؟

سعی کردم چیزی بگویم، می خواستم عرض کنم که آقا: خودتان که بهتر می دانید این روزها چقدر مشغول تدریس، تألیف و تصنیف بوده و گرفتارم. البته همه ی این ها در جهت خدمت به شما است، ولی... ولی در عین حال چشمم. اطاعت می کنم. همین صبح زود به زیارت بی بی فاطمه معصومه (سلام الله علیها) مشرف خواهم شد و عذر خواهم خواست حق با شماست. مدتی است که به زیارت بی بی مشرف نشده ام...

در همین افکار غوطه ور بودم که آقا، بزرگوارانه، مسیر سخن را تغییر داد و اجازه نداد که بیش از آن خجالت بکشم و فرمود: ما ضامن چشمان توایم.

ناگهان از خواب بیدار شدم. به سوی شیرآب رفتم و با خیال راحت وضو گرفتم. دیگر هیچ بیم و واهمه ای از جهت چشمانم نداشتم؛ زیرا معتبرترین ضامن، آن را ضمانت کرده بود. همان آقای که به «ضامن آهو» معروف است. دیگر چشمانم درد نمی کردند و اکنون نیز که چندین سال از آن زمان می گذرد از هر جهت سالم اند. هیچ شکی ندارم که تا آخر عمر، چشمانم سالم بوده و بینایی خوبی خواهم داشت.

.....برگرفته از کتاب کرامات امام رضا (علیه السلام) - نوشته حسین جمهوری

الگوهای مبارک‌نثار و شمشاد



شهید حاج قاسم سلیمانی

امام خامنه‌ای (مد ظله العالی):

«به شهید حاج قاسم سلیمانی به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به چشم یک مکتب، یک راه و یک مدرسه درس آموز نگاه کنیم»

(۱۳۹۸/۱۰/۲۷)

زندگینامه

در ۲۰ اسفند ۱۳۳۵ در خانواده‌ای مذهبی در شهرستان رابر از توابع استان کرمان، پسری به دنیا آمد که نامش را قاسم نهادند. در دوران نوجوانی و جوانی همزمان با درس، به کار بنایی اشتغال داشت و در ۱۸ سالگی به عنوان پیمانکار در سازمان آب مشغول به کار شد.

حوادث انقلاب اسلامی مقارن شد با دوران جوانی حاج قاسم، ابتدا با یک روحانی انقلابی بنام رضا کامیاب آشنا گردید که همین آشنایی موجب شد وارد جریان انقلاب شده و بعد از مدتی، یکی از گردانندگان اصلی راهپیمایی‌ها و اعتصابات کرمان در بحبویه انقلاب شود.

قاسم جوان پس از انقلاب اسلامی، فعالیت‌های خود را ادامه داد تا اینکه در سال ۱۳۵۹ لباس مقدس پاسداری را به تن کرد. شروع جنگ تحمیلی نیز بهانه‌ای شد تا کوره وجودش در آن آبدیده شود و پس از آن، خود را وقف دفاع از کشور نمود. به لحاظ ویژگی‌های شخصیتی و توانمندی‌های مدیریتی، با وجود سن کم، عهده دار فرماندهی دو گردان از رزمندگان استان کرمان شد و اندکی بعد، مسئولیت تشکیل تیپ جدیدی در منطقه کرمان به ایشان واگذار شد و در سال ۱۳۶۰ به فرماندهی لشکر ۴۱ ثارالله منصوب شد.

این فرمانده شجاع با درایتی که از خود نشان داد، مسئولیت عملیات‌های مختلف در جبهه نبرد را عهده‌دار بود، که در هر یک نقش موثری ایفا نموده و موجب تضعیف ماشین جنگی صدام و حزب بعث گردید.

با پایان جنگ، جبهه جدیدی بر روی سردار گشوده شد و این بار با فرماندهی نیروهای مستقر در مرزهای شرقی، به مبارزه با اشراک و قاچاقچیان مواد مخدر پرداخت. در سال ۱۳۷۹ از سوی فرماندهی معظم کل قوا (مدظله العالی)، به فرماندهی سپاه قدس منصوب شد. از جمله نقاط درخشان فرماندهی سردار سلیمانی در نیروی قدس، تقویت حزب‌الله لبنان و گروه‌های مبارز فلسطینی بود که ثمره آن، پیروزی در جنگ با رژیم صهیونیستی می‌باشد.

در سال ۱۳۸۹ با حکم فرمانده معظم کل قوا، با یک درجه ارتقاء به درجه سرلشکری نائل آمد. اندکی بعد، با شروع اقدامات جریان‌های سلفی تکفیری (داعش) در سوریه و بعد عراق،



الگوهای ماندگار ایثار و شهادت

شهید سلیمانی علاوه بر حضور و نظارت های میدانی در مناطق یاد شده، نقش محوری در هدایت فرماندهان سوری و عراقی در مبارزه با داعش داشت و با تشکیل و سازماندهی بسیج مردمی در سوریه و حشد الشعبی در عراق، عرصه را بر داعش تنگ نمود. به طوری که در سال ششم نبرد در سوریه، داعش را زمین گیر نموده و تمام نقشه های آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا به هم ریخت و حکومت خودخوانده داعش را سرنگون نمود.

در ۱۹ اسفند ۱۳۹۷، نشان ذوالفقار - عالی ترین نشان نظامی ایران - با دستور فرماندهی معظم کل قوا، به سردار سلیمانی اهدا شد. طبق قوانین، این نشان به فرماندهان عالی رتبه ای اهدا می شود که تدابیر آنها در طرح ریزی و هدایت عملیات های رزمی، موجب حصول نتایج مطلوب شده باشد.

علیرغم تهدید به ترور از سوی مقامات آمریکایی، سردار لحظه ای از خدمت به مردم مظلوم منطقه و مبارزه با دشمنان، دست برنداشت و در پاسخ به تهدید ترور می گفت: خداوند شهادت در راه خودت را به دست دشمنان دینت، نصیب من بگردان. سرانجام این فرمانده خستگی ناپذیر در بامداد جمعه ۱۳ دی ۱۳۹۸ در یک سفر رسمی به کشور عراق، با حمله موشکی بالگردهای آمریکایی به همراه یاران هم‌رزمش، در اطراف فرودگاه بغداد به شهادت رسید. فقدان این سردار پرافتخار اسلام، بسیاری از مبارزان، آزادی خواهان و حق پرستان جهان را در سوگ فرو برد. یاد و نامش گرامی باد.

ویژگی ها و خصوصیات مکتب شهید سلیمانی (خصال خوبان):

✽ **تعبد و معنویت و پرهیز از دنیادوستی:** استفاده از هر فرصتی در شبانه روز برای تلاوت قرآن، دعا و مناجات و ارتباط دائم و درونی با خداوند متعال.

✽ **ارادت و تمسک به اهل بیت (علیهم السلام):** علاقه و شیفتگی از عمق جان به اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)، توسل پیوسته و با حضور قلب به اولیاء الهی.

✽ **اخلاص:** داشتن ظاهر بی‌آلایش و مؤمنانه و باطن صاف و خالص، پرهیز از هر گونه ریا و خودنمایی و مطرح شدن، انجام کار فقط برای رضای خدا.

✽ **روحیه شهادت طلبی:** آرزوی شهادت در راه خدا (درخواست دائمی و مجدانه شهادت از

خداوند) و پیوستن به یاران شهیدش (دفاع مقدس و مدافعین حرم).

✱ **خوشخویی (حسن خلق):** متواضع و فروتن نسبت به دوستان، یاران و آحاد مردم به‌ویژه خانواده شهدا (به همان میزان با صلابت و استوار در برابر دشمن).

✱ **ولایت مداری:** ولایت‌مدار به غایت معنا و عشق ورزیدن و ارادت قلبی به رهبر و مقتدای خویش، عدم انحراف از خط ولایت و رهبری نظام اسلامی.

✱ **توجه به اصل کمال طلبی:** گام برداشتن در مسیر رشد و تعالی و خودسازی با باور عمیق قلبی، بی‌توجهی به حواشی و عدم غفلت از اهداف بزرگ الهی و انسانی.

✱ **روحیه انقلابی:** فرزند واقعی انقلاب و نظام و مروج گفتمان انقلاب اسلامی، تلاش برای اعتلای نظام و حرکت در مسیر روشن امامین انقلاب اسلامی.

✱ **روحیه سلحشوری و استقامت:** شجاعت و بی‌باکی، حضور در خطوط مقدم نبرد و صحنه درگیری و شکستن محاصره دشمن، صبر و پایداری کم‌نظیر.

✱ **دیدار صمیمانه با فرزندان و خانواده معظم شهدا:** دیدار صمیمانه و مستمر با فرزندان و خانواده معظم شهدا بویژه شهدای مدافع حرم و رسیدگی به امور این عزیزان.

✱ **نبوغ خاص نظامی:** مسلط به دانش رزم، هدایت و فرماندهی بی‌نظیر در میدان نبرد، استاد بکارگیری تاکتیک‌های نظامی و تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها.

✱ **نظم و انضباط و دقت در امور:** ذهن نظم‌یافته، حضور به موقع و موثر در جلسات، دقت نظر در اظهار نظرها و انجام وظایف، نظم و انضباط فردی.

✱ **دیپلمات مومن و برجسته:** اعلام نظر و مواضع در تراز دیپلمات کارکشته و برجسته، تسلط به آداب و فنون مذاکره در عرصه دیپلماسی و تأثیرگذاری فوق‌العاده.

✱ **سخت‌کوشی و خستگی‌ناپذیری:** نهراسیدن از مشکلات، پرهیز از رخوت، سستی و رکود، پذیرش سختی‌ها و ترجیح آن به رفاه و آسایش خود.

✱ **بیان تأثیرگذار:** سخن گفتن با تمام وجود با آمیزه‌ای از عقلانیت و احساس (بدون بکارگیری فنون سخنوری و خطابه) و تأثیرگذاری بر عمق وجود مخاطب.

- ❁ **سنجیدگی و تدبیر در امور:** اخذ تصمیمات بجا و سنجیده، اهل تأمل و تفکر بودن، بهره‌گیری از مشورت دیگران، تلفیق وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی.
- ❁ **علاقه به فرهنگ و هنر:** داشتن برنامه‌های همیشگی مطالعه و کتابخوانی، علاقه وافر به شعر، ادبیات و هنر و تاریخ، پیگیری جدی برنامه‌های هنری و سینمایی دینی.
- ❁ **حفظ راه میانه و اعتدال:** پرهیز جدی از افراط و تفریط، دوری از حاشیه‌ها، نگاه فراچنانی به جریان‌های سیاسی در زیر خیمه انقلاب، بینش وسیع و جامع‌نگر.
- ❁ **سادگی و صفا:** قانع بودن به زندگی ساده و با حداقل امکانات، بیزاری از تجملات و تشریفات، و حتی در مورد سنگ مزار خویش به خانواده‌اش وصیت نمودند که بنویسید: «سرباز قاسم سلیمانی».
- ❁ **ارتباط با جوانان:** هم‌نشینی با جوانان، علاقه خاص به آنان بعنوان سرمایه‌های ارزشمند و آینده‌ساز کشور، تلاش و مساعدت برای پیشرفت جوانان.
- ❁ **آرامش و طمأنینه:** طمأنینه و سکینه قلبی (متأثر از یاد خدا و حضور دائمی در محضر حضرت حق)، داشتن خصال نیکو: مؤدب، موقر و آرام و متین.
- ❁ **ارتباط صمیمانه با خانواده:** عشق ورزی به خانواده و رابطه عاطفی با همسر و فرزندان علیرغم مشغله‌های متعدد، تکریم و احترام بسیار به والدین.
- ❁ **مردم‌داری:** هم‌نشینی با مردم و تفقد از آنان بعنوان «ولی نعمت» خویش، حضور مداوم و بدون تشریفات در میان اقشار مردم (علیرغم توصیه‌های تیم حفاظتی).

فرازی از وصیت نامه‌ی شهدای جوادنیا

خانواده معظم شهدای جوادنیا در مدت کوتاهی از دوران حماسه آفرینی دفاع مقدس، چهار فرزند خود را در دفاع از نظام اسلامی تقدیم نمودند.

نام: احمد

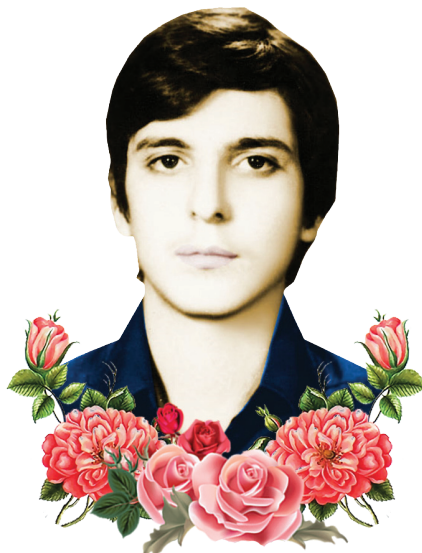
نام خانوادگی: جوادنیا

تاریخ تولد: ۱۳۳۷

تاریخ شهادت: ۱۳۵۹

محل شهادت: بانه

«پدر و مادر فوبم، امیدوارم که زیاد نارامت نشوید و از خدا بخواهید که این قربانی را در راهش قبول کند. از همه ملالیت بطلبید و از قول من بچه‌ها را نصیحت کنید که راه اسلام را بروند» (۱۳۵۹/۰۲/۰۶).



نام: علی

نام خانوادگی: جوادنیا

تاریخ تولد: ۱۳۴۰

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱

محل شهادت: خرمشهر

«از خانواده ام می‌خواهم که با شهادت من خیلی ساده بفرورد کنند و از خود نارامتی نشان ندهند. چون ما فواهان مقیم و با آگاهی به این راه رفته ایم» (۱۳۶۱/۰۲/۱۱).





نام: یونس

نام خانوادگی: جوادنیا

تاریخ تولد: ۱۳۴۲

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱

محل شهادت: خرمشهر

«اگر ولایت فقیه داشتیم همه پیز داریم. نزد فدا اسلام داریم، شرف داریم، عزت داریم. من به شما توصیه می‌کنم از ولایت امام فمینی اطاعت کنید. به همه بگویید که برای من گریه نکنند. شما فقط دعا کنید که فدا مرا در زمره شهدا قرار دهد و دعا کنید که فدا عمر امامان را زیاد کند و سایه‌اش را از سر ما کم نکند»
(۱۳۶۱/۰۲/۰۹).



نام: محمد

نام خانوادگی: جوادنیا

تاریخ تولد: ۱۳۴۳

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶

محل شهادت: شلمچه

«فدایا دوست دارم در لفظه وصل و ملاقات روز قیامت با روی فونی تو را ملاقات کنم. فدایا من فجالت می‌کشم از اینکه مولایم ابوالفضل العباس دست در بدن نداشته باشد و من موقع ملاقات با فدا دست در بدن داشته باشم. معبودا! شیطان غل و زنجیرهایش را در گردنم انداخته و به هر طرف که می‌خواهد می‌کشاند. فدایا زنجیرهای شیطان را پاره کن و به جای آن زنجیر عشقت را به گردنم بیفکن» (۱۳۶۵/۰۲/۰۴).

کتابنامه:

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). علل الشرائع، قم، داوری، ۱۳۸۵.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۵.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. تحف العقول عن آل الرسول، قم، اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن علی، حسن بن زین الدین. معالم الدین و ملاذ المجتهدین، قم، اسلامی.
- ابن عمر جعفری، مفضل. توحید مفضل، ترجمه محمد باقر مجلسی، تهران، فقیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم. لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
- اربلی، علی بن عیسی. کشف الغمه فی معرفه الأئمه، تصحیح هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
- اسکندری، علاء الدین. اندیشه های پنهان: رویکرد سیستمی به حیات معنوی انسان، قم، لیله القدر، ۱۳۸۸.
- اسماعیلی، علی محمد. جنگ نرم در همین نزدیکی، تهران، ساقی، ۱۳۹۱.
- بختیاری، علی. در آستان معبود؛ آموزش نماز ویژه سربازان و وظیفه وزارت دفاع، تهیه کننده: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (علیه السلام)، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، مرکز نشر دفاع، ۱۳۹۶.
- پاک نژاد، سید رضا. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، تهران، کتاب فروشی اسلامی، ۱۳۶۰.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح سید مهدی رجائی، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- توسلی نائینی، منوچهر و سیما بدری زاده. «داوری تجاری بین المللی در فضای مجازی»، مطالعات حقوقی،

دوره ششم، ش ۱، بهار ۱۳۹۳، ص ۶۷.

- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی. «اجوبه الإستفتائات»، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری دسترسی در: <http://www.leader.ir>.

- «استفتائات جدید»، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، دسترسی در: <http://www.leader.ir>.

- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی. «پرسش‌های متداول، مسائل فرهنگی و اجتماعی»، دسترسی در: <http://www.leader.ir>.

- اجوبه الاستفتائات (ترجمه فارسی)، تهران، الهدی، ۱۳۸۱.

- رساله آموزشی، تهران، مؤسسه فرهنگی - هنری امین، ۱۳۹۲.

- حسینی زبیدی واسطی، سید محمد مرتضی. تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.

- دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه دهخدا. تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

- راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد. مفردات الفاظ القرآن، ترجمه مصطفی رحیمی‌نیا، تهران، سبحان، ۱۳۸۵.

- رضائی، احمد. آداب معاشرت؛ اخلاق ویژه سربازان وظیفه وزارت دفاع، تهیه‌کننده: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (علیه السلام)، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، مرکز نشر دفاع، ۱۳۹۵.

- شریعتی‌مهر، محمد. «انواع مهندسی اجتماعی»، نت‌آموز، دسترسی در:

<http://netamooz.net/blog/-social-engineering>

- طباطبایی، سیدمحمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.

- طبرسی، حسن‌بن‌فضل. مکارم الاخلاق، قم، الشریف‌الرضی، ۱۴۱۲ق.

- عمید، حسن. فرهنگ لغت عمید، تهران، اشجع، ۱۳۸۹.

- قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دولت، تارنمای قوه قضائیه: دسترسی در:

<http://www.dadiran.ir>

- کارشناس، علی. معارف قرآنی، با رویکرد اعتقادی ویژه سربازان وظیفه وزارت دفاع، تهیه‌کننده: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (علیه السلام)، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح،

مرکز نشر دفاع، ۱۳۹۶.

- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- مارشینا، جی. سی. بهداشت و زیبایی پوست، ترجمه ساعد زمان، تهران، ققنوس، ۱۳۷۲.
- مجلسی، محمد باقر. بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور. نرم افزار حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری (مد ظله العالی).
- مصطفوی، حسن. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۰ ق.
- مطهری، مرتضی. کلیات علوم اسلامی، تهران، صدرا، ۱۳۸۰.
- معین، محمد. فرهنگ فارسی معین، تصحیح جعفر شهیدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰.
- موسوی خمینی، سید روح الله. استفتانات، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱.
- پرسش و پاسخ، پایگاه اطلاع رسانی دفتر امام خمینی (ره)، دسترسی در:
<http://www.imam-khomeini.ir/fa>
- تحریر الوسیله، تهران، مرکز حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹.
- رساله توضیح المسائل، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸.
- صحیفه امام، تهران، مرکز حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۲.
- ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران، مرکز حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۶۷.
- نجفی جواهری، محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نجفی، مرتضی. احکام فقهی جنگ الکترونیک و دفاع سایبری بر اساس فتاوی امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)، قم، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۹۴.
- نوری، حسین بن محمد تقی. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، آل البيت (علیه السلام)، ۱۴۰۸ ق.
- واسطی، عبدالحمید. «نگرش سیستمی به دین»، کتاب نقد، ش ۳۳، زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۰۵-۱۳۸.
- ویکی پدیا؛ دانشنامه آزاد. دسترسی در: <https://fa.wikipedia.org/wiki>



تاریخ:

موضوع:

Lined writing area consisting of 22 horizontal dotted lines for text entry.

موضوع:

تاریخ:

A series of horizontal dashed lines for writing, spanning the width of the page below the subject and date labels.

سایت‌ها و کانال‌های علمی و فرهنگی
برای پاسخگویی به سوالات و شبهات کارکنان وظیفه

www.pasokhgoo.ir

مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی

www.hawzah.net

سایت موزه دات نت

www.Tebyan.ir

تبیان

www.montazar.ir

سایت منتظر

www.wikifegh.ir

دانشنامه ویکی فقه

www.montazeran.ir

سایت منتظران

www.mahdaviat.porseman.ir

سایت پرسمان مهدویت

www.mahdi313.com

سایت مهدی ۳۱۳

www.fatehnet.ir

سایت فاطمه نت سازمان

[@gh_resanah](https://www.instagram.com/gh_resanah)

کانال قاب رسانه

[@salim110](https://www.instagram.com/salim110)

کانال قلب سلیم

[@siasiland](https://www.instagram.com/siasiland)

کانال سیاست بدون فط فوردهگی

[@naasehin](https://www.instagram.com/naasehin)

کانال ناصمین

[@montazer_ir](https://www.instagram.com/montazer_ir)

کانال موسسه منتظران منجی

[@montazer_moalleman](https://www.instagram.com/montazer_moalleman)

کانال جامعه معلمان مهدوی

[@1411414](https://www.instagram.com/1411414)

کانال اطلاع رسانی درالقرآن الکریم سازمان